# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۰ دورهٔ دوم دوشنبه ۴ آبان ماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال


# شعار اصلی انقلاب ، مرگ بر آمریکاست

مطالبی که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه ( اول آبان ماه ۶۰ ) عنوان کرد و توضیح داد ، مطالب بسیار مهمی است. در تائید بسیاری از این مطالب به تفصیل می‌توان سخن گفت . ولی برای مقالی کوتاه در تفسیر سخنان امام جمعه موقت تهران ، دو مطلب اساسی را میتوان برگزید :

مطلب اساسی نخستین در این جمله خلاصه شده است :

"آنروزی که ما بتوانیم توی این مملکت مسئله مسکن را حل کنیم ، مسئله محروممان را حل کنیم ، مسئله استضعاف را حل کنیم ، با اجرای اصل چهل و نه (قانون اساسی ) این گردن کلفتهای اقتصادی را اموال نامشروعشان را از توی حلقشان در بیاوریم ، وحتی ازمهریه زنانشان پس بگیریم و با همه اینها بتوانیم حرفهایمان را به دنیا بزنیم ، کاری هم که کرده‌ایم ارائه دهیم ، آنروز روز اسلام و انقلاب ماست" .

مطلب اساسی دوم در این تذکر مجدد خلاصه شده است که :

بقیه در صفحهٔ ۱۰

در بارهٔ تأکید دادستان کل انقلاب اسلامی بر ,, پا برجا بودن اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای ,,

**با اجرای ,, اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای دادستانی کل انقلاب اسلامی ,,**

# ضد انقلاب را خلع سلاح کنیم!

گسترش آزادیها و ضمانت آن ، ضرورتی است برای تبدیل قانون اساسی ودیگر قوانین انقلاب ، از یک "نوشته" به یک "عمل" ، از یک "قول" به یک "واقعیت" . . . با این گام ، ضمن اتحاد نیروهای متعهد به انقلاب ، خود انقلاب تحکیم می‌شود و تروریسم کور ، بدون زمینه و دستاویز و درنهایت منزوی خواهد شد .

## اعمال قهر بر ضد تروریستها و ارشاد در برابر بازیخوردگان

سخنان حجت الاسلام موسوی تبریزی ، دادستان کل انقلاب اسلامی ،

در مصاحبهٔ مطبوعاتی و رادیو ـ تلویزیونی روز سه‌شنبه گذشته ، حاوی نکات و راه‌حل‌هائی بود که با توجه به فضای سیاسی کنونی کشور و نیاز حاد انقلاب به حاکمیت مطلق قوانین خود وتثبیت وگسترش امنیت فردی وگروهی و تامین سیاسی وقضائی درچارچوب این قانونیت ، حائز اهمیت ویژه است . دادستان کل انقلاب اسلامی دراین مصاحبه فلسفه دادگاه‌های انقلاب و

بقیه در صفحهٔ ۲

# وظیفهٔ عاجل مجلس شورای اسلامی در قبال قانون اصلاحات ارضی

یکی از وظایف بسیار پراهمیت وعاجل مجلس شورای اسلامی ، درلحظهٔ حاضر ، بدون هیچ تردیدی ، تصویب قطعی قانون اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین و باز کردن دست دولت وارگان‌های اجرایی در اجرای سریع وقاطع آن است .

تصویب قانون اصلاحات ارضی به سود دهقانان تهیدست ازاین جهت یک وظیفه عاجل ومبرم است که همچنان که امام نیز بکرات تاکید کرده‌اند ، دراین هنگام دیگر از مسئولان هیچ عذر و بهانه‌ای قابل قبول نیست ، زیرا هدف روشن خط معین است ودستگاه‌ها همه در یک جهت و در یک سمت حرکت میکنند

وتکلیف نخستین آنست که تدوین کنندگان قوانین و دست اندر کاران امور اجرائی به زاغه‌نشینان ومحرومان بیاندیشند .

نامه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به کسب تکلیف رئیس مجلس شورای اسلامی ، راه را برهرگونه تعللی می‌بندد وسلاح موثر وکارآئی را در اختیار قوه‌مقننه برای تدوین و سپس اجرای دقیق قوانین بنیادی ، چون قانون واگذاری زمین ، به‌منظور " دفع فساد " (اثرات عمیق سیاسی واقتصادی وفرهنگی واجتماعی بزرگ‌مالکی ) و "رفع حرج" (تنگناهایی که بعلت وجود بزرگ مالکی ـ اعم از فئودالی وسرمایه‌داری ـ بر سرراه حفظ و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دارند ) به دست می‌دهد .

اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع متضمن الغای ریشه‌ای بزرگ‌مالکی و رساندن حق به حق‌دار ، یعنی زمین به دهقان ، ازجملهٔ اعمالی است که حافظ نظام جمهوری اسلامی ایران است . ترک آن ، یعنی عدم اجراء یا تاخیر دراجرای قانون ، بی‌شک موجب فساد می‌شود ، مخل شالوده‌های نظام جمهوری می ـ گردد ، جبههٔ براندازی را تقویت می‌کند وزمینه ساز توطئه‌ها می‌شود . بر عکس ، فعل آن ، یعنی اجرای قاطع و فوری قانون و بازگذاشتن دست هیئت‌های هفت‌نفری در اجرای بی‌خدشه ودقیق قانون مصوب موجب درهم شکستن پایگاه شیطان بزرگ وخاستگاه طاغوت میگردد و راه را برای حل معضلات گرهی اقتصادی واجتماعی واحیای اقتصاد کشاورزی وگسترش وتقویت پایگاه عظیم انقلاب ، که دهقانان زحمتکش هستند ، وبهبود زندگی مستضعفان روستاها باز می‌کند وبدین ترتیب پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران راحفظ وتحکیم می‌کند .

بقیه در صفحهٔ ۸

# بسته بندیهای نو برای تئوریهای کهنهٔ امپریالیستی

تئوری‌سازان میخواهند القاء کنند : حالا که کار به آنجا کشیده که نمی‌توان مناسبات باکشورهای امپریالیستی را بهبود بخشید ، با کشور های ضدامپریالیستی هم نباید مناسبات دوستانه برقرار کرد .

روزنه‌ای که بعد از شکست خط آمریکائی لیبرال‌ها در سیاست خارجی ، برای شناخت کشورهای دوست و حامی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران پیدا شده وگام‌های نخستینی که در راه برقراری مناسبات حسنه با برخی از این کشورها برای رفع نیازمندی‌های کشورما ، برمبنای حفظ وتحکیم استقلال ، برابری حقوق و احترام متقابل برداشته‌شده ، لیبرال مائوئیست‌ها ، یعنی غضنفرپورهای هنوز افشانشده را سخت به تکاپو واداشته‌است .

امروز دیگر علنا نمیتوان از لزوم "بهبود مناسبات" با آمریکا و با دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی سخن گفت . این ورق بازی‌شده و بازیگر آن باخته‌است . حتی بازار "استدلال" مذهبی آن نیز ، پس از آنکه توسط امام افشا شد ، به‌کسادی گرائید . حالا دیگر نمیتوان گفت که چون شرق "ملحد" است وغرب "موحد" ، پس لزوما می ـ بایستی راه "بهبود" "مناسبات باغرب وآمریکای "موحد" را در پیش‌گرفت .

پس چه‌بایدکرد ؟ بەنظرآقایان ، باید به‌هرترتیبی شده راه برقراری مناسبات باکشورهای طرفدار انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران رابست وبدین‌وسیله‌کشور را به انفراد کشاند ، تابهتر بتوان آنرامجبور کردکه به‌همان "بهبودمناسبات" با آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی اسارتگر و غارتگر تن دردهد . برای رسیدن به این‌مقصود ، حالا دیگرباتبلیغ "تئوری مائوئیستی "سه‌جهان" نیز نمیتوان جو سازی کرد . خریداران این کالای‌تقلبی نیزاندک‌شده‌اند . وقایع پی درپی در سطح منطقه و در سطح جهانی دعوی "سازش دوابرقدرت" را در هم شکسته وازسوی‌دیگربه‌زحمت میتوان به ساده ـ دلان قبولاند که "جهان دوم" (دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن ) همدستان ودستیاران آمریکا نیستند . حالادیگر نمیتوان با مترسک" خطر شوروی "ایران را در آغوش آمریکا افکند ونیز نمیتوان با "لولوی‌کمونیسم"

بقیه در صفحهٔ ۲

# جنایت شیراز ، ورشکستگی کامل یک مشی سیاسی

## تروریسم کور به راه حل سیاسی نیاز دارد

در صفحهٔ ۷

# با مسابقهٔ تسلیحاتی و نابودی همگانی ، یا نیل به خلع سلاح و زندگی و رفاه اجتماعی !

درپی تظاهرات گسترده‌ای که مدتی است ، بویژه درشهرهای بزرگ اروپا ، علیه جنگ و نیل به خلع سلاح صورت میگیرد ، از ۲ تا ۸ آبانماه ، هفته جهانی عمل برای خلع سلاح برگزار میشود درعین حال سی وششمین دوره اجلاسیه سازمان ملل متحد پیشنهادهای مشخص دولت شوروی درباره قطع مسابقه تسلیحاتی وتامین خلع سلاح را مورد بررسی قرارمیدهد .

خلع سلاح و زندگی بی‌خطر از آرزوهای دیرینه‌بشربوده ، اما مانند بسی آرزوهای والای انسانی ، تا کنون تنها به‌صورت آرزویی مقدس باقی مانده است . طبقات حاکمه مستکبر ، برای تحمیل سلطه‌خود برمردم زحمتکش کشور خویش و دیگرجوامع ، خلق‌ها وکشورها ، پیوسته درتکمیل انواع جنگ‌افزارها و افزایش قدرت تخریبی آنها کوشیده ـ اند . دعوت به خلع سلاح و محدود کردن مسابقهٔ تسلیحاتی که در دوران امپریالیسم ازسوی سیاستمردان و اندیشمندان نظام سرمایه‌داری به‌عمل می‌آید (درکنفرانس‌های صلح لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ ) در بهترین صورت چیزی جز پندارهای پاسیفیستی نبود ۱۴ مادهٔ معروف ویلسون ، رئیس جمهور آمریکا ( پس از جنگ جهانی اول ۱۹۱۸ ـ ۱۹۱۴ ) و نظامنامه "جامعه‌ملل" سابق نیز ازاین حدود فراتر نرفتند . نمایندگان قدرتهای

بقیه در صفحهٔ ۲

# ریگان بیهوده عرض اندام می‌کند!

**لئونید برژنف :**

مهاجم هرقدر هم که نیرومند باشد و هر شیوه‌ای را هم که برای نیل به هدف خود انتخاب کند ، باین هدف نخواهد رسید و کیفر خواهد دید .

اخیرا ریگان ، بنا به اصطلاح مطبوعات بورژوائی ، یک سلسله اظهارات "جنجالی "کرده‌است . موافق این اظهارات ، ریگان "جنگ محدود "هسته‌ای را در اروپا محذوف نمیداند . این اولین بار نیست که ریگان وهمپالکیش ژنرال هیگ ازاین نوع مطالب می‌گویند . ورود این آقایان به‌صحنه برای آن بودکه " عضلات نیرومند" امپریالیسم میرندهٔ امریکا را نشان دهند ورقباء رابترسانند و هم ـ دستان رابه‌اطاعت و کرنش وادارانند . آنها به‌این کارمشغولند .

جنگ محدود هسته‌ای ! این یک شوخی بی‌مزه‌ایست . همه میدانندکه کار برد سلاح هسته‌ای (اتمی ، هیدروژنی ، نوترونی ) نمی‌تواند محدود بماند . بمب های هسته‌ای امروزی یک‌میلیون بار از بمبی که درهیروشیما وناکازاکی و به دستور ترومن افکنده‌شده ، نیرومندتر است !

طی ۲۵۰۰ سال اخیرموافق محاسبه پوله‌مولوگ‌ها (جنگ‌شناسان ) ۱۵ هزار جنگ رخ‌داده ، که‌مجموع تلفات آنها به چهارمیلیارد بالغ است ، یعنی بالغ بر نفوس امروزی بشریت ! چهارمیلیارد نفر طی‌هزاران سال ازمیان رفته‌اند ، ولی جنگ هسته‌ای میتواند این تعداد را در عرض چندروز ازمیان ببرد ! مقایسهٔ عجیبی است ، اینطور نیست ؟!

بقیه در صفحهٔ ۲

# رژیم دیکتاتوری نمیری در سودان پایگاه آمریکا و همکار مصر

ده سال پس از بازگشت خونین نمیری به‌قدرت ، باردیگر دولت سودان دراخبار خبرگزاری‌ها بمنزله یکی از وفادارترین یاران امپریالیسم آمریکا و متحدان سرسپرده‌اش ، بویژه رژیم مصر ، علیه کشورهای مترقی ، چون لیبی ، جلوه‌گر می‌شود .

در زیر به اختصار کارنامهٔ جعفر نمیری را در ده‌سال گذشته مرور می ـ کنیم :

روز ۲۸ تیر ۱۳۵۰ (۱۹ ژوئیه ۱۹۷۱ )گروهی از افسران چپ ، به رهبری سرگرد هاشم العطا ، علیه رژیم ژنرال جعفرنمیری دست به کودتامیزند. اما این کودتا سه‌روزبعد بعلل گوناگون ، از جمله بی‌تجربگی مجریان آن و دخالت دولت‌های خارجی (مانندمصر ) ، در هم شکسته می‌شود . نمیری کمونیست‌ها را عامل این کودتا معرفی می‌کند و مردم را در رادیو به "شکار همه کمونیست‌ها " فرامی‌خواند .

انتقامجویی نمیری‌سودان را به کشتارگاهی مهیب تبدیل می‌کند . در عرض چند روز سرکردگان کودتا و همچنین عبدالخالق‌محجوب ( دبیرکل حزب کمونیست سودان ) ، شفیع احمد الشیخ (رئیس فدراسیون سندیکایی سودان ) وجوزف گرنگ (وزیربخش‌های جنوبی‌کشور ) وحداقل ۲۰ تن دیگر به اتهام شرکت در کودتا ، پس از محاکمه ـ ای فرمایشی ، اعدام و در حدود ۱۵۰۰ کمونیست و مسئول سندیکایی بازداشت می‌شوند . کمونیست‌کشی سراسرسودان رافرامی‌گیرد و چهار روز حکومت کودتا و سرکوب آن ، نام "کمون خرطوم " رامی‌یابد . تابه امروز اطلاع دقیقی از شمار قربانیان جنایت انتقام

بقیه درصفحه ۴

# سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱)

در صفحهٔ ۹

# باجرای...

بقیه از صفحه ۱

نقش آنها را در دوجنبه متفاوت، که به موازات هم وجود دارند ویکدیگر را تکمیل می‌کنند، تشریح کرد. او عنصر قهرآمیز و قاطعیت و سرعت عمل این دادگاه‌ها را در سرکوب ضد انقلاب ریشه‌کنی تروریسم کور، خنثی کردن دسایس ودامهائی که امپریالیسم جهانی وبویژه شیطان بزرگ وایادی داخلی آن، برای تضعیف انقلاب و از پای درآوردن آن وخدشه‌دارکردن رژیم تدارک می‌بینند، موردتاکید قرار داد و در این زمینه ازجمله " به خطر حزب آمریکایی خلق مسلمان در آذربایجان غربی و شرقی "اشاره کرد وگفت:

"نهادی که ایستاد و این جریان آمریکایی راشکست داد، دادگاه انقلاب بود واگرنمی‌ایستاد، خدامی‌داند که این اشرار چه می‌کردند".

حجت‌الاسلام موسوی‌تبریزی قهر وقاطعیت دادگاههای انقلاب را از عوامل مهم شکست تروریسم کور وتار و مارکردن تروریست‌ها و ماجرا جویان آنارشیست در رویدادهای اخیردانست ودرضمن‌روی دیگر مدال قهر وشیوه نظامی دادگاه‌ها یعنی روشهای سیاسی واقناعی و به خصوص ارشاد و تبلیغ در برابر بازی‌خوردگان وبه بیراه‌رفتگان‌را ضرور و کارساز شمرد. کاهش جنبه‌قهرو هماهنگ با افول تروریسم و آزادی‌روز افزون‌زندانیان‌تنبیه‌شده، که‌دادستان کل انقلاب اسلامی بعنوان خط اصلی سیاست قضائی‌کشور درحال وآینده مطرح‌کرد، بیان دیگرهمان‌نکته‌ای‌بودکه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، درخطبهٔ نمازجمعه‌هفته‌قبل‌موردتوجه قرار داده بود. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی روی تمایل‌جمهوری اسلامی ایران به قطع جراحی اجتماعی، یعنی تخفیف‌و کمرنگ شدن "قهر" در مورد بازی خوردگان، تاحد محو آن، انگشت گذاشت و دادستان کل انقلاب‌اسلامی درسیاست‌قضایی‌انقلاب‌همین تمایل و مقصد را آشکار کرد.

## تبدیل "اعلامیه۱۰ ماده‌ای" ازکاغذ به عمل

نکته محوری وحساس دیگری‌که درمصاحبه دادستان کل‌انقلاب‌اسلامی وجود داشت، تاکیددوباره بر "اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی کل انقلاب اسلامی "واعتبار و ضرورت آن در تعیین حدو مرز فعالیت‌و حقوق‌احزاب و سازمانهای سیاسی کشور بود. درواقع می‌توان‌گفت که ثمربخشی سیاست قضایی و رویه دادگاه‌های انقلاب، برای ایجاد فضای سالم سیاسی‌وکور کردن‌راههای‌ترور و توطئه وسوءاستفاده برضدجمهوری اسلامی ایران، تا حد زیادی وابسته به اجرای درست‌واصولی "اعلامیه ۱۰ ماده‌ای" است. به نظر می‌رسد که هم دادستانی کل انقلاب اسلامی‌وهم مسئولان‌ومقامات واقع بین مملکتی، به‌ضرورت واهمیت اجرای این اعلامیه واقف اند. تکرار و تاییدصحت محتوی و لزوم استقرار "اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای" از سوی عالیترین‌مراجع‌کشور از بدو انتشار آن تا کنون، گواه همین وقوف است. از رهبرانقلاب‌وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران، تاحجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی‌رئیس مجلس، حجت الاسلام مهدوی‌کنی نخست‌وزیر، زنده یاد محمد علی رجائی رئیس جمهور شهید، شهیدآیت‌اله‌دکترمحمدبهشتی حجت‌الاسلام باهنرنخست‌وزیرشهید، شهیدحجت‌الاسلام قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی، آیت اله املشی دادستان کل کشور و... به‌کرات و در شرایط مختلف لزوم اجرای "اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای" را عنوان کرده‌اند. اما متاسفانه با این همه تکرار و تاکید، "اعلامیه ۱۰ ماده‌ای "هنوز بطورعمده روی کاغذ باقی مانده و در عمل مورد بی‌مهری‌قرارگرفته‌است. آنچه‌درک‌بی‌مهری وبی‌تفاوتی در برابر "اعلامیه ۱۰ ماده‌ای" را دشوار می‌سازد، این مساله است‌که "اعلامیه ۱۰ماده‌ای" در راستای نصوص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران تنظیم شده، مورد تائید رهبرانقلاب‌وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران ومقامات‌عالی کشور قرار گرفته و وثیقهٔ حقوق و آزادی‌هائی است که حدو مرزهای آن رامصلحت انقلاب اسلامی‌ضدامپریالیستی و مردمی ایران تعیین‌کرده‌است. مخالفت با "اعلامیه ۱۰ماده‌ای "وحتی‌طفره‌رفتن‌ازاجرای‌آن مخالفت با یکی از مهمترین پایه‌های قانون‌اساسی‌و یکی‌ازرهنمودهای اساسی امام، و در بهترین حالت، به‌تاخیر انداختن تحقق آنست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انعکاسی‌از روح‌انقلاب شکوهمند اسلامی‌ایران‌است وجنبه‌ضداستبدادی وتامین‌آزادیهای‌سیاسی، که‌لازمه رشدو قوام‌سالم وخلاقیت هرجامعه‌ای است، از عمده‌ترین محرک‌ها و آمال‌انقلاب اسلامی‌ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران‌بوده وهست. ازاین‌نظر نیزبی‌التفاتی‌نسبت به "اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای"، اگر عدم درک روح انقلاب اسلامی‌ایران‌نباشد، بی‌اعتنایی به‌آن است، وبی‌اعتنایی به نیازهاوآرمان‌های‌انقلاب، باهرانگیزه‌وبه‌هردلیلی‌که باشد، نمی‌تواندبه‌نفع‌انقلاب تمام‌شود این‌همان‌نکته کلیدی‌است که ۱۰تن از نمایندگان‌مجلس شورای‌اسلامی‌ایران، درمصاحبه با خبرنگاران الجزایری، بمثابه روح وظرفیت فراخ انقلاب اسلامی ایران و قانون اساسی آن به مردم کشورهای رشد یابنده وتشنگان فضیلت وآزادی، عرضه کردند. ده نماینده مجلس شورای اسلامی بما تفاق تصریح کردند:

"جمهوری اسلامی‌ایران‌به‌موجب قانون اساسی وقانون فعالیت‌های احزاب، که اخیرا از مجلس شورای اسلامی گذشته‌است، حق‌فعالیت‌گروه‌های سیاسی را با هرایدئولوژی، تا زمانی که بر توطئه ودرگیری مسلحانه علیه رژیم دست نیازیده‌اند، تضمین کرده‌است. والبته برماست که بکوشیم‌تا محتوای قانون‌اساسی وقانون‌احزاب را تحقق خارجی نیز ببخشیم". (کیهان سه‌شنبه ۲۸ مهر، ص ۱۱)

نمایندگان‌مجلس شورای‌اسلامی، بابه‌رسمیت‌شناختن‌قانونیت "فعالیت گروه‌های‌مختلف سیاسی، باهر ایدئولوژی ومشی سیاسی" باخوشبینی‌اظهار داشتند:

"می‌توان‌امیدوار بودکه‌درصورت فرونشاندن آتش فتنه و توطئه‌ها علیه تثبیت‌وتحکیم جمهوری اسلامی، فضای آزادتری برای فعالیت‌های سیاسی سالم وغیرمخرب‌وغیرخرابکارانه‌فراهم آید".

## گسترش آزادیها، ضرورت روز برای انقلاب است

خوشبینی نمایندگان مردم، همزمان‌بااظهارات‌داد ستان‌کل‌انقلاب اسلامی‌دایر بر "پابرجابودن اعلامیهٔ ۱۰ماده‌ای" ومطرح شدن‌این ضرورت، می‌تواندآغازجدیدی برای اجرای‌عملی مفاد "اعلامیه ۱۰ماده‌ای" باشد، بویژه آنکه دادستان‌کل انقلاب اسلامی در مصاحبه خود، درهم شکسته‌شدن‌ستون فقرات تروریسم و"کم‌شدن‌تخریب‌ها" را اعلام‌داشت. بااین‌موفقیت، دیگر هیچ عذر ومانعی در راه اجرای "اعلامیه" نمی‌تواند مدلل باشد. خلاف‌آن‌چرا. گسترش فضای آزادی‌های سیاسی و تحکیم‌آن‌باضمانت‌قانون، امکان دادن به‌رقابت آزادوسالم‌اندیشه‌هاومشی‌های وفادار به اصول جمهوری‌اسلامی‌ایران، درفضائی فارغ از دغدغه وبیم‌وهرگونه فشار و تهدید، خود بزرگترین ضربه‌ای است‌که‌برپیکربی‌بنیادتروریسم‌کور وارد می‌آید.

تروریسم وتخریب، که اغلب با تحمیق‌ساده دلان همراه‌است، فقط در شرایط اختناق و سرکوب و تحمیل‌می‌تواندبه‌حیات خود ادامه دهد. آزادی وهوای تازه، که‌آفرینندهٔ فضای رقابت سالم وتحمل مخالفان وبحث ومناظره‌و برخوردآزاد آراء و عقاید متفاوت و برانگیزنده انتقادسازنده‌است، شیشهٔ عمر این دیو سیاه را برسنگ می‌کوبد و جادوی آن را باطل می‌کند. این‌امر در ضمن‌یکی‌ازرایج‌ترین حربه‌های‌تبلیغات ضدانقلاب را ازدست‌او خارج‌ویاالااقل کندمی‌کند. این لاف "بنی‌صدر" و "بنی‌صدر"ها ـ که‌گویابخاطر آزادی و دفاع از آن، مبارزه دردیاری غریب را بر ریاست‌جمهوری ترجیح داده است، عملا دودمی‌شودونقاب از چهره‌رجوی ـها، که عوام‌فریبانه خود را عاشقان آزادی و"مجاهد" این راه جامی‌زنند، دریده می‌شود، و در ضمن به‌امر اتحاد و تحکیم پایه‌های همکاری نیروهای سیاسی وفادار به انقلاب ومتعهدبه قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران، یاری‌می‌رساند. فضای‌سوءظن‌رابه فضای تفاهم‌وزمینه تقابل را به‌اهرم‌یگانگی درمسیرهدفهای‌اصلی‌وبنیادین‌انقلاب مبدل‌می‌کند. نزدیکی‌نیروهای هوادار انقلاب، بمعنی‌تحکیم‌وانسجام درونی آن‌وانفرادوانزوای‌بیشترضدانقلاب و عناصر ناباب و ترفندباز است. و این خود بیش‌ازهمه پشتوانه‌ای قوی برای خودانقلاب‌است.

مساله آزادیهای سیاسی، در این برهه از نبرد تاریخ ساز" انقلاب اسلامی‌ایران، درکنار ضرورت عمیق اصلاحات‌بنیادین‌اقتصادی واجتماعی وتصحیح وتدقیق سیاست داخلی و خارجی کشور بر پایهٔ مصالح واقعی انقلاب، به‌مساله عمده وتعیین کننده روز تبدیل شده‌است. آنهائی‌که، چه‌به عمد و آگاهانه وچه به سهو از سر بی‌تجربگی، درسودای جامعه‌یکدست و یکنواختی‌هستندکه فقط یک اندیشه و یک سلیقه ویک برداشت سیاسی و مسلکی در آن‌حق‌حیات دارد، واقعیت تنوع‌جامعه‌وناهمگونی‌های‌سیاسی و طبقاتی آنرا، که خارج از اراده‌ماست، انکار می‌کنند. انکار این‌واقعیت‌عینی دورکردن‌انقلاب‌ازواقعیت‌است، وکدام انقلاب است که بی‌توجه به‌واقعیت و حتی‌درستیز باواقعیت دورنما داشته باشد؟ اگرآراء ومضامین‌ونظرات‌مختلف فرصت وجرئت مطرح‌کردن خود را در پناه قانون نداشته باشند، ودست حمایت قانون را بر سر خود احساس نکنند، به‌قانون‌پای بندنمی‌مانند. و این سرآغاز فتنه است، فتنه‌ای‌که‌هیچ جامعه سالم وعاقلی به استقبال آن نمی‌رود. چنین است که نمایندگان مجلس شورای‌اسلامی، درنقش وکیل‌و گوینده سخن و رای مردم، به درستی عنوان‌می‌کنند:

"برماست که بکوشیم‌تامحتوای قانون اساسی‌وقانون احزاب راتحقق خارجی نیز ببخشیم".

بدینسان تبدیل "اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای" وآزادیهای صنفی‌وسیاسی و حقوق‌احزاب‌وجمعیت‌ها، باهمه‌شمولی که‌قانون برسمیت‌شناخته، ازیک‌نوشته، به‌یک عمل زنده و جاری، به مثابه‌یک وظیفه‌دربرابر مسئولان‌مملکتی گذاشته شده‌است. این ضرورتی‌است که‌تاخیر بردارنیست ـ و تاخیر درآن مستلزم عواقب ناشی از آنست...

# ریگان بیهوده...

بقیه از صفحه ۱

ریگان وهیگ دربارهٔ "ضربه اول" سخنرانی می‌کنند. به‌نظرآنها کوبنده "ضربهٔ اول" درجنگ‌هسته‌ای، برنده جنگ‌است.

به‌مناسبت‌اظهارات‌ریگان، روزنامه "پراودا" بالئونید برژنف‌رهبراتحاد شوروی مصاحبه‌ای انجام‌داد. در این مصاحبه لئونید برژنف‌ازجمله‌این‌عبارت راگفت‌که، گمان‌می‌کنیم، آب‌پاکی روی دست‌تمام‌آرزومندان‌جنگ‌هسته‌ای و "ضربهٔ اول" ریخته‌باشد. در تاریخ دیپلماسی شمابه‌عباراتی بااین‌قاطعیت‌و جامعیت کم برمی‌خورید. لئونید برژنف گفت:

"مهاجم‌هرقدرهم که نیرومند باشد وهرشیوه‌ای راهم که برای نیل‌به هدف خود انتخاب کند، به‌این هدف نخواهد رسید و کیفر خواهد دید."

در "کاخ‌سفید" نیک‌میدانند که رهبران‌اتحادشوروی‌واژه‌ها را به عبث به‌هواپرتاب‌نمی‌کنند، به‌این‌دلیل ساده که‌می‌دانندطرف آنها "هالو" نیست و می‌تواند عیار ادعاها رابسنجد وبرای اینکارهمه‌گونه‌وسایل در دست‌دارد و اگربه‌این‌نتیجه‌برسد که طرف دعوی میان‌تهی‌می‌کند، عواقب آن زیاداست

در واقع اگر اینطور نبود، الان مدتها بودکه ایالات متحده امریکا از سیاست "هارت وپورت" و "عرض‌اندام" وبرخ‌کشیدن ناوگان‌ها وایجاد "سپاه واکنش‌سریع" وامثال آن، وارد مراحل راهزنانه‌تر وتجاوزکارانه‌تری میشد، که میل شدید قلبی وخاصیت سرشتی امپریالیستی وثمرهٔ تفرعن اوست، که خودرا "تاج‌تعدن‌جهان!" می‌شمرد.

زندگی درسال‌های‌اخیر صحت سخن‌امام‌خمینی راثابت‌کردکه: "آمریکا هیچ‌غلطی‌نمی‌تواندبکند." اقدامات امریکابرای احیا قدرت ازدست دادهٔ خود درمنطقهٔ خاورمیانه وافریقا یک سلسله اقدامات‌حادثه‌جویانه‌واحمقانه ازنوع "عملیات "نورآبی" طبس، سرنگون‌کردن هواپیمای لیبی، تحریک افریقای جنوبی برای تجاوز به نامیبیاوآنگولا، تحریک صدام به جنگ تجاوزکارانه‌علیه‌ایران، تحریکات در مرزهای‌ایران ـ پاکستان وایران ـ ترکیه کیش‌دادن‌باصطلاح "مجاهدان" افغانی علیه‌دولت‌انقلابی‌کابل‌وامثال‌آنهاست، تاسلسلهٔ جلیلهٔ طولانی نوکران‌آمریکادر جهان، ازخالدگرفته‌تابنی‌صدر، دلسرد نشوندوخیال‌نکنندکه‌ارباب‌معجزه‌نمی‌کندویکباره روحیه‌خودرانبازند.

ولی شمایکبارد یگرجملات‌لئونید برژنف رادرمصاحبه‌با روزنامه‌پراودا از نظربگذرانید وببینید که نیروهای انقلابی جهان‌به‌چه‌پایه و مایه‌ای از قدرت رسیده‌اند:

"مهاجم‌هرقدرهم که‌نیرومند باشد،

هرشیوه‌ای‌هم که‌برای‌نیل‌به‌هدف خودانتخاب‌کند،

به‌این‌هدف‌نخواهد رسید، وکیفرخواهددید."

بگذارید باندی که اکنون "کاخ سفید" رااشغال‌کرده ومعروف‌است که حتی بامافیای بین‌المللی نیز پیوند دارد، دربارهٔ این‌جملات شگفت‌و بی‌سابقه درتاریخ دیپلماسی جهان‌خوب بیندیشد.

# بسته بندی...

بقیه از صفحه ۱

وبا "انگکمونیستی "از احقاق حقوق مستضعفان جلوگرفت...

پس راه‌حل چیست؟ لیبرال ـ مائوئیستها به‌خیال‌خود راه چارهٔ جدیدی برای رسیدن به‌مقصود قدیم یافته‌اند. آنهاسعی دارند دربسته‌بندی جدیدی همان کالای قدیمی را به‌بازار آورند، مبنی براین‌که: تمام جهان‌کافر و ملحد است و بر تمامی جهان یک نظام ونه دونظام‌حاکم‌است. این‌دونظام ـ نظام‌امپریالیستی‌ونظام ضدامپریالیستی، نظام‌سرمایه‌داری و نظام‌ضدسرمایه‌داری ـ دو نظام‌نیست، دوقالب، دوقطب از یک‌نظام است و بنابراین، حال که کار به اینجا رسیده که باکشورهای امپریالیستی نمی‌توان مناسبات‌را "بهبود" بخشید، باکشورهای ضدامپریالیستی نیز نباید مناسبات‌دوستانه‌برقرار کرد، چون که نظام حاکم بر همگی آنان، چه امپریالیستی وچه‌ضدامپریالیستی، چه دشمن‌انقلاب وچه دوست‌انقلاب‌ایران، "الحادی" است!

یک‌لحظه فرض کنید که این "تحلیل "لیبرال‌ـمائوئیست‌های تازه‌مسلمان ویامسلمان نوع "خلق‌مسلمان" مبنای سیاست‌جمهوری اسلامی ایران قرارگیرد واین‌سیاست‌اجراشود. نتیجه چه‌خواهدشد؟ نتیجه‌عملی آن‌خواهد شد که ایران باهیچ‌کشوری در جهان هیچ‌رابطه‌ای برقرارنکند، دورکشور را دیوار بکشد، تنهاومنفرد شودودرنتیجه، محروم‌ازهرگونه حمایت‌و همکاری، زیر فشارنیازمندی‌ها درهم شکند.

ولی لیبرال ـ مائوئیست‌ها دیگر بیهوده وعبث تلاش‌میکنند. انقلاب و تمام‌نیروهای راستین انقلابی دیگر آزموده‌ها را، در هر قالب جدیدی نیز که عرضه شوند، مجددانخواهند آزمود. برغم آقایان وبرغم تمام نیروهای‌ضدانقلابی خارجی وداخلی، انقلاب راه رشد وتعمیق وگسترش خودرا، چه در زمینه‌مسائل مهم و مبرم داخلی و چه در زمینه مناسبات باکشورهائی که‌عملا دوستی خود را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اثبات کرده‌اند، بازشناخته‌است. و چون این شناخت منطبق با محتوا و اهداف ضد ـ امپریالیستی، استقلال طلبانه ومردمی انقلاب‌اسلامی و "خط امام" و منطبق بانیازپیشرفت‌انقلاب است، باز پس گرفتنی نیست.

البته بازماندگان لیبرال ـمائوئیستها ـ "عقب‌داران "خط‌آمریکائی"، که هدفش تکمیل محاصره‌ایران ازطریق ممانعت از برقراری مناسبات‌دوستانه‌با کشورهای جبهه‌ضدامپریالیستی‌است، بازهم تا آنجاکه بتوانند به کوشش‌خود ادامه‌خواهند داد. نتیجه آن‌که انقلاب، باتوجه‌بیشتر وقاطع‌تربه‌ضرورت‌زدودن خط‌آمریکائی، میتواند به‌سرعت رشدو تقویت‌خودنائل آید.

مادام که، به‌گفته آقای میرحسین موسوی، وزیر خارجه، "محور اصلی سیاست‌خارجی و داخلی‌ضدامریکائی (ضدامپریالیسم، بسرکردگی امریکا) است"، زدودن‌بازماندهٔ خط‌آمریکائی‌در سیاست‌خارجی‌وداخلی ما، به هررنگ و در هرقالبی درآید، از اهم وظائف انقلاب وحاکمیت‌انقلابی‌است.

# مقایسه‌ای از پویایی اقتصادی اتحاد شوروی و آمریکا

درسالهای دههٔ هفتاد، درآمد ملی‌اتحاد شوروی ۵۷٪ افزایش یافت، این‌درصد برای‌ایالات‌متحدهٔ آمریکا تنها ۳۳٪ بود. درهمین سال‌ها تولید صنعتی دراتحاد شوروی ۷۲٪ ودر آمریکا تنها ۴۱٪ افزایش پیداکرد.

درسال ۱۹۸۰، تولید صنعتی اتحاد شوروی‌به ۸۰٪ تولید صنعتی آمریکا رسید. جدول زیرپویایی این رشد را درسال‌های گذشته‌نشان‌می‌دهد:

| سال | تولیدصنعتی‌اتحادشوروی بعنوان‌درصد تولیدصنعتی‌آمریکا |
|---|---|
| پیش ازانقلاب‌اکتبر | ۱۲/۵ |
| ۱۹۴۰ | ۴۵ |
| ۱۹۴۵ (پس ازجنگ) | ۱۷ |
| ۱۹۶۰ | ۳۳ |
| ۱۹۸۰ | ۸۰ |

اتحاد شوروی‌اکنون درزمینه تولید بیش ازپنجاه‌فرآورده‌صنعتی، از ایالات متحده آمریکاپیشی گرفته‌است.

# یا مسابقه تسلیحاتی و نابودی همگانی
# یا نیل به خلع سلاح و زندگی و رفاه اجتماعی!

بقیه از صفحه ۱

امپریالیستی، که پس از شکست مداخلات مسلحانه‌شان علیه نخستین دولت سوسیالیستی، از مسابقهٔ تسلیحاتی برای براندازی سوسیالیسم دست نمی‌کشیدند، همه پیشنهادهای مشخص را که از سوی دولت شوروی (از کنفرانس سال ۱۹۲۲ در ژن گرفته، تا مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با دیگر دولتها در کمیته‌های مختلف جامعهٔ ملل، در دوره‌های اجلاسیه کمیسیون‌های تدارکاتی آن جامعه جهت کنفرانس‌های خلع سلاح سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و در کنفرانس خلع سلاح ژنو در سالهای ۱۹۳۵ — ۱۹۳۲ و غیره) می‌شد، رد می‌کردند...

اما جنگ دوم جهانی بدان گونه که امپریالیسم می‌خواست (و با همهٔ نیرو تدارک دیده بود) آغاز شد و چنان که امپریالیسم می‌خواست نیز پایان نیافت: سوسیالیسم نوزاد نه فقط ریشه‌کن نشد، بلکه از حدود یک کشور خارج به سیستم مقتدر رشد یابندهٔ جهانی بدل شد. جنبش‌های رهایی‌بخش ملی وسعت یافت و یکی پس از دیگری به پیروزی های درخشان نائل آمد. سیستم مستعمراتی امپریالیسم رفته‌رفته فروپاشید. نقشهٔ سیاسی جهان عوض شد. بسیاری دول نو استقلال به وجود آمدند، که در عرصه مناسبات بین‌المللی نقش روز افزونی ایفا می‌کنند و اغلب تن به تحمیلات گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم نمی‌دهند. امپریالیسم جهانخوار به خیال خام احیای وضع گذشته و برای تحمیل سلطه خود بر دیگر خلق‌ها و کشورها مسابقه تسلیحاتی را ادامه می‌دهد، همه پیشنهادهای مشخصی را که برای توقف مسابقه تسلیحاتی و دست‌رسی به خلع سلاح همگانی می‌شود، رد می‌کند، تا از طریق تهدید و ارعاب، دیگر خلق‌ها را وادار به قبول آقائی خود کنند.

پرفسور جون سومرویل از دانشمندان مترقی آمریکا می‌گوید:

"در محافل ارتجاعی کشور ما این نظر اشاعه یافته است، که ایالات متحده آمریکا، با عدم استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ ویتنام، مرتکب اشتباه گردیده است. علاوه بر این گفته می‌شود که هم اکنون هم گویا ما می‌توانیم و باید از امتیازهای در اختیار داشتن این سلاح استفاده نمائیم و سیاست خود را بر پایه تهدید به کار بردن آن پی‌ریزی کنیم. در واقع صحبت‌هائی هم، که درباره امکان جنگ هسته‌ای "محدود" می‌شود، از اینجا سرچشمه گرفته است".

سوداگران مرگ، مجتمع های نظامی — صنعتی آمریکا هستند، که ریگان‌ها، کارترها، نیکسون‌ها و... آلت تامین منافع غاصبانه و عامل اجرای نقشه‌های تجاوزکارانه آنها هستند. این محافل امپریالیستی اند که به بهای خون میلیونها مردم زحمتکش جهان، میلیارد ها سرمایه اندوخته‌اند و می‌اندوزند. با اطلاع از ماهیت تجاوزکار و خون‌آشام امپریالیسم جای تعجب باقی نمی‌ماند که، چرا این سوداگران مرگ از کار نبردن سلاح هسته‌ای علیه خلق قهرمان ویتنام باصطلاح پشیمان شده‌اند.

مجله فرانسوی "دفانس ناسیونال" (دفاع ملی)، که در صحت اطلاعاتش درباره همتاهای آمریکایی خویش نمی‌توان شک داشت در شماره ژانویه سال ۱۹۷۹ (دیماه ۱۳۵۸) صورتی از سودهای چند مجتمع نظامی — صنعتی آمریکا از جنگ ویتنام (از سال ۱۹۵۵ تا پایان جنگ) منتشر کرد. پیکره‌های این جدول خود به قدری گویا ست که نیاز به تفسیر و توضیح ندارد به نوشته این مجله، مجتمع‌های زیرین تنها از سفارش‌های جنگی که از "پنتاگون" (وزارت دفاع آمریکا) برای جنگ ویتنام گرفته‌اند، سود‌های زیرین را برده‌اند:

شرکت "بوئینگ" — ۱۸ میلیارد دلار، "جنرال دای‌نمیکس" — ۱۴ میلیارد دلار "نورث آمریکن" — ۱۳/۳ میلیارد دلار "یونایتد ایرکرافت" — ۱۱/۶ میلیارد دلار، "جنرال موتورز" — ۱۰/۵ میلیارد دلار، "دوگلاس" — ۸/۵ میلیارد دلار، "آمریکن تلفون اند تلگراف" — ۷/۱ میلیارد دلار، "مارتین ماریتا" — ۶/۶ میلیارد دلار، "سپری‌رند" — ۵/۶ میلیارد دلار "ماکدونل" — ۵/۷ میلیارد دلار.

بدین ترتیب تنها ۱۰ شرکت آمریکائی، به‌حساب ریختن خون مردم زحمتکشی که جز آزادی و استقلال میهن خود چیزی نمی‌خواستند رویهمرفته ۱۰۰/۹ میلیارد دلار سود به جیب زده‌اند! این است معنای واقعی و مقصد حقیقی آن "پیشوائی جهان"، که سردمداران امپریالیسم امریکا مدعی آنند! و آنوقت وزیر جنگ آمریکا، واینبرگر، با بیشرمی هرچه تمامتر مدعی است که گویا "این پیشوائی باری بردوش آمریکاست. چندی پیش او در دفاع از سیاست تشنج‌افزائی و مسابقه تسلیحاتی، که دولت ریگان پیش گرفته گفت:

"ما باید امکان داشته‌باشیم که نقش پیشوائی (لیدرشیپ) جهان را ایفا کنیم. این بار سنگینی است. اما ما باید آنرا بکشیم."

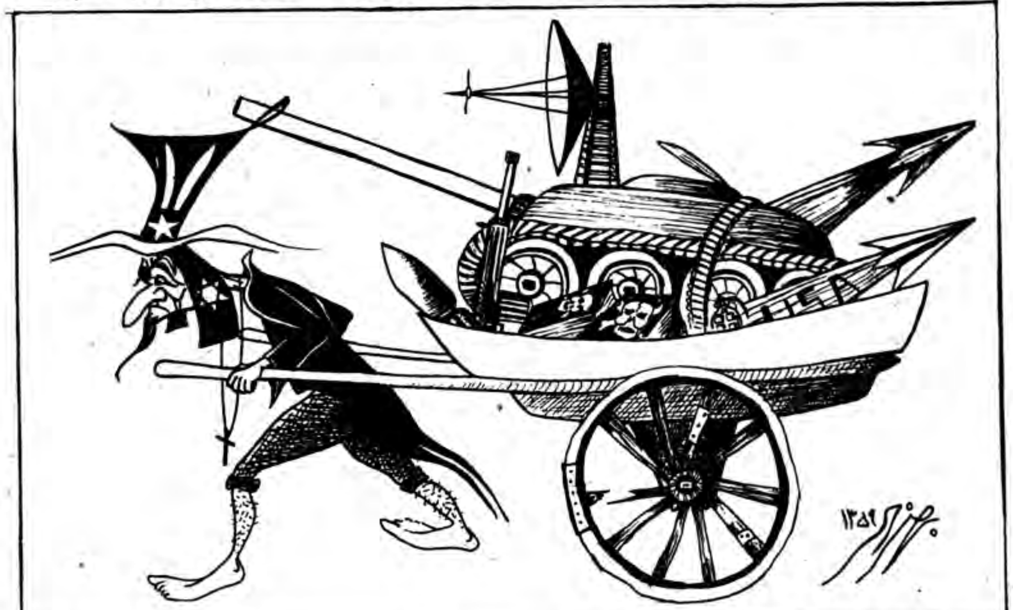
برای آن سودهای هنگفت است که سوداگران مرگ امریکائی متجاوز از ۱۵۰۰ پایگاه نظامی با ۵۰۰ هزار ارتشی را در خارج از خاک آمریکا، با انواع سلاح‌های مخرب و مهلک مجهز کرده‌اند.

فقط ساده‌لوحان میتوانند تصور کنند که این سیاست، گویا سیاست تنها دولت ریگان است. چهارسال پیش کارتر در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد (سال ۱۹۷۷) گفت:

"هرگاه اتفاقی بیفتد که امریکا آن را حمله نظامی به نیروهای مسلح در هر یک از پایگاه‌های نظامی و یا علیه متحدین خود بشمار آورد، صرف نظر از این که این حمله با اسلحه معمولی صورت گیرد یا با سلاح هسته‌ای، ایالات متحده امریکا، آماده است در استفاده از سلاح‌های هسته‌ای پیشدستی کند".

در دورانی که حدود ۵۰ هزار بمب اتمی و هیدرژنی ذخیره شده، که قدرت تخریبی هر یک از آنها هزار بار بیش از بمبی است که امپریالیسم آمریکا (دولت ترومن) روی شهر هیروشیما افکند، آیا معنای این اظهارات وقیحانه میلیتاریستهای نوظهور آمریکائی، چون واینبرگر، جز این است که یا باید سلطه شیطان بزرگ را بپذیرید و یا به فجیع ترین شکل نابودی همگانی تن در دهید؟!

امپریالیسم آمریکا با انداختن دو بمب اتمی در مرداد ماه ۱۳۲۴ (۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵)



بر شهرهای ژاپنی هیروشیما و ناگازاکی (در آخرین روزهای جنگ جهانی، یعنی ۳ ماه پس از تسلیم بلاشرط فاشیسم آلمان، که دیگر شکست قطعی میلیتاریسم ژاپن کار امروز — فردا بود) عملا نشان داد که، اگر بتواند، یعنی اگر مانعی جدی در سر راهش نباشد، برای تحمیل سلطهٔ خویش از هیچگونه جنایتی، هرقدرهم هولناک، کوتاهی نخواهد کرد. ماهیت تبهکار امپریالیسم، سرشت پلید نظام سرمایه‌داری و تجربه تلخ و انکار ناپذیر تاریخی تائیدی بر این نظر است که، اگر هنگام جنگ ویتنام مبارزه گسترده و پیگیر توده‌های مردم جهان و پیشاپیش آنان مبارزهٔ سوسیالیسم جهانی علیه جنگ و امپریالیسم، به‌پشتیبانی از خلق قهرمان ویتنام نبود، اگر جنگ‌افزار هسته‌ای با قدرت تخریبی مهیب آن تنها در انحصار امپریالیسم قرار داشت، امپریالیسم امریکا در کاربرد آن علیه مردم ویتنام لحظه‌ای تردید به‌خود راه نمیداد...

افزایش عظیم قدرت تخریبی جنگ — افزارهای معاصر خود ضرورت و امکان خلع سلاح را بوجود آورده است. اما بدل کردن این امکان به واقعیت نیاز به مبارزه همگانی، پیگیر وجدی از سوی همه نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان دارد. به‌حساب قریب به اتفاق کارشناسان، قدرت تخریبی عظیم زرادخانه هسته‌ای و وسائل نیرومند، دقیق و خودکار رساندن آن به‌هدف در هرگوشه‌ای از کرهٔ خاکی ما، بگونه‌ایست که، به‌گفته دانشمند چکسلواکی یوزف رژیمان، "پس از جنگ هسته‌ای نه فاتح یا پیروزمندی وجود خواهد داشت و نه مغلوب، زیرا چنین جنگی همه‌چیز را از بین خواهد برد".

فاجعه‌های هیروشیما (۲۰۰ هزار نفر از یک بمب به‌هلاکت رسیدند) و ناکازاکی میزان خطر جنگ هسته‌ای را نشان داد. در نتیجه بررسی‌هائی که پس از آن (از آزمایش‌های مربوط به ۱۲۲۱ انفجار هسته‌ای با قدرت‌های گوناگون در فضا، رو و زیر زمین، در ژرفای دریاها) به عمل آمد، معلوم شد که، به‌نوشته پروفسور فوکس (صدر هیئت رئیسه انستیتوی بین‌المل صلح در وین پایتخت اتریش) "جنگ سوم جهانی به منزله اقدامی خواهد بود که خودکشی همگانی را درپی خواهد داشت".

برابر ارزیابی کارشناسان غرب، یک جنگ‌افزار نوترونی، که ریگان فرمان تولید آن را صادر کرده است، با قدرت یک کیلو تن (که "کم‌قدرت" محسوب میشود) همه بناهای اطراف را تا حدود ۳۰۰ متر با خاک یکسان میکند، مردم را حتی در پناهگاه‌ها تا فاصله ۸۰۰ متری فورا به هلاکت میرساند و در شعاع ۱/۶ کیلومتر از محل انفجار به‌مقدار کشنده‌ای از اشعه رادیو اکتیو مبتلا میکند، در مساحتی به اندازه ۵۲۰ هکتار همه زیستمندان را هلاک میکند، حتی گیاهان چون سرو و کاج در مساحت ۳۱۰ هکتار از بین خواهند رفت. آنچه از ابنیه اغذیه، آب و غیره، حتی فلزات و خاک زمین باقی میماند، فقط یادگاری از جنون بشری خواهند بود، زیرا خود آنها به‌منبع تشعشع کشنده رادیواکتیو مبدل میشوند. خلاصه آنکه، نیروی تخریبی سلاح‌های معاصر به‌مرحله‌ای رسیده است که مسابقه تسلیحاتی و دست زدن به‌جنگ هسته‌ای — موشکی به‌منزله نابودی نسل بشر است.

استراتژی وارد آوردن ضربهٔ اول، که خونخوارترین محافل ارتجاعی امپریالیسم از آن دم میزنند، در شرایط کنونی پیشرفت علم وفن جز پنداری جنون‌آمیز نیست.

دانشمند اتریشی گئورگی فوکس میگوید:

"اکنون در بعضی جاها این تصور باطل را اشاعه می‌دهند که گویا میتوان دست به‌کار جنگ هسته‌ای "محدودی" گردید که در آن گویا خیلی‌ها میتوانند در پناهگاه‌های ضد اتمی (بونکر) خودرا از مرگ نجات دهند. این پنداری خطرناک است، زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که چنین پناهگاهی در برابر بمب‌های مگاتنی دوام بیاورد. و به‌فرض اینکه دوام هم بیاورد، بالاخره کسانی که به آنجا پناهنده شده‌اند، یک وقتی باید بیرون بیایند! اما روی زمین آنقدر با نزولات رادیواکتیو آلوده خواهد بود، که انسانها ناگزیر به‌بیماری‌های ناشی از تشعشع مبتلا خواهند شد".

زیست‌شناس برجسته چکسلواکی رژیمان میگوید:

"تردیدی نیست که جنگ هسته‌ای سراسری (اگر تاثیرات مخرب ضربتی و سپس حرارتی آنرا هم ندیده بگیریم) فقط در نتیجه تاثیر تشعشعات رادیواکتیو نوع بشر را به‌فنای تدریجی محکوم میکند".

اشاعه و ترویج فکر "محدود" بودن جنگ هسته‌ای از سوی محافل امپریالیستی و قلم بدستانشان، جز برای فریب افکار عامه نیست. خاصیت انفجار هسته‌ای چنان است که اثرات مهلک آن نمی‌تواند محدود بماند. در آزمایشی که در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) در جزیرهٔ بیکینی، در اقیانوس آرام، از یک انفجار هسته‌ای نه‌چندان قوی (۱۳/۶ مگاتن) بعمل آمد، تنها در اثر تشعشعات رادیواکتیو (به‌شدت ۰/۲ رنتگن) در فاصله ۱۸۵ کیلومتری از محل انفجار ۱۱۲ نفر آسیب مهلک دیدند.

برای ادامه حیات روی سیاره ما جز متوقف ساختن مسابقهٔ تسلیحاتی، محدود کردن تدریجی و مرحله به‌مرحله انواع سلاح‌های مهلک و مخرب و بالاخره دست‌رسی به‌خلع سلاح همگانی راه دیگری وجود ندارد، با درک عمیق این حقیقت است که همه نیروهای مترقی و خیرخواه جهان مساعی خود را روی مبارزه علیه خطر جنگ، در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و تحکیم و تعمیق تشنج‌زدائی، در راه خلع سلاح همگانی متمرکز میکنند.

کشورهای سوسیالیستی در تمام دوران پس از جنگ در همه مجامع و محافل بین‌المللی، از جمله در سازمان ملل متحد و دوائر، ارگان‌ها و مقامات مربوطه آن، با همت و پیگیری هرچه تمامتر پیشنهادهای مشخصی برای تشنج‌زدایی قطع مسابقه تسلیحاتی، تشکیل مناطق بدون سلاح هسته‌ای، اعلام رسمی امتناع از کاربرد این سلاح علیه کشورهائی که رسما به خودداری از تولید و تهیه و جا دادن آن در اراضی خود متعهد میشوند، اعلام خودداری از پیشدستی در کاربرد این سلاح و بسیاری پیشنهادهای مشخص دیگر را مطرح کرده‌اند. اصل عادلانه و معقول "برابری و امنیت یکسان برای همه خلق‌ها، پایهٔ تمام این پیشنهادات را تشکیل میدهد، زیرا کشورهای سوسیالیستی، که پیشرفت مداوم اجتماعی — اقتصادی و فرهنگی — علمی آن‌ها متکی به‌کار خلاق و فارغ از استثمار توده‌های زحمتکش خویش است، همواره هوادار اصولی وجدی همیاری خلق‌های آزاد و مستقل، همکاری برابر حقوق و با سود متقابل با دیگر خلق‌ها و کشورها و بالاخره طرفدار مسابقه مسالمت آمیز نظام‌های اجتماعی موجودند.

روزنامه شوروی "پراودا" ۲۶ مهرماه ۶۰، نوشت:

"اتحاد شوروی به‌هیچ‌وجه درفکر بدست آوردن تفوق نظامی نیست و به‌هیچ کشوری اجازه نخواهد داد که چنین تفوقی را بر آن بدست بیاورد. اتحاد شوروی برای این امر همه وسائل لازم را در اختیار دارد. اتحاد شوروی برای حمله مسلحانه به هیچ‌کشوری تدارک نمی‌بیند و حمله هسته‌ای را شدیدترین جنایت برضد بشریت میشمارد. نسبت دادن نقشه‌های خدعه‌گرانه به اتحاد شوروی درباره تهیه مقدمات ایراد ضربهٔ اول به ایالات متحده امریکا، شیوهٔ تبلیغاتی ناشایستی است"

روزنامه "پراودا" می‌افزاید:

"لئونید برژنف، رهبر کشور ما گفته است که اتحاد شوروی همیشه مخالف ثابت‌قدم اینگونه نظریه‌ها بوده و هست، و اتفاقا هدف کوشش‌های ما اینست که کار نه به ایراد ضربهٔ اول برسد و نه به زدن ضربهٔ دوم و جنگ هسته‌ای اصلاً بروز نکند. برخورد ما را به‌این مسائل میتوان بدین نحو بیان کرد: قدرت دفاعی اتحاد شوروی باید برای این امر کافی باشد که هیچکس جرات نکند زندگی مسالمت‌آمیز ما را به‌هم بزند. روش مبتنی بر تقلیل میزان تسلیحات و کاهش رویاروئی نظامی سیاست ماست، نه روش مبتنی بر تامین تفوق در زمینه تسلیحات"

لیکن سردمداران امپریالیسم با وقاحت هرچه تمامتر درست عکس این‌گونه اظهارات را کرده و میکنند. وزیر جنگ امریکا، واینبرگر، در ارتباط با فرمان ریگان درباره تولید بمب نوترونی گفت:

"پنتاگون سلاح نوترونی را در هر نقطهٔ جهان بکار خواهد برد".

و یا ریگان در مصاحبهٔ مطبوعاتی با روزنامه "واشنگتن استار" (۶ اوت، ۵ مرداد) رسما تصمیم به‌تشدید مسابقهٔ تسلیحاتی را اعلام کرد. دولت امریکا حتی قراردادی را که، پس از بررسی‌های مفصل و مذاکرات طولانی کارشناسان خود، بالاخره دوسال پیش در وین درباره محدودیت اسلحه استراتژیک هسته‌ای امضا کرده بود، از تصویب نهائی آن خودداری کرد. دولت امریکا مذاکرات مربوط به تهیه قرارداد قطع کامل آزمایش‌های اتمی و منع سلاح شیمیائی را، که پیشرفت زیادی کرده و به‌مرحلهٔ نهائی نزدیک شده‌بود، متوقف ساخت. دولت امریکا مذاکرات مربوط به‌محدودیت عملیات نظامی در اقیانوس هند را قطع کرد. دولت امریکا گفتگوهای مربوط به محدودیت عملیات نظامی در اقیانوس هند را قطع کرد. دولت امریکا گفتگوهای مربوط به سیستم‌های ضد ماهواره همچنین. گفتگوهای مربوط به‌تجارت اسلحه و مذاکرات دربارهٔ محدودیت تسلیحات هسته‌ای در اروپا را که در مهر — آبان ۱۳۵۹ در ژنو آغاز شده‌بود، متوقف ساخت.

در کنفرانس عمومی یونسکو، که چندی پیش در مادرید تشکیل شد، نمایندهٔ امریکا به بهانه اینکه "مسئله خلع سلاح و مسابقه تسلیحاتی در صلاحیت یونسکو نیست" — با کمک نماینده چین — بسیار تلاش کرد تا از طرح پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی درباره تعمیق تشنج‌زدائی، مساعدت به امر خلع سلاح، اجرای مواد

بقیه در صفحه ۱۰

# مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

## نیروهای خط امام تضاد اصلی را با شیطان بزرگ-آمریکا میدانند

* مجلس شورای اسلامی به نخست وزیری دکتر ولایتی رای عدم تمایل داد

* "تجاوز" ماهیت و سرشت امپریالیسم است

* اعزام آواکس ها به مصر، کمك تسلیحاتی گسترده به سودان، اعزام سران امپریالیسم به کشورهای منطقه مرحله‌ای از توطئه جدید امپریالیسم آمریکاست

مجلس شورای اسلامی در هفتهٔ گذشته ۲جلسه علنی داشت. دراین جلسات نمایندگان عدم تمایل خودرا نسبت به نخست وزیری دکتر علی اکبرولایتی، که ازسوی رئیس جمهور به این عنوان به مجلس معرفی شده بود، ابراز داشتند. دراین جلسات همچنین چندطرح، لایحه و اعتبارنامه چندتن از نمایندگان به تصویب رسید.

درهفته‌ای که گذشت، اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز ۲۷ مهرماه ۶۰ تشکیل شد.

نخستین ناطق قبل از دستور این جلسه، میرزاپور، نماینده مردم رودبار، بودکه، طی سخنانی به جنایات و ترورهائی که بدست ضد انقلاب انجام می‌گیرد، ازجمله به حادثه به آتش کشیدن اتوبوس مسافری در شیراز اشاره کرد وآن‌را "جنایتی ددمنشانه" خواند

### آمریکا دشمن اصلی انقلاب است

ناطق ضمن تاکید براینکه "شیاطین با اعمال خود چهرهٔ خود را مشخص ترمی‌کنند"، آرزو کرد که مردم تا "نابودی شیطان بزرگ و هوادارانش" همچنان استوار ومصمم به مبارزه ادامه دهند. وی همچنین تاکیدکردکه:

"نیروهای خط امام، تضاد اصلی را با شیطان بزرگ آمریکا می‌دانند."

ناطق همچنین بااشاره به اینکه "نطق بازرگان درمجلس همان خط نهضت آزادیست"، بطورمشروح سوابق فعالیت‌های "نهضت آزادی" رادر "حمله به نیروهای خط امام" و "هم‌نوایی با دفترهماهنگی بنی‌صدر" وغیره بیان کرد.

رشیدیان، یکی از نمایندگان مناطق جنگزده، نیز طی سخنانی بااشاره به مشکلات جنگزدگان تاکید کردکه.

"مسئولین بنیاد امور جنگزدگان بعلت عدم شناخت درمورد جنگزدگان نمی‌توانند به خوبی کارکنند."

ناطق بعدی قبل ازدستور، حجت‌الاسلام خاتمی، نماینده مردم اردکان بودکه بااشاره به توطئهٔ جدیدامپریالیسم آمریکا در سطح منطقه، ازجمله درباره "طرح ۸ماده‌ای زمامداران فاسد و وابسته عربستان سعودی، که برای تثبیت پایه‌های لرزان نفوذ آمریکا در منطقه و تثبیت حاکمیت اشغالگران فلسطینی، صورت می‌گیرد" سخن گفت. ناطق همچنین از "فروش آواکس ها به عربستان سعودی وزمینه‌سازی رذیلانه برای این فروش که ازجمله به‌وسیله حمله آمریکا به تاسیسات نفتی کویت بدست مزدورش صدام انجام گرفت" ونیز "اعزام آواکسها به مصر، کمک تسلیحاتی فراوان به سودان و اعزام سران کشورهای امپریالیستی به بهانه مرگ سادات به خاورمیانه" یادکرد و از سفر نیکسون به اردن، عربستان، مراکش وسودان سخن گفت. ناطق تاکید کرد:

"ماهیت وسرشت امپریالیسم در آن است که دست به تجاوزبزند".

حجت‌الاسلام خاتمی در قسمت دیگری از سخنانش درباره نخست وزیر جدید، که بزودی به مجلس معرفی می‌شود، سخن گفت و از جمله خصوصیات لازم نخست وزیر را "توانائی و در عین حال برخوردار بودن از منطق"، "آشنا بودن به مسائل اقتصادی"، "قدرت تمرکز عوامل اجرائی درقوه مجریه" وقدرت تشخیص "اصول‌گرائی ازسلیقه‌گرائی" دانست.

ناطق بعدی قبل از دستور، احمد ناطق نوری، طی سخنانی به مشکلاتی که درمورد خرید برنج روستائیان توسط دولت بوجود آمده است، اشاره کرد وخواستار رسیدگی سریع به آنها شد.

آنگاه عده‌ای ازنمایندگان جدید مجلس مراسم تحلیف بجاآوردند. سپس مجلس وارد دستورشد و لایحه قانونی راجع به ادامه عملیات شهرک تعاونی دانشگاه و تصاحب آن (که بعد باتصویب به تملک تغییر کرد) بوسیلهٔ وزارت مسکن ونیز لایحه تکمیل ونحوهٔ استفاده شرکت هاومجتمع های ساختمانی نیمه‌تمام و متوقف شده به تصویب مجلس رسید. همچنین لایحه اعاده به خدمت پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران تصویب شد. سپس ۲ ارجاع به کمیسیون به این‌ترتیب به تصویب رسید: اول تصمیم گیری درباره شمول مقررات قانونی استخدام کشوری به کارمندان غیرنظامی ارتش توسط کمیسیون های امور استخدامی، اقتصاد ودارایی و دفاع به مدت ۳ سال و دوم تصمیم گیری درباره اصلاح یک تبصره "قانون تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی توسط همین کمیسیون به مدت سه سال درادامه دستور جلسه، ارجاع تصمیم گیری درباره تشکیل پلیس قضائی به کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی رد شد.

درهمین جلسه، نامه حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور در مورد معرفی دکتر ولایتی به سمت نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران قرائت شد.

آنگاه گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه موسوی پورمیرغفاری، نماینده هشترود، طرح شد. پس ازصحبت مخالف ودفاع نماینده هشترود حجت‌الاسلام کروبی در دفاع از وی سخن گفت. آنگاه رای گیری بعمل آمد و درنتیجه اعتبارنامه موسوی پورمیرغفاری به تصویب نمایندگان رسید.

### رأی عدم اعتماد به نخست وزیری دکتر ولایتی

دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز ۳۰ مهر ۶۰ تشکیل شد. در این جلسه در مورد نخست وزیری آقای دکتر ولایتی رای‌گیری بعمل آمد، که درنتیجه مجلس با ۸۰ رای مخالف و ۳۸ رای ممتنع، در مقابل ۷۴ رای موافق عدم تمایل خودنسبت به نخست وزیری وی را اعلام کرد.

آنگاه کارمجلس ادامه یافت وابتدا طرح قانونی شرایط انتخاب قضات دادگستری مورد بحث قرار گرفت. و کلیات آن بتصویب رسید. سپس ماده واحده مربوط به اصول حق عبور از اتوبان تهران ـ کرج طبق آئین‌نامه مربوط که درآینده موردبحث قرار خواهد گرفت، بتصویب نمایندگان رسید. دوتن از نمایندگان جدید مراسم تحلیف را انجام دادند و آنگاه لایحه مربوط به نحوه باز نشستگی قضات دادگستری مطرح شد، که پس از بحث موافق و مخالف کلیات آن به تصویب نمایندگان رسید.

سپس گزارش کمیسیون تحقیق دربارهٔ اعتبارنامه مهدی طیب، نمایندهٔ نائین، مبنی برتصویب این اعتبارنامه قرائت شد وشرعی در مخالفت باآن مطالبی بیان کرد. وی درسخنان خود از بکار رفتن امکانات دولتی در مورد تبلیغات به‌نفع مهدی طیب سخن گفت و انتخابات نائین را مخدوش دانست. پس از سخنان طیب در دفاع ازخود، رای‌گیری به عمل آمد و درنتیجه اعتبارنامه وی تصویب شد.

## رژیم دیکتاتور...

بقیه ازصفحهٔ ۱

ـ جویانه نمیری و دارو دسته‌اش در دست نیست.

اما آیا کودتای ۲۸ تیر ۱۳۵۰ به راستی "توطئه‌ای کمونیستی" بود؟ برای پاسخ به این پرسش، چندسال به عقب برگردیم:

پس از استقلال سودان در یازده دیماه ۱۳۳۴ (۱ ژانویه ۱۹۵۶) قدرت سیاسی نخست در دست گروه های ارتجاعی بورژوازی ونیروهای فئودالی افتاد. ازسوی دیگر، دولت استعمارگر بریتانیا، برپایه سیاست سنتی "نفاق‌افکن وحکومت بکن!" خود، درسودان نیز بذر اختلاف را میان شمال عرب‌مسلمان وجنوب "آفریقایی" نشین پاشیده بود. این اختلاف رفته رفته آتش جنگ خانگی را در سودان برافروخت، ورژیم راستگرا کوشید تاآنرا از راه نظامی فرونشاند. این رژیم هشت سال بعد (۱۹۶۴) بر اثر فشار افکار عمومی و بویژه مبارزات سندیکاها و افسران مترقی (گروه "افسران آزاد") سرنگون شد. اما دولت موقت ملی ـ دموکراتیکی که زمام قدرت را بدست گرفت، تاب مقاومت دربرابر راستگرایان رانیاورد ویکسال بعد سقوط کرد. دولت جدید راستگرایان حزب کمونیست سودان را "منحل" اعلام داشت و ۱۱ نماینده آنرا در پارلمان اخراج نمود.

رکوداقتصادی، افزایش نفوذ نو‌استعمار، رقابت‌هاوستیزه‌های جناح‌های گوناگون راستگرایان بر سر قدرت و پیگیری "راه‌حل نظامی" برای مسئلهٔ جنوب، باردیگر چنان بالا گرفت، که روز ۴ خرداد ۱۳۴۸ (۲۵مه ۱۹۶۹) به سقوط رژیم عبود و روی کار آمدن "افسران آزاد" انجامید. "شورای فرماندهی انقلابی"، به‌رهبری ژنرال نمیری، زمام قدرت را بدست گرفت. احزاب سنتی و پارلمان سودان منحل و پیروان رژیم سابق از کار برکنار شدند. رژیم جدید نخستین گام‌ها را در راه برانداختن نظام قبیله‌ای برداشت، قصد خود را مبنی بر اعطای خودگردانی به استانهای جنوبی اعلام کرد ومناسبات خویش را با کشورهای سوسیالیستی تحکیم بخشید. یکسال بعد (۱۹۷۰) بسیاری از شرکتهای خارجی و داخلی ملی شد، برنامه‌ای پنجساله برای ساختن اقتصادملی مستقل تدوین یافت. دولت اعلام داشت که خود گردانی جنوب را با اجرای برنامهٔ ویژه‌ای در زمینهٔ اقتصادی ـ اجتماعی تقویت خواهدکرد. جوزف گرنگ (کمونیست) به سمت وزیرامور جنوب برگزیده شد.

حزب کمونیست سودان در قطعنامه‌ای در تابستان سال ۱۳۴۹ (اوت ۱۹۷۰) رژیم جدید رابطورعمده به عنوان نماینده "خرده‌بورژوازی مترقی و ضدامپریالیستی" توصیف کرد و این خرده‌بورژوازی را "یکی از طبقاتی خواند" که در دستیابی به هدف های انقلاب ملی ـ دمکراتیک ذی‌نفع است". یکسال قبل (۱۹۶۹)، حزب کمونیست سودان یادآور شده بودکه، از یکسو در میان افسران بلندپایه همچنان عناصر ارتجاعی خود را جازده بودند و از سوی دیگر، افسران دون پایه اغلب از اندیشه‌های رادیکال، ناسیونالیستی، "سوسیالیستی ـ عربی" (بشکل "ناصریسم" آن) وحتی کمونیستی پیروی می‌کردند. بدین‌ترتیب، روند پرشتاب تجزیه‌ای که بزودی در میان این طیف وسیع آغاز شد، کاملا منطقی بود. پرسش محوری، که اینک مطرح می‌گشت، این بودکه: آیا انقلاب دموکراتیک راه خود را به سوی سوسیالیسم خواهدگشود ویاآنکه متوقف خواهدماند وسمتگیری سرمایه داری را برخواهدگزید؟

درحالیکه عناصرچپ "شورای فرماندهی انقلابی" خواستار تعمیق انقلاب بودند، جناح ناسیونالیست نمیری هرچه بیشتر به مقاومت واپسگرایانه دست زد وسرانجام با دست یازی به مشی مستبدانه نظرات خودرا بر دیگران تحمیل ساخت.

در پائیز ۱۳۴۹ (نوامبر ۱۹۷۰) نورحمدالله والعطا از "شورای فرماندهی انقلابی" و ۱۳ افسردیگر از ارتش اخراج شدند. فزون براین، محجوب، دبیر کل حزب کمونیست سودان، نیزبرای مدتی در بازداشت بود. حزب کمونیست سودان، که هنوز بموجب قانون حق فعالیت علنی‌را نداشت، دربرابر برخواست نمیری مبنی بر انحلال حزب وپیوستن به "اتحادیهٔ سوسیالیستی سودان" (طبق مدل مصر) ایستادگی بخرج داد. نمیری یکسال بعد (فوریه ۱۹۷۱) اعلام داشت که حزب کمونیست سودان را "خردوخاکشیر خواهدکرد. وی در روز ۳۱ تیر ۱۳۵۰ (۲۲ژوئیه ۱۹۷۱) این فرصت "طلایی" را یافت که بقول خود عمل نماید.

اتهام شرکت کمونیست‌ها در کودتای ۲۸ تیر ۱۳۵۰ (۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۷۱) چنان بی‌پایه بود، که حتی رسانه‌های گروهی امپریالیستی (مانند "فیگارو" ـ ۵ مرداد ۱۳۵۰/ ۲۷ ژوئیهٔ ۱۹۷۱) آنرا بباد استهزاء گرفتند. اما آشنایی مختصری نیز با سیاست حزب کمونیست سودان این اتهام رابی‌اساس می‌نمایاند.

حزب کمونیست سودان سه‌بار (در قیام ۱۹۶۴ کودتاهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱) در برابراین پرسش قرارگرفت که: چه موضعی برگزیند؟ این حزب باراول (۱۹۶۴) ازقیامی که سرشت توده‌ای داشت و بخش اعظم ارتش به‌هواداری از آن برخاست، به‌پشتیبانی پرداخت. حزب کمونیست سودان باردوم (۱۹۶۹) دعوت "افسران آزاد" را به همکاری، با اشاره به جنبه‌های بطور کلی منفی جریان، بویژه نبود وضع انقلابی ـ توده‌ای، ردکرد. اماهنگامیکه "افسران آزاد" خود به‌اقدام پرداختند وهدف‌های خویش راضدامپریالیستی اعلام داشتند، کمونیست‌های سودان "به‌امید آنکه رژیم رهگشای آینده‌ای مترقی‌تر باشد، به پشتیبانی ازآن دست زدند. ازسوی دیگر، حزب کمونیست سودان بارها تردید خود را نسبت به برخی از رهبران رژیم، از جمله نمیری، اعلام کرد. چنانکه تجربیات بعدی نشان داد، این تردیدکاملا موجه بود.

درسال ۱۳۵۰ نیزحزب کمونیست سودان باوضعی همانند روبرو شد. کودتای ۲۸ تیرآنرا غافلگیر کرد. کمونیست‌های سودانی، با توجه به سیاست سرکوبگرانه نمیری ونوید های العطادرباره پیروی ازسیاستی دمکراتیک، کم‌وبیش خودپویانه به هواداری از افسران کودتاچی پرداختند. در اینجا ذکر دو نکته لازم به نظرمیرسد: نخست آنکه حزب کمونیست سودان، در عین پشتیبانی از العطا و یارانش، مخالفت اصولی خود را با "کودتاگری" تصریح کرد. دوم آنکه نافرجامی کودتای ۲۸ تیر ۱۳۵۰ به هیچ روی به‌معنای نادرست بودن هواداری بعدی کمونیست‌های سودانی از کودتاگران نیست.

نمیری پس از کشتار کمونیست‌های سودان، "قانونمندانه" به‌جنگ دیگر نیروهای مترقی ودمکراتیک رفت و بزودی بساط دیکتاتوری خود و دارو دسته خائن و جنایتکارش را درسراسر سودان گسترد.

همکاری کنونی رژیم های سودان و مصر تا حد زیادی محصول روند همرو و همانندی است، که در این دو کشور ـ علیرغم ویژگی‌های مختلف آنها ـ درده سال اخیر مشهود بوده‌است.

یادآورد می‌شویم که در مصرنیز، پس ازمرگ جمال‌عبدالناصر، جانشین او سادات در بهار ۱۳۵۰ چپ‌های هوادارناصررا به‌اصطلاح خود "پاکسازی" کرد. روز ۳۱ تیر ۵۰ (۲۲ژوئیه ۱۹۷۱) علی صبری به‌پای میزمحاکمه کشیده شد. آنگاه باصطلاح "جنبش اصلاح" آغاز گردید، که مصر را به راه رشدسرمایه‌داری بازگرداند. خصوصی کردن دوباره موسسات ملی شده و "سیاست درهای باز" دست سرمایه‌داران داخلی وخارجی را باردیگربرای استثمار زحمتکشان مصر بازگذاشت رژیم مصر باعقد "پیمان کمپ دیوید" با اسرائیل و آمریکا از خلق ستمدیده فلسطین گسست و راه‌خیانت راپیش گرفت. وبالاخره اختناق داخلی و وابستگی خارجی به دوویژگی بارز رژیم سادات بدل گشت.

درسودان هم نمیری اختناق داخلی را درصحنه داخلی با "آشتی" با راستگرایان بورژوا و فئودال و در گستره خارجی باسط مناسبات باکشور‌های امپریالیستی، هواداری از خیانت "کمپ دیوید" واعلام آمادگی به واگذاری پایگاه‌های نظامی به ایالات متحده آمریکا همراساخت.

این همانندی تحولات مصر و سودان و همرویی رژیم دوکشور است، که شرایط همگامی دارودسته‌های مبارک ونمیری را در تجاوز وخیانت به خلق‌های منطقه و خدمت به امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، فراهم آورده‌است.




پایان فئودالیسم

## قدرت یا ناتوانی؟

"رسانه‌های گروهی امپریالیستی یک صدا میگویند که دار و دسته ریگان تصمیم گرفته‌اند. منطقه خاورنزدیک و خلیج‌فارس را به صحنهٔ قدرت‌نمائی امپریالیسم امریکا تبدیل کنند. قدرت‌نمائی برضدکه وبرای‌چه؟ واضح است که قدرت امریکا در ظرف چندماهی که ریگان به‌حکومت رسیده، نه‌چندان کاسته و نه چندان افزایش یافته‌است. پس نمایش قدرت برای چیست؟ این قدرت‌نمائی قبل ازهرچیز برای ارعاب خلق‌ها و جلوگیری از تحولات انقلابی درجهان، به‌ویژه درمنطقه ماست، که آبستن انقلاب‌های ضدامپریالیستی و مردمی است.

حکومت ریگان عقیده دارد که تمام ناکامیهای امپریالیسم امریکا، طی دهه پانزده سال اخیر، نتیجه ضعف اراده رهبران گذشته امریکا بوده‌است، واگر امریکا ازقدرت خود برای مداخله ضدانقلابی درهرنقطه ازجهان بدرستی وباشیوهٔ صحیح استفاده میکرد، جهان امروز منظرهٔ دیگری داشت و دنیا همچنان دربستر سرمایه‌داری آرمیده‌بود!

رهبری کنونی آمریکا شیوهٔ مداخله ضدانقلابی خود را اکنون در منطقه ما به آزمایش گذارده‌است. البته مداخله ضدانقلابی باصدور ضدانقلاب مسئله تازه‌ای درسیاست امپریالیسم نیست. امپریالیست‌های انگلیسی، فرانسوی و آمریکائی بارها درگذشته وحال، با اعزام نیروی نظامی به‌کشورهای آسیا وآفریقا وآمریکای لاتین، جنبش‌های انقلابی راسرکوب کرده و حکومت‌های دست‌نشانده خودرا درآنجا مستقر کرده‌اند. امابین سیاست‌های سرکوبگرانه ضدانقلابی امپریالیست‌ها در زمان گذشته ودوران کنونی یک‌فرق اساسی وجود دارد، وآن جنبهٔ جهانی شدن مداخلات ضدانقلابی امپریالیسم به‌سرکردگی شیطان بزرگ است.

حکومت ریگان رویاروئی با هر جنبش انقلابی در هرنقطه از جهان راسیاست دولتی خود اعلام کرده‌است. سپاه واکنش سریع نیز ابزار اجرای این سیاست است. سازمان ترکیب و امکانات این سپاه باید طوری باشدکه درظرف چندساعت بتوانند در هرنقطه ازجهان بسود نیروهای ارتجاعی محلی، که زیر ضربه‌ها ی انقلاب قرار میگیرند، وارد عمل شود. سیاست‌گران واستراتژهای حکومت کنونی امریکا عقیده دارند که هرجنبش انقلابی را، اگر در همان آغاز سرکوب کنند، میتوانند رژیم‌های وابسته به‌امپریالیسم رانجات دهند. ریگان چند روز پیش گفت که اگر ۵۰۰ نفر را درهمان آغاز انقلاب ایران دستگیر واعدام میکردند، هرگز رژیم خمینی روی کارنمی‌آمد! امپریالیسم آمریکا هم اکنون این تاکتیک را در مصر، سودان و سایر کانون‌های جنبش ضدامپریالیستی پیاده‌می‌کند. هیگ بابیشرمی خاص سخنگویان دولت کنونی ریگان گفت.

"ما دیگر اجازه نخواهیم داد عناصر رادیکال در منطقه روی کار آیند."

این تهدید، توام با اقدامات عملی در جهت پیاده‌کردن نیرو در مصر، سودان، عمان وسومالی زیرنام "عملیات ستاره‌روشن ۱۹۸۱" انجام میگیرد. هدف این عملیات از یک سو تقویت نیروهای ارتجاعی داخلی این کشورها و ازسوی دیگر تهدیدکشورهای انقلابی همسایه: لیبی، سوریه، اتیوپی، یمن دموکراتیک وایرا ن است.

هرچندمقامات آمریکائی می خواهند مداخلات خودرا در امور منطقه با مرگ‌سادات مربوط سازند، اما چنانکه‌مطبوعات آمریکا اطلاع می دهند، طرح این عملیات‌هنگام سفر اخیر سادات به‌امریکا مورد توافق قرارگرفته‌است و یک هیئت از بلند پایگان نظامی امریکا ماموریت یافته‌اند که جزئیات این طرح را آماده و بر اجرای آن نظارت کنند. طبق این طرح دو هواپیمای آواکس منطقه مرزی مصر و لیبی را زیرنظر خواهد گرفت. چند لشکر مصری‌همراه باواحدهای واکنش‌سریع امریکا درمرز لیبی به اصطلاح یک مانور مشترک در صحرا انجا م خواهند داد. درهمین حال واحدهای چترباز امریکائی درسودان پیاده‌میشوند. گروهی از بمب‌افکن‌های ب–۵۲ از پایگاههای خود برخاسته، هدف‌های فرضی خود را در صحرا ی غربی مصر بمباران کرده، روی هوابنزین‌گیری میکنند ومستقیما به‌آمریکا بازمیگردند. واحدهای تفنگداران دریائی امریکا درسواحل عمان پیاده‌میشوند. چندواحدمهندس برای آماد ه کردن یک‌بندر یافرودگاه به سومالی اعزام میگردند. ناوگان ششم آمریکا درمدیترانه‌خاوری، درنزدیکی سواحل سوریه، وهمچنین در خلیج سدرا، متمرکز میشوند.

"قدرت‌نمائی "امپریالیسم امریکا سمت‌و



جهت معینی دارد: تقویت دوستان و تهدید دشمنان امریکا. سئوالی که پیش‌میآید، اینست:

آیا امپریالیسم آمریکا و دوستان مرتجع محلی آن میتوانند بر دشمنان خود، که‌خلق‌های انقلابی منطقه هستند، پیروز شوند؟

آیا تناسب نیروهای انقلابی وضدانقلابی به‌مقیاس منطقه وجهان، به‌امپریالیستها اجازه میدهدکه از بروز انقلاب‌های ضدامپریالیستی و مردمی جلوگیری کنند؟

آیا این "قدرت‌نمائی‌ها" دلیل و برهان قاطع ناتوانی نیروهای امپریالیسم در رویا–روئی بانیروهای ضدامپریالیستی نیست؟

روشن است که اگر این تناسب نیروها به سودامپریالیسم بود، هرگز نیازی به‌این تلاش‌های مذبوحانه‌ازسوی شیطان بزرگ وجودنداشت آن‌روزها که‌قدرت امپریالیسم در مقایسه با نیروهای ضدامپریالیستی دهها بار بیشتر ازاین بود، انقلاب‌های رهایی بخش‌یکی پس ازدیگری روی‌داد. اگر آن‌روزها که "قدرت" بود، امپریالیسم نتوانست از بروز انقلاب‌های رهایی بخش جلوگیری کند، امروز که تنها "قدرت–نمائی" است، چگونه‌می‌تواندانقلاب را، که یک روند عینی در برابر استثمار وفشار امپریالیستی است، ازبین‌ببرد؟

آنچه امپریالیسم میتواند بکند، آنست که درمورد انقلاب ایران‌کرد: ۶۰هزار کشته و صدها زخمی. آری، خلقها باید برای آزادی خود از زنجیر اسارت امپریالیسم بهای سنگینی بپردازند وخواهند پرداخت. "قدرت‌نمائی" امپریالیسم آمریکا چیزی جز نشانه ناتوانی آن نیست. سیاست ماجراجویانه امپریالیسم امریکا بیش ازآنکه نشانه قدرت باشد، ناشی از ضعف روزافزون آن در برابر روندناگزیرانقلاب جهانی است. این سیاست ماجراجویانه‌تنها مختص به منطقه ماهم نیست. بهرکجای جهان نظربیفکنیم تاثیرات این سیاست ماجراجویانه‌به نحوی از انحاء خودنمائی میکند. میتوان‌گفت که مهم‌ترین صحنه‌خودنمائی این سیاست مسئله قبول امکان جنگ‌هسته‌ایست، جنگی که درآن صد ها میلیون‌نفر درنخستین دقایق آغازآن از بین خواهند رفت.

## درفشانیهای ریگان درباره جنگ هسته‌ای

اگر ریگان رئیس‌جمهورامریکا، بزرگترین ونیرومندترین کشورجهان سرمایه‌داری نبود، حرفهای احمقانه‌اش هیچ‌اهمیتی نداشت. ولی ریگان سخنگوی هارترین جناح‌محافل حاکم امریکا، سخنگوی مجتمع صنعتی–نظامی استو حرفهایش انعکاسی ازخواستهای آنان‌است، که میخواهند ازتحولات جهان بزور، حتی باتوسل به‌جنگ‌هسته‌ای، جلوگیری‌کنند.

هنوز شعلهٔ نفرت خلق‌های اروپادربرابر سخنان ریگان راجع به امکان بروز جنگ هسته‌ای محلی در اروپا فرونننشسته‌بود، که او دسته‌گل دیگری به‌آب داد. ریگان ادعا کرد که در یک جنگ‌هسته‌ای‌موشکی جهانی می‌توان پیروز شد و رهبران شوروی نیز هنگامیکه تنهاپهلوی هم می‌نشینند، این‌امکان را انکار نمیکنند، هرچند به‌ظاهرمیگویند که درچنین جنگی فاتح و مغلوبی وجود نخواهد داشت.

لئونید برژنف، رهبر شوروی، در گفتگوئی باخبرنگار "پراودا" به این ادعای ریگان پاسخ‌داده‌گفت:

"آقای ریگان ادعامیکند، که می‌داند رهبران شوروی پیش خودشان چه حرف هائی درباره جنگ‌هسته‌ای میزنند. صحت و سقم این‌ادعا رابه وجدان خودشان واگذار میکنیم.

## تفسیر وقایع مهم جهان

هنگامیکه در واشنگتن اعلام شدکه‌ایالات متحده امریکا تصمیم به‌تولید بمب‌نوترونی گرفته است، واین‌برگر، وزیردفاع امریکا، در پاسخ خبرنگاران اروپای غربی، که از او پرسیدند: بمب نوترونی جز در اروپا در کجامیتواند به کار برده شود، گفت: بمب‌نوترونی، علاوه بر اروپا درکلیه نقاط دیگری که ارتش امریکا با نیروهائی برتر از لحاظ تعداد نفرات روبرو گردد، مورد استفاده قرار خواهد گرفت."

چندی بعد "نیویورک‌تایمز" درتوضیح گفته‌واین‌برگر نوشت:

"مقصود وزیر دفاع امریکا قبل از هر چیز منطقه خلیج‌فارس بوده‌است."

استفاده از بمب‌نوترونی درمنطقه‌خلیج فارس، درهنگامیکه میلیون‌هاانسان بپاخاسته رامی‌تواند نابودکند، تاسیسات‌نفتی منطقه را سالم برای‌غارتگران امپریالیسم باقی‌می‌گذارد.

بمب‌نوترونی، به‌نوشته روزنامه‌فرانسوی "اومانیته"، "سلاح‌ایده‌آل استراتژی جنگ در خاک‌سایرکشورهاست."

"جنگ درخاک سایرکشورها" – اینست دکترین ریگان. سخنان اخیر ریگان. سخنان اخیرریگان درمورد امکان بروز جنگ هسته‌ای دراروپا، بدون‌آنکه جنگ به‌خاک‌امریکاکشانده شود، جلوه‌ناشیانه‌ای ازاین دکترین‌بود. ریگان برای‌آنکه‌ازمقاومت مردم‌امریکادربرابرخطرات یک‌جنگ‌هسته‌ای بکاهد، بدون انکه به افکار عمومی خلق‌های اروپا وعکس‌العمل آنان اهمیتی بدهد، این‌ادعای پوچ را مطرح کرد که‌ممکن‌است یک جنگ هسته‌ای محلی دراروپا روی‌دهد، بی‌آنکه به‌جنگ‌جهانی هسته‌ای‌منجر شود. این‌سخنان ریگان مانند بمب در اروپا ترکید. حتی محافل دولتی کشورهای اروپای غربی این گفته را محکوم کردند. هیگ برای لاپوشی سخنان ابلهانه ریگان توضیحاتی داد که‌هیچکس رانتوانست قانع کند. دکترین "جنگ در خاک سایرکشورها"، توام با تولید سلاح‌هائی از قبیل بمب‌نوترونی و موشک‌های میان‌برد، که‌فقط در اینگونه‌جنگ‌ها می‌توانند بکارگرفته‌شوند، سراسر اروپا را به مبارزه با سیاست‌ماجراجویانه وجنگ‌افروزانه‌امپریالیسم امریکا برانگیخته‌است. میلیونها نفر در سراسر اروپا این‌سیاست‌رامحکوم میکنند.

اماموضع رهبری کشورما، مانندموضع تمام خلق ماتلاش برای جلوگیری از جنگ‌هسته‌ای وخطر بروزآنست و این موضع در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی صراحتا چنین اعلام شده‌است: کوشش برای پیش افتادن درمسابقه تسلیحاتی وامیدواربودن به‌پیروزی در جنگ هسته‌ای‌جنون‌خطرناکی بیش نیست. مهاجم هرقدر نیرومند باشد و هر شیوه‌ای را برای تجاوز انتخاب کند، به‌هدف خود نائل نخواهد شد وناگزیر به کیفراعمال‌خود خواهد رسید."

لئونید برژنف‌افزود: "اتحاد شوروی به‌مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد طرحی پیشنهاد کرده‌است که دولت‌های‌هسته‌ای متعهد شوند هرگز مبادرت به ضربه اول هسته‌ای نخواهند کرد. اگر ضربت اول نباشد، ضربه‌های دوم وسوم نیز نخواهد بود. خوبست‌ایالات‌متحده امریکا ازاین‌پیشنهاد درمجمع عمومی سازمان ملل‌متحد پشتیبانی کند."

پیشنهاداتحادشوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی برای متوقف ساختن مسابقهٔ تسلیحاتی وجلوگیری از خطر جنگ هسته‌ای تنها راه حل تمام دشواری‌های بنیادی‌جامعهٔ بشری در دوران‌کنونی‌است.

پروفسور ویلیام‌اپشتین رئیس شعبهٔ کانادای دانشمندان عضو کنفرانس پاگواش‌در ۳۱–مین اجلاس این کنفرانس گفت:

"نسل بشری را سه‌بمب تهدیدمیکند: بمب‌فاصله‌بین‌کشورهای غنی و فقیر، بمب افزایش مستمر جمعیت، بمب آلودگی محیط زیست. اما ماميتوانیم با این سه بمب ده–۲۰سال‌دیگربه‌زندگی خودادامه‌دهیم. امابمب هسته‌ای‌میتواندتمام تمدن بشری رادرظرف نیم ساعت‌محوکند. تازه‌اگرجنگ‌هسته‌ای‌هم روی ندهدهیچیک‌ازسه‌مسئله‌مهم دیگرراسمیتوان‌جز باحل مسئله تولید سلاح‌های هسته ای حل نمود. بشریت هرسال ۶۰۰میلیارد دلار خرج مسابقه تسلیحاتی میکند. با این پول میتوان هرسه‌بمب دیگر را خنثی کرد."

## بمب فاصله بین‌کشورهای غنی و فقیر درجهان سرمایه‌داری

اندیشه‌پردازان وسیاست‌سازان دنیای سرمایه‌داری صدها اصطلاح از قبیل "کشورهای شمال‌وجنوب"، "شرق‌وغرب"، "جهان‌سوم"، "دوابرقدرت"، "کشورهائ صنعتی وغیرصنعتی" "دنیای‌آزاد"، "دموکراسی‌های‌غربی"، و غیره وضع کرده‌اند، تاتفاوتی را که بین دو سیستم جهانی کنونی موجود است، پرده پوشی کنند. اصطلاح "شمال وجنوب"مرزفاصل



بین‌کشورهای ستمگر امپریالیستی و کشور های ستم‌دیدهٔ آسیا، افریقا و امریکای لاتین را بر حسب موقعیت جغرافیائی آنان تعیین‌میکند. اما این مرز یک‌مرزاجتماعی، سیاسی‌واقتصادی است، نه‌جغرافیائی. کشورهای‌امپریالیستی در گذشته وحال از خون خلق‌های آسیا وآفریقا و آمریکای لاتین تغذیه کرده‌اندومیکنند. فاصله بین‌کشورهای ثروتمندامپریالیستی وخلق های فقیر این‌قاره‌هاپیوسته افزایش می‌یابد. فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، طی نطق خود در ۶۸مین‌اتحادیه بین‌المجالس‌صحنهٔ دردناک وضع "جهان‌سوم" راترسیم‌نمود. تنها به ذکر چند رقم از این سخنرانی پر مضمون اکتفا می‌کنیم:

وام‌های‌خارجی "جهان‌سوم" به‌کشور–

بقیه‌درصفحهٔ ۱۰

**متحدان بنی‌صدر - بورژوازی لیبرال - ۲**

# دولت بورژوازی لیبرال: مدافع سرمایه‌داری

درشماره گذشته، برخورد دولت لیبرالی را که بلافاصله بعداز پیروزی انقلاب، قدرت دولتی راقبضه کرد، بادشمن اصلی انقلاب یعنی امپریالیسم آمریکا بررسی کردیم. چنانکه درآن بررسی خواندید این سیاست چیزی نبودغیر ازتلاش برای بستن مجدد ایران به عرادهٔ امپریالیسم، بصورت گام به گام سیاست داخلی دولت لیبرالی موقت هم با سیاست خارجی آن پیوندعضوی داشت. دولت سرمایه‌داران لیبرال که ازنظر جهانی قصد داشت مجددا ایران را به سیستم جهانی سرمایه‌داری جوش بدهد، در ایران‌هم غیر از دفاع از سرمایه‌داری نمی‌توانست کاری بکند.

سخنگویان دولت موقت چه به کنایه و اشاره‌وچه‌آشکاراچنین موضعی رااعلام می‌کردند ومی‌گفتندکه هدفی غیر ازاحیای‌سیستم‌گذشته (رژیم پهلوی) ندارند. آنهاازربان امیرانتظام که اکنون به جرم جاسوسی علیه‌انقلاب ایران درزندان‌است، می‌گفتند که‌دولت آنها قصد دارد: "... که روال کار به صورت عادی‌و به همان‌سیستم گذشته‌برگردد..." (۲۷فروردین ۱۳۵۸– کیهان).

حسن نزیه یکی‌ازدولتمردان لیبرال در پس پردهٔ ناسیونالیسم و آزادیخواهی‌جوهر بینش وسیاست‌لیبرالیستی رابیان می‌کرد: "...نیل به یک تحرک واقعی در ادارات مستلزم تحقق عواملی می‌باشد که اهم‌آن را می‌توان به‌این‌شرح‌خلاصه‌نمود... خودداری‌از اعمال شتابزده ونسنجیده از قبیل ملی کردن بانکها، صنایع وکارخانه‌هاکه متاسفانه عواقب نگران‌کننده‌ای را در بر دارد..." (۸ مرداد ۵۸ – کیهان) و براساس این سیاست بود که دولت‌لیبرالی به‌دفاع‌صریح‌از سرمایه‌داران بزرگ – حتی‌فراریان– آنها پرداخت.

مهندس بازرگان صاحبان صنایع و سرمایه‌داران‌بزرگ‌را "طبقهٔ مولدومفید" (۱۶ تیر۵۸ – کیهان) می‌خواند.

اسداله مبشری وزیر دادگستری دولت بازرگان گفته‌بود: "... حکومت اسلامی مخالف سرمایه‌داری سالم نیست وعلاوه‌برآن ازسرمایه‌داران ومدیران سالم نیزحمایت می‌کند... درحکومت اسلامی سرمایه‌داری محترم‌است وفقط‌جایی برای دزدها نیست و دزدی ممنوع است..." (۲۰ خرداد ۵۸– کیهان).

وبربنیاداین "اسلام‌آمریکایی"، دولت موقت در زمینه‌های گوناگون اقتصادی موضع خود را روشن کرد:

## ۱- بانکها

ابوالحسن بنی‌صدر فراری‌که درآن‌موقع عضوشورای‌انقلاب بودموضع دولت بازرگان‌را درموردملی‌کردن بانکهااعلام‌کرد: "...در یک دیداری باآقای‌نخست وزیر (بازرگان) ...گفتم شما روز اول پیغام‌کردیدکه‌چراراجع به بانکها حرف زدید، این‌انقلاب‌راباشکست مواجه می‌کند..." (۲۴شهریور۵۸– کیهان) رئیس کل بانک مرکزی دولت موقت هم به صراحت گفت: "درحال‌حاضرمسئله‌ملی‌شدن بانکهامطرح نیست..." (کیهان– ۱۲اسفند ۱۳۵۷).

## ۲- صنایع

محموداحمدزاده وزیرصنایع ومعادن‌هم سیاست صنعتی دولت‌موقت راچنین‌اعلام‌کرد: "...سیاست صنعتی‌دولت مشخص است، بخصوص از لحاظ مالکیت. مادرحال حاضر بخش خصوصی واقعی راحمایت می‌کنیم..." (۱۹مهر ۵۸ – کیهان)

و: "... (محموداحمدزاده‌وزیرصنایع و معادن)... به‌ملی‌کردن صنایع اشاره کرد و گفت: نگرانی اصلی صاحبان صنایع ازملی کردن صنایع‌است..." (۴ اردیبهشت ۵۸– کیهان) وقتی‌قرارباشد صاحبان‌صنایع‌نگران نشوند "کارگران‌محترم" هم‌تکلیفشان‌معلوم است. آنهاهنوز خون شهیدان خشک نشده باید انقلاب رافراموش می‌کردند:

"...کارگران‌محترم توجه دارند که نه کارفرماها ونه دولت روی گنج قارون‌نخوابیده‌اند وتاکارهای عمرانی وتولیدات‌صنعتی‌و فعالیت‌های‌تجاری‌که‌منابع‌مالی‌بخش‌خصوصی‌و بخش دولتی هستند، به وضع صحیحی برنگردند، محلی برای پرداخت هزینه‌هاو دستمزدهاوحقوق‌هاوجودنخواهدداشت..." (ازبخشنامه نخست‌وزیر درباره تحریکات‌در کارگاه‌ها – ۳۱اردیبهشت ۵۸– کیهان).

## ۳- کشاورزی

محمدعلی‌ایزدی‌وزیرکشاورزی، فئودال معروف، روز ۳۰ مهر۵۸ سیاست کشاورزی دولت‌موقت راچنین‌اعلام‌کرد: "... مالکیت دراسلام‌محترم است ومسلمانان فقیه‌معتقد نیستند که برای مالکیت بتوان حدی قائل‌شد ... اگر به کشاورزی ایران نظری بیاندازیم می‌بینیم که تمام مزارع وقنوات توسط کسانی احداث شده که‌مالک بوده‌اند..." (۳۰ مهر ۱۳۵۸ – کیهان).

وبه‌این‌ترتیب این‌نظرقبلی‌خودراتکمیل کرد: "...وزارت‌کشاورزی‌وعمران روستایی دستور اجرای دقیق وسریع لایحه قانونی جلوگیری‌ازتجاوز ومزاحمت‌به‌اراضی‌کشاورزی را ...ابلاغ کرد. این‌لایحه‌قانونی هرگونه‌تجاوز و غصب وتصرف عدوانی ومزاحمت نسبت به املاک‌واراضی‌مزروعی‌وشهری‌وباغ‌و... وواحد‌ – های‌کشت‌وصنعت‌رادربرمی‌گیرد..." (۶ اردیبهشت۵۸ – کیهان).

## ۴- بخش خصوصی

رضاصدر وزیر بازرگانی دولت موقت هم خیال‌بورژوازی‌تجاری‌راراحت‌کرد، او: "درباره قراردادهای بانکها با تجار وشرکت‌های خصوصی" (۲۰خرداد۵۸ – کیهان) اظهار داشت:

"آن‌اعتبارات نه تنها پابرجاخواهدبود بلکه ماسعی خواهیم کردتسهیلات بیشتری هم برای بازرگانان قائل شویم..." (همانجا)

وزیراموراقتصادی‌ودارائی دولت موقت این‌نظرراتکمیل‌کرد. اودرجواب‌اینکه "سیاست اقتصادی دولت‌دررابطه‌باشرکت‌های بزرگ که با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ وابسته‌اند..." چگونه‌خواهدبود؟گفت: "...متاسفانه تعداد زیادی ازشرکت‌های تجاری درکشورهستندکه هنوز هم وبال دولتند ولی به‌علت سرمایه‌ – گذاری‌های سنگینی که درگذشته بر روی آنها شده‌ناچاریم‌وضع‌این شرکت‌هارا به‌همان‌صورت سابق حفظ‌کنیم" (کیهان – ۵ اسفند ۱۳۵۷– سخنان علی‌اردلان‌وزیراموراقتصادی‌ودارائی)

ودرنتیجه‌روشن شدکه:

"سیاست‌اقتصادی‌کشورعوض‌نمی‌شود" (۵ اسفند ۵۷– کیهان– سخنان علی‌اردلان وزیراموراقتصادی ودارائی).

اما ازآنجا که مشکلات کشور راه‌حل‌طلب می‌کردلیبرالهای‌دولت‌موقت‌اززبان‌حسن نزیه که او هم فراری و اکنون در جبههٔ متحد ضدانقلاب درپاریس‌عضویت دارد، برای حل مشکلات‌نسخه‌ای‌نوشتند:

"...امروزتمام‌مصادرصنعت وتجارت مملکت‌احساس خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا بایدپناه ببرند... از حضور امام‌خمینی استدعای عفوعمومی‌شده تاصاحبان‌صنعت و تجارت سرکاربرگردند... بازگشت‌صاحبان صنایع بزرگترین‌عامل‌برای رفع بیکاری خواهد بود... چرابه‌این شتاب‌زدگی عمل‌می‌کنند... یکی‌می‌خواهد سرمایه‌گذاری‌کند... نمی‌داند چه‌کند..." (۷خرداد ۵۸ – کیهان)

وبعدهم منتظر ورودقریب‌الوقوع‌سرمایه‌ – داران فراری بودند: "...انتظارمی‌رودکه بااعلام عفو عمومی... بازرگانان و صاحبان صنایع بدون‌ترس و وحشت‌و باتوجه‌به‌یک‌رژیم اقتصادی مناسب باانقلاب‌اسلامی‌ایران به سر کارخودبرگردندوچرخ‌های‌اقتصادی به راه افتد..." (۲۱خرداد ۵۸ – کیهان)

وزعمای‌دولت‌موقت‌هنوزیک‌فصل هم از پیروزی‌انقلاب نگذشته، اعلام‌می‌کردند که از خارج (خارج راهم قبلا توضیح‌داده‌بودندیعنی آمریکاواروپای غربی) باید "کمک" گرفت. این درخواست "کمک" را دکتر مولوی‌رئیس‌لیبرال بانک مرکزی که‌اکنون‌فراری‌است چنین توجیه کرد:

"...فعلامسئله‌ملی‌کردن بانکها مطرح نیست‌وچه‌درحال‌حاضر وچه درآینده اصل آزادی‌افراد مراعات خواهدشد... در مرحلهٔ حساس کنونی بانک مرکزی‌ایران به بازسازی بانکها همه‌گونه‌کمک خواهد کرد... در حال حاضر قطع رابطه بانظام‌بانکی و مالی جهان میسرنیست... بایدبگویم مابهیچوجه از کمک‌های خارجی بخصوص درتکنولوژی بی‌نیاز نشده‌ایم..." (۱۳ اسفند ۵۷ کیهان – سخنان دکترمحمد مولوی رئیس کل‌جدیدبانک مرکزی).

درکشاورزی‌هم: "...ماازسرمایه‌گذاری کشورهای‌عضوبازارمشترک در بخش‌کشاورزی ایران‌استقبال‌می‌کنیم..." (۲۰فروردین ۵۸ کیهان – دکترمولوی رئیس بانک مرکزی)

ودرست درهمین‌هنگام بودکه‌اظهار نظر پیروان "خط امام" نشان‌می‌دادکه‌لیبرال‌های دولت‌موقت‌بنام "اسلام" وبکام "آمریکا" عمل می‌کنند. درست در اوج اظهارنظرهای‌بالابود که آیت‌اله منتظری‌تاکیدکرد: "...حذف فاصله‌طبقاتی‌هدف اقتصاداسلامی‌است..." (کیهان – ۲۲خرداد ۱۳۵۸)

حمایت‌دولت‌موقت از سرمایه داری‌به اندازه‌ای آشکاربودکه استاندارچهارمحال و بختیاری درکنفرانس استانداران که در ۲۵ اردیبهشت سال۵۸ درتهران‌برگزارشدرسما از دولت‌سئوال‌کرد: "شما با سرمایه‌داران چه می‌خواهید بکنید؟" (نامه‌مردم)

واستاندارخراسان درهمین‌کنفرانس گفت: "... درحال حاضر غارتگران این مملکت و رباخواران سرپاهستند... تکلیف انقلاب را باید با یک اجتهاد انقلابی در تعدیل ثروت‌هاروشن‌کرد..." (همان جا)

ولی‌این‌اعتراض‌ها به‌حفظ بنیادهای سرمایه‌ – داری بزرگ وکلان‌زمینداران چگونه به خرج دولتی‌می‌رفت که وزیرکشاورزی آن‌معتقد بود: "...اصولاماقبلاهم‌فئودال‌نداشتیم، چراکه پس ازاصلاحات ارضی (شاه)هیچکس مالک بیش از یک ده نبود..." (۱۸ مهر ۵۸ – اطلاعات)

ویا: "...بعد از اجرا شدن مراحل اول ودوم‌اصلاحات ارضی‌ملاحظه می‌شود که دیگرکسی در این‌مملکت‌حتی یک‌ده‌ششدانگ هم‌ندارد... وبزرگ‌مالکی‌مطلقا نیست..." (همانجا).

شایدازقبل‌همین‌تقسیم‌اراضی‌شاها نه‌بود که‌ایزدی‌یک‌مزرعه‌درآمریکاداشت، درکروالیس آمریکایک‌ساختمان ده‌طبقه‌داشت که‌هرطبقهٔ آن راجداگانه اجاره‌داده‌بود، در ساکرومنتوی آمریکایک خانه ۲۰۰هزاردلاری داشت، بازار تره‌بار و سبزی شیراز درانحصارخاندان اوبود وبه‌زمین‌خواری‌مشهور.

ویاچگونه‌می‌شدازمبارزه باسرمایه داران بادولتی‌سخن‌گفت‌که‌رئیس‌آن، مهندس‌بازرگان از "...احتراز ازدولت‌سالاری و تشویق و حمایت ازفعالیت‌های غیردولتی‌وابتکار در بخش خصوصی..." (۱۶ تیر۵۸– اطلاعات) به‌عنوان‌اصلی‌تعیین‌کننده سخن‌می‌گفت. و اعتقادداشت: "...بخش خصوصی شاید مظلوم‌ترین‌بخش ماباشد که متاسفانه لطمات زیادی به‌آن‌خورده وخوب سرحال وسر رشد نیامده است. بخش‌خصوصی که‌همیشه‌درمملکت اساس حیات وفعالیت ودرآمدومخصوصا آ[illegible]

وآزادگی ومقاومت دربرابراستبداد و استیلای خارجی‌بوده‌خیلی‌موردتقویت ومورد رشد و توسعه قرارنگرفته‌است." (۲۰مهر ۵۸ – از پیام‌تلویزیونی مهندس بازرگان)



لیبرال به‌زبان ساده

## گله‌گذاری ازتوجه به‌مستضعفان

براین بنیان بود که‌دولت‌موقت‌مهندس بازرگان‌هرچه بیشتر (یعنی‌فروتر) می‌رفت، ماهیت‌آن‌بیشتربرمردم‌روشن‌میشد و اعتراض توده‌ها را برمی‌انگیخت. این‌اعتراضات که از جانب رهبرانقلاب به‌دولت‌بازرگان گوشزد می‌شدآزردگی‌خاطر ببارمی‌آرودوروزی نبود که بازرگان‌ویارانش درتلویزیون و رادیو به گله ننشینندکه: "... نه تنهاطبقات‌مختلف به دولت فشار می‌آوردند بلکه آقا هم‌ماراتحت فشار می‌گذارند. آقا... که طرفدارطبقه ضعیفان‌وبینوایان‌وبه‌قول‌خودشان‌پابرهنگان هستند، احساسات ایشان را برمی‌انگیزند. آن وقت‌آقاوادارمی‌شوند، طاقت‌نمی‌آورند، ازبالا سرما... اعلامیه ودستورصادرمی‌فرمایند. یک دفعه‌دست‌وپای‌ماراذرپوست‌گردومی‌گذرانند: برق وآب را مفت کنید... خانه زندگی برای پابرهنه‌هابسازید..." (۲۴ اسفند سال۵۷ کیهان – ازمقاله بازرگان تحت‌عنوان گوشت لخمش رابردند...).

## بهانهٔ موقت بودن! راه حفظ سرمایه

بازرگان ویارانش که برای حفظ رابطه با آمریکاوقدرت‌سرمایه‌داران‌برنامه‌های‌درازمدت داشتند: "...میل‌داریم روابط دوستانه‌مان را باایالات‌متحده وتمامی‌کشورهای‌جهان‌حفظ نمائیم..." (۳اسفند۵۷ – کیهان مصاحبه بازرگان بانیوزویک)

ویا: "...مسئله‌ملی‌کردن‌بانک‌ها‌مطرح نیست و چه درحال حاضرو چه درآینده اصل آزادی افراد مراعات خواهدشد..." (۱۳ اسفند۵۷ – کیهان – مصاحبه دکترمولوی).

ویا: "...چرا راجع به بانکها حرف زدید، این انقلاب را باشکست مواجه می‌کند..." (۲۴شهریور۵۸– کیهان – سخنان‌بنی‌صدر به‌نقل ازبازرگان)

ونمی‌توانستند دربرابرانقلاب عظیم ایران ورهبری آن نظریات خودرا آشکاراپیش ببرند، بااستناد به‌موقت‌بودن دولت خود، از انجام‌کارهای بنیادی طفره می‌رفتندوچوب لای چرخ انقلاب می‌گذاشتند. رئیس دولت لیبرالی‌می‌گفت: "... این‌دولت یک دولت انتقالی است..." (۷ خرداد ۵۸ – روزنامه‌ها) وبه‌این‌ترتیب ازانجام خواست‌ – های بنیادی‌توده‌ها طفره می‌زد. امااین‌موقت بودن در دفاع‌از بزرگ سرمایه‌داران و کلان زمینداران‌هرگزمانعی‌ایجادنمی‌کرد. در همان حال که امام‌خمینی اعلام‌می‌کرد:

"به‌کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فئودال هستیم، نه طرفدار سرمایه‌دار".

دولت بازرگان که‌معتقد بود:

"...اصولا ماقبلا هم فئودال نداشتیم، چراکه پس ازاصلاحات ارضی، هیچکس مالک بیش ازیک ده‌نبود..."

بقیه‌درصفحهٔ ۷

# متحدان بنی صدر . . .

بقیه از صفحه ۶

دفاع ازفئودالها رابعهده می گرفت :
" . . . وزارت کشاورزی وعمران روستایی دستور اجرای دقیق و سریع لایحهٔ قانونی جلوگیری از تجاوز ومزاحمت به اراضی کشاورزی را . . . ابلاغ کرد . این لایحه قانونی هرگونه تجاوز وغصب وتصرف عدوانی و مزاحمت نسبت به املاک و اراضی مزروعی وشهری و باغ و . . . واحدهای کشت وصنعت رادربرمی گیرد . . . ( ۶ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان ) .

معنی این ابلاغیه این بودکه : دهقانانی که درانقلاب نقش موثر داشتید باز هم به زندگی مشقت بار گذشته ادامه دهید و به اراضی محمدعلی خان ایزدی که وزیر کشاورزی دولت موقت است وسایر محمدعلی خان ها تجاوز نکنید که چنین می کنیم وچنان! وبالاخره هم کاربه جایی رسید که کشاورزان استان فارس، در محدوده حکومت فئودال علی محمدایزدی ، روز ۲۹ مهر ماه سال ۵۸ دست به تظاهرات زدند و شعار دادند : "مرگ برایزدی زمین خوار"

ایزدی نیز درمقام مقابله ، بخشنامه ای خطاب به اداره کل تعاون وامور روستاها صادر کرد که متن آن چنین بود :
"دستور فرمائید وسیله ادارات تابعه در اقصی نقاط حوزه آن مدیریت به کلیه زارعین که عدواناً اراضی وموسسات دیگران راتصرف کرده اند ، اعلام گردد تا تاریخ ۱۸ خرداد سال آینده نسبت به استرداد اراضی مورد تجاوز به صاحبان اصلی اقدام نمایند . درغیر اینصورت درپایان مهلت مقررعلاوه برخلع ید ، از کلیهٔ کمک های دولت محروم خواهند شد ، یعنی هیچکدام ازمحصولات آنها خریداری نمی شودو به آنها وام داده نمی شود وحتی در مورد دهقانانی که ازطریق اصلاحات ارضی به آنها زمین داده شده است ، پس گرفته می شود . امضاء ایزدی" ( ۷ آبان ۵۸ ــ نامه مردم ) وزیرکشاورزی شاه هم باچنین الدرم بلدرمی با مردم سخن نمی گفت که وزیر کشاورزی دولت موقت به اصطلاح انقلابی! واین تازه مشتی نمونه خروار بود . اماتوده هاکه انقلاب نکرده بودند تا همان سیستم سابق راحفظ کنند ، فریادخودرا رساتر میکردند اینجا بودکه لیبرالهای دولت موقت سعی می کردند صف خلق رامخدوش کنندوساواکی ها و سرمایه داران بزرگ وابسته را مظلوم واردرصف خلق جابزنند : " . . . مستضعف را هم کارگران می دانیم ، هم کشاورزان می دانیم ، هم قسمت عمده ای از کارمندان را وهمچنین کاسبکارها و بازاری ها وآن طبقه مولد . طبقه بخش خصوصی ومشاغل آزاد که شایدسهم خیلی مهمی ، سهم اساسی در تمام دوران مبارزات ایران . . . تا حالا داشته اند وبیش از همه صدمه خورده اندو کمترمدافع دارندآنها موردنظرما هستند . . . " ( ۲۶ فروردین ۵۸ ــ کیهان ــ سخنان مهندس بازرگان ) ، اما بازهم نمی توانستند پنهان کنندکه مدافع "طبقه بخش خصوصی "هستندکه" سهم اساسی " درانقلاب داشته وبه کارگران به چشم مزاحم نگاه می کنند : " . . . این آقایان کارگران عزیزمزاحم . . . می شوند . . . " (همان جا ) .

لیبرالها رک و راست با خواست بر حق توده های میلیونی چنین برخورد می کردند : " . . . کسانی که به راستی یابه ادعا ، کشته دادند ، زحمت طاقت فرساکشیدند ، محرومیت ــ ها و گرفتاری ها راتحمل کردند ، ادعادارند که صاحبخانه باشند ، همه کاره باشند ، در همه جاسهم داشته باشند . . . " ( ۲۴ اسفند ۵۷ ــ کیهان ــ ازمقاله بازرگان )

وبرای ساکت کردن آنها ، "کارفرما" و "کارگر" را ازیک قماش معرفی می کردند :
" . . . هرکسی درهرجای مملکت است می خواهدآنچه سابق زوربه این آدم گفتند ، حقش پایمال شده ، این بطرفة العین چون انقلاب شده و حکومت هم ملی وانقلابی است ، تمام این مشکلات وطلبکاری ها درست بشود . . . خیلی ازکارگران که دستمزد نگرفتند . . . در ایام اعتصاب حالا راه افتادند ودستمزدهای دریافت نکرده را می خواهند . . . خیلی هم می خواهند . . . تساوی باکارمندان . . . می گویند سهم ما یک گوشه ای هم نباید کم بشود . می گوئیم ازکجا بدهیم ؟ می گویند ازهمین کارفرماهای کردن کلفت . . . می گوئیم آن گردن کلفت هاکه خوردند وبردند . . . شماهستید ویک کارفرماهایی مثل شماها . . . اینها ازکجا بدهند . آن بازاری که چندماه مغازه اش تعطیل بودیا مغازه دارانی را که درشهرستانها آتش زدند و غارت کردند و خانه شان راخراب کردند . . . آخر . . . انصاف خوب چیزی است ، ازآنها خجالت می کشیم . . . " (همانجا ) .

یکبار دیگرجملات بالارا بخوانید . عمق سیاست بورژوازی لیبرالی خود را ازپس الفاظ فریبنده نشان می دهد :
۱ــ کارگرها زورمی گویند!
۲ــ کارفرماها مستضعف هستند !
۳ــ این بازاری ها هستندکه ضررکرده اند!

## وچنین بودکه ...

طبیعی بودکه باچنین برخوردوبرداشتی کارها به مراد بورژوازی لیبرال نمی توانست پیش برود . مقاومت مردم مانع بود . بازرگان دادمی زد : " . . . بگذارید ماکاربکنیم وبه ماامکان بدهید فکر بکنیم ، زحمت بکشیم ، اشکال و ایراد نکنید ، موانع بر سر راه ماتتراشید ، نق نزنید ، چوب لای چرخ دولت نگذارید . فرصت بدهید وبگذارید دولت ولو لنگ لنگان ، ولو با قدم ــ های تک تک و باعیب وکسری کارکند . . . " (اول اسفند ۵۷ ــ اطلاعات ) امامردم که انقلاب کرده بودند درست به همین علت ، اندک اندک ، باگام های تک تک دولت موقت به مخالفت برخاستند . آنها خواست های انقلابی خود رامطرح کردند ولیبرالها که می خواستند چرخ زنگ زدهٔ رژیم گذشته را باکمک روغنکاری دوباره به کاربیاندازند ، مقاومت خلق را چوب لای چرخ می خواندند . دولت موقت برآن بودتا با انجام اصلاحات سطحی ملتی را که برای دگرگونی بنیادی جانانه نبردکرده بود ، به اصطلاح ، به راه بیاورد . یعنی برنامه دولت لیبرالی ازابتدا همین بود : قرصی مسکن به این بیماربدهیم ، تا دردش را فراموش کند ، وآنگاه که درخوشحالی تسکین درد می رقصد ، خندان و در چهرهٔ دوست ، وی رابه مسلخ امپریالیسم ببریم . مهندس بازرگان این برنامه را ، به صراحت هم ، اعلام کرد :

" . . . اینطور انتظارمی رفت که چون در مرحله منفی انقلاب ملت پیروز شده وآن که باید ازمملکت بیرون برود وبایدخلع سلاح و خلع قدرت بشود ، صورت گرفت ، دیگر ما می ــ توانیم به مرحله مثبت آن برسیم . . . " ( ۱۶ تیر ۵۸ ــ کیهان )

تااینجا یعنی ، شاه که رفت ، انقلاب کردن هم تمام شد ، اماحساب لیبرالها ازحساب مردم جدابود . لذا : " . . . درعمل دیدیم اینطور نیست بلکه در روحیه بسیاری ازکسانی که مبارزه کرده بودند وشهیدداده بودند وانقلاب کرده بودند ، همان روح وفکرونیت وهمان نقشه و برنامه واصرار به ادامه آن حالت یعنی تصفیه کردن ، زدن وگفتن که من اسم آن راگذاشتم عمل ارتجاعی چون نگاه کردن وتوجه کردن به گذشته ومتوقف شدن در حال بود . . . " (همانجا )

نخست وزیردولت موقت سپس ایران را به یک "مریض سرطانی "تشبیه کردکه "غده "آن شاه بودوچون پس ازجراحی ، بیرون آمد ، تنها اشکالش فقط ضعف بودوبس" حالابااین مریض چه بایدکرد ؟! " . . . کارهایی که دولت ازهمان موقع شروع کرد اول طبیعی است ، مریضی که از عمل جراحی درآمده وفریادمی زند ، باید به او یک مسکن تزریق کنند . مسکنی که ما تزریق کردیم . . . آن وام شرافتی کاربودو اختصاص دادن پولهایی بودکه به کارگران بیکارشده وهمچنین کشاورزان بیکار داده شد که از گرسنگی نمیرند . . . " (همانجا )

وبه این ترتیب دولت موقت به دست ــ آوردهای انقلاب چنین چوب حراج می زد :
ــ هرکس انقلاب کرده ، شهیدداده ، مرگ برشاه ومرگ برآمریکاگفته : ۵۰۰ تومان
ــ هرکس انقلاب کرده ، معلول داده فقط مرگ برشاه گفته : ۷۰۰ تومان
ــ هرکس . . . .
ــ بیا که آتش زدم به مالم ، بیا تا " از گرسنگی " نمیری ! !

اما : "عمل دوم یعنی سرمی که به این مریض تزریق کردیم یعنی دولت این کار راکرد ، ازیک طرف ۵۰۰ میلیون تومان یا ۸۰۰ میلیون تومان دراختیاراتاق های بازرگانی صنایع . . . دراختیاربانک تعاونی کشاورزی قراردادیم که . . . به صاحبان صنایع وام بدهندکه این غذا برسدومریض ازگرسنگی نمیرد . . . " (همانجا )
ــ آسپرین برای کارگر ، سرم برای سرمایه دار . هردوعضویک بدن ، و"چوعضوی به درد آوردروزگار ! "

(ادامه دارد )

# جنایت شیراز ورشکستگی کامل یک مشی سیاسی

## تروریسم کوربه راه حل سیاسی نیازدارد

آتش زدن اتوبوس شرکت واحد شیراز با ۳۰ سرنشین در هفته گذشته ، یکبار دیگر سرشت تروریسم کور را با همه دهشتش نشان داد . دراین بمب اندازی دختربچهٔ دوساله ای به طرزی فجیع درآتش سوخت وزغال شدواکثر سرــ نشینان اتوبوس جراحت های سطحی ویا عمیق برداشتند . تااینجافاجعهٔ شیراز ، رویدادی است نظیر انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی ، انفجارنخست وزیری ، انفجاردفتردادستانی انقلاب ، بمب اندازی وتیراندازی به سوی رجال سیاسی ومذهبی وشخصیت های مملکتی . اما در کنه این جنایت عنصر دیگری هم وجود دارد که ، اگرچه ازنظرسیاسی به اهمیت ترورها وسوء قصد ــ های یاد شده نیست ، اما از جنبهٔ اخلاقی ، حاوی ورشکستگی کامل وبی دورنمایی وانحطاط

لاعلاج مشی وسیاستی است که دراین بحبوحهٔ حساس ازانقلاب ایران ، به ترور وتروریسم روی آورده است وگره های سیاسی رابا انگشت نفرت و انتقام و با آتش و باروت می خواهدبازکند . فاجعهٔ شیراز ازاین دیدگاه نیز حائز بررسی و موشکافی است .

پیش ازآنکه وارداین بررسی شویم ، روشن کردن این مسئله ضروراست که پذیرش مسئولیت این جنایت از سوی رهبری خائن " سازمان مجاهدین خلق " و یا تکذیب آن ، در اصل موضوع تغییر نمی دهد . (هروقت که نتایج ترور بکلی غیرقابل دفاع بوده ، رهبری خائن "مجاهدین "جنایت خودرا "تکذیب " کرده است ) . شواهدمتعدد دست داشتن "مجاهدین" را دراین ننگ محرز می داردوجایی برای به اصطلاح دبّه باقی نمی گذارد . اماحتی درصورت قبول این فرض ازپیش ردشده ، تروروضدمردمی شیرازبازهم به حساب "مجاهدین خلق "نوشته شده وبه حساب آنها دردفترانقلاب ثبت می شود .

رهبری خائن "مجاهدین " با مخدوش کردن مرز بین سازمان و ضدانقلاب ، با دنباله ــ روی و تقلیدبی کم وکاست از روشهای ضد ــ انقلاب وشریک شدن در هدفهای آن ، درعمل نیرو و امکانات سازمان "مجاهدین" را در اختیار آمال ضدانقلاب گذاشته و به صورت پیشمرگ ونیروی ذخیرهٔ آن درآمده و درعین حال سرکوب کامل ضدانقلاب رابه تأخیرانداخته وبه رگهای در حال خشکیدن آن خون تازه رسانده است . همینکه درارتباط باجنایتی نظیر انفجاراتوبوس مملو ازمسافر ، همه نگاه ها متوجهٔ "مجاهدین" می شود ، "مجاهدین "چه بخواهند وچه نخواهند ، باید پاسخگوی این خونها باشند

مگرنه این که عملکرد خود آنها در یکی دو سال گذشته ، بویژه در ماههای اخیر ، چنان بوده که تشخیص کار آنها را از کارضدانقلاب سازمان یافته نامیسرکرده است ؟ تجربه ها ونمونه ــ های اخیرــ خون پاسدارهای ترور شده ، ویرانه های سوخته در بمب گذاری های "مجاهدین " ، اتوبوسهای آتش گرفته در وسط خیابانهاــ گواهی میدهند که جنایت شیراز و فاجعه های مشابه آن ، که نه دولت و رژیم ، نه دشمنان فرضی مسلح ، بلکه مستقیماً مردم و بویژه مردم مستضعف طعمه های آنند ، می تواند دست پخت "مجاهدین "باشد . انکارلفظی دردی را دوا نمی کند ، عمل واسلوب "مجاهدین "قاطع ــ تر از هر لفظ وادعائی گواهی می دهد . و بر شالوده چنین منطقی است که زغال شدن یک کودک بی گناه ، سوختن سراپای آن دهقان پیر ، آن زن سالخورده ، آن مستخدم وآن کارگر زحمتکش و پژمرده شدن وپلاسیدن صورت آن دختر دانش آموزدر اتوبوس شرکت واحدشیراز ، نه یک مبارزه سیاسی ، جنایت سیاسی است . تروریسم کور نه اسلحه ای دردست "مجاهدین "، که "مجاهدین " بازیچه و وسیله ای در دست تروریسم کوراند .

درمبارزه سیاسی انتخاب غلط روش وابزار کار و فرورفتن در ورطه محاسبات ذهنی ، هدف را به ضد خودش مبدل می کند . تاریخ این واقعیت رابه کرات به ثبوت رسانده وتجربهٔ "مجاهدین "، حتی با خوش بینانه ترین قضاوت درباره آنها ، تکراراین واقعیت وتایید تکراری این تجربه تاریخی است . "مجاهدین " که با دعوی مبارزه برای آزادی شروع کردند ، خود درعمل بیشترین صدمه را به آزادی زدند و میدان اجتماعی آنراتنگ ترکردند . "مجاهدین" که بادعوی مبارزه باقشریت وانحصارطلبی عرصه را از فریادهای خود پر کردند ، درعمل خود نردبام قشریون و انحصارطلبان شدند و چنان فضائی بوجود آوردند که به قشریون و انحصارطلبان پروبال بیشتری داد . "مجاهدین" که خودرا "ضدامپریالیست ترین نیروهای ملی" می شمردند ، درعمل ضربات خودرا برپیکر نیرو ــ های راستین ضدامپریالیستی واردآوردند و در ازای آن نیروهای در خط امپریالیسم و وابسته به امپریالیسم جهانی را درآغوش خود گرفتند ، تا آنجا که آغوش دولت امپریالیستی فرانسه مأمن رهبر فراری آنها شد و رادیو ــ های بی . بی . سی . صدای آمریکا ، کلن ، بغداد و اسرائیل باسخاوت کم نظیری تبلیغ برای آنها را داوطلبانه پذیرفتند .

چه فایده دارد که اعضاء وهواداران "مجاهدین خلق " درجمجمه بسته خودشان چه فکری داشته باشندوخودراجزء کدام یک ازنیرو ــ های سیاسی واجتماعی ، نه تنها دردرون مرزهای ملی ، بلکه درصحنهٔ انقلاب جهانی بیانگارند ؟ آنهادر وراء ذهن ومقدم برنیت خود ، درمیدان عمل زنده وتاثیرگذارخویش درکناراویسی اند ، بابختیارهمکاری می کنند دست دردست بنی صدر دارند ، راه آریانای دژخیم رامی کوبند و با هر بمب ، هر ترور و هرهجوم خود به به تحسین و چه چه وجد ریگان را برمی انگیزند . ترازوی واقعی ، نیت حسنه و پاکی قلب نیست ، عمل و عمل وعمل است . عمل نیرو و واقعیت عینی است . همه چیز و همه کس به عمل سنجیده می شوند . نیات حسنه اما مثل خواب ، قابل وزن کردن ، اندازه گرفتن وبکاربردن نیستند .

ماازتکراراین سخن خسته نمی شویم که هر اقدامی علیه انقلاب ، به اقدامی علیه توده ها منتهی می شود . بدون پشتیبانی توده ها ، هیچ چیز قابل اتکاء و پایدار نیست . تظاهرات عظیم وپرازخشم واندوه به حق توده ها در شیراز درپی فاجعه آتش زدن اتوبوس شرکت واحد با مسافرانش ، بهترین برهان قطع هرگونه رابطهٔ مودت آمیز تروریسم کورباتوده ها و صریح ترین قضاوت توده ها دربارهٔ آنست . واین قبل از هر چیزافلاس ایدئولوژیک وشکست اخلاقی کسانی است که خود نیابت " خلق " را به خود داده اند ، اما از خلق واقعی ، که توی کوچه و خیابان واتوبوس و درمزرعه و کارخانه ومدرسه است وانقلاب را روی شانه های خسته ومجروح خود تا همین جا رسانده ، هیچ نمی دانند . در جسدزغال شدهٔ دختربچهٔ دوساله شیرازی ودر چهرهٔ مچاله شده آن دخترک محصل آخرین ته مانده های آرمان و اصالت " سازمان مجاهدین خلق " به دودو خاکستر بدل شد . گاه بین خیانت و خبط یک مو بیشتر فاصله نیست ، اما ادامه عمدی خبط های سیاسی می تواندکاملا برخیانت منطبق شود .

آتش زنندگان اتوبوس ها و زغال کنندگان پیکرشاداب دختربچه ها ، فضای میهن انقلابی مارابه زهرسوء ظن وانتقام آلوده کرده اند . در تروریسم کور ، خون و رمق خلق وانقلاب است که به هدر می رود . دشمن اصلی ــ آمریکای جنایتکارــ در گردو غبار این برخوردهای خونین ، خودراپنهان می کند . بازی خوردگان باید به خود آیندو در آئینه آتشی که از گوشت وپوست واستخوان و آرزوی دهها ودهــ ها طعمه تروریسم کور برمی خیزد ، خود را دوباره داوری کنند ، و مسئولان مملکتی بویژه مسئولان قضائی ، بایدبرای آن دسته از ، به خود آمدگان ، عبرت گرفتگان ، بازگشتگان به دامن خلق وانقلاب که دستشان آغشته به خون نشده راههای اطمینان بخشی بگشایند . آتش رابا آتش نمی توان خاموش کردوخون را باخون نمی توان شست . این عصاره آزمون نسلهای بی شمار است . تروریسم یک مسئله سیاسی است وراه حل سیاسی می طلبد . یافتن این راه است که دشمن اصلی ــ آمریکای جنایتکار ــ را نومیدمی کند .

# وظیفهٔ عاجل ...

بقیه از صفحهٔ ۱

تاخیر دوسال‌ونیمه‌دراجرای کامل قانون اصلاحات‌ارضی یکی از عللی‌است‌که موجبات گسترش دامنه تنگناها ومعضلات‌رافراهم‌آورده است. این معضلات تنها مربوط بـه گذران دهقانان بامیزان محصول نیست، بلکه‌پیوندهای بسیار محکمی با سرنوشت انقلاب دارد. توجه‌به‌این‌مشکلات واستفاده به‌موقع از اهرم‌های‌اساسی حل آنها، درحقیقت توجه دقیق به‌سرنوشت انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی است.

بانگاهی به‌مجموعه مسائلی که درزمینه‌های‌سیاسی واقتصادی وجود دارنـد، چون گسترش زمینه‌اجرای توطئه هـای ضدانقلابی توسط بزرگ‌مالکان و سایر عناصر جبههٔ متحد ضدانقلاب وابقاء وتوسعهٔ دامنه‌تورم، بیکاری ومهاجرت روستائیان‌به‌شهرها،میتوان پی برد که‌یکی از عوامل اساسی وموثردرگسترش‌دامنه معضلات ومسائل مذکور، ابقاء بزرگ‌مالکـی و تاخیر در اجرای کامل‌قانون‌اصلاحات‌ارضی به سودتهیدستان روستاست.

آقای سیدین، مخبرکمیسیون طرح ها ی انقلاب‌مجلس، گفته‌است:

"...تعیین حدودمالکیت و مصادرهٔ زمینهای مشمول‌قانون‌و واگذاری‌آن‌به‌کشاورزان محروم‌یکی ازمهمترین‌کارهایی‌است که مجلس شورای‌اسلامی‌میتوانـد داشته باشد. اگـر اصلاحات‌ارضی دراین‌کشور انجام‌نگیرد، حتی مراکزخدمات‌روستائی‌نیز نمی‌تواننـد موثـر واقع شوندایجاد مراکز خدمات روستائـی و انجام خدمات‌اقتصادی‌ـرفاهی همه یکهدف رادنبال‌میکنندوآن‌مسئله‌تولیدبیشتر، رسیدن به‌خودکفایی وبالابردن‌سطح‌زندگی روستائیان است. اما استعمار با نفوذ خود بطرز موثـر و جلوگیری از اجرای بند "ج" و "د" توانستـه استراماستقلال کشور را تاحدی مشکل و ناـ هموار کند."

سخن‌آقای محسن سیدین عواملی را که باعث ابقاء وگسترش دامنه مشکلات میشود، ودرضمن راه حل آنها را، نشان میدهد. در واقع هم‌عواملی نظیراین کـه راه افزایش تولید همچنان مسدودمانده‌است‌ودولت هنوز امکان‌ندارد بـاجرای همه‌جانبه برنامه های عمرانی، سازندگی بپردازد و از کلیه‌امکانات جهت ارتقاء سطح تولید واشتغال‌بهره گیری کند و سطح زندگی روستائیان همچنان نازل مانده، وبویژه‌این عامل که هنوز مانع اساسی بزرگ‌مالکی وعواقب اجتماعی واقتصادی‌ناشی از آن برطرف نشده، همه موجب شده‌اندکه پدیده‌هائی‌چون مهاجرت روستائی، بیکاری در دهات ونیز تورم باقی بماندوحتی‌تشدید گردد.

دراین نوشتار مابه‌اختصار رئوس‌مطالب مربوط به تورم و مهاجرت روستائی را مطرح میکنیم، با این امید که به تفصیل و به زودی مسئله بسیارحاد مهاجرت را جداگانه مورد بررسی قراردهیم.

## تورم

بی‌شک یکی از عوامل موثر بـر روند افزایش نرخ تورم در جامعه ابقاء بزرگ مالکی است:

۱) ازآنجاکه بزرگ‌مالکی مانعی‌در برابر اجراء همه‌جانبه برنامه‌ها واستفاده از همهٔ امکانات توسط دولت جهت افزایش تولید و کاهش هزینه تولید محصولات‌زراعی است، و ازآنجاکه تاثیرات سوء بر روحیه و نیروی‌فعال وپرتوان دهقانان‌زحمتکش می‌گذارد، عامـل موثری‌درافزایش نرخ تورم به حساب می‌آید.

۲) همچنین‌ازآنجاکه‌بزرگ‌مالکی سدی‌در برابر ایجاد و گسترش تعاونی‌های تولیداست (که‌می‌توانندنقش موثری در افزایش تولید و کاهش هزینه‌های تولید فرآورده‌های کشاورزی داشته‌باشند) عامل‌موثری در ارتقاء میزان تورم بشمار میآید.

۳) سرانجام بزرگ‌مالکی از این‌جهت‌که مانع‌اجرای برنامه‌های گستردهٔ تدارک‌وتهیه وسایل وامکانات تولید برای کشاورزان ازسوی دولت ونهادهای‌انقلابیست، خود زمینه سـاز فعالیت‌مخرب واسطه‌های‌ذالوصفت را فراهم می‌آورد. فعالیت‌واسطه‌های غارتگر نیز نقش موثری در افزایش نرخ تورم دارد.

آقای محمد سلامتی، وزیرکشاورزی، در مصاحبه‌ای باخبرگزاری پارس، در ارتباط با این‌واسطه‌ها و سودجویان، بخشی ازفعالیت‌های زیانبار آنان را درمورد ایجـاد کمبود تصنعی، افزایش قیمت‌کالا وتورم افشاء کرده است. وی گفته‌است:

"...سودجویان و واسطه‌هـا در پی جنگ‌تحمیلی صدام‌آمریکائی علیه کشور ما در صدد ضربه‌زدن به‌اقتصاد ما و کمبـود جلوه دادن ارزاق عمومی با خرید یا انبارکردن‌آن، وبه‌قیمت‌های گزاف فـروختـن برآمدند."
(کیهان، ۶۰/۶/۲۹)

بنابراین یکی از وسائل‌اصلی‌کاهش‌نرخ تورم ومحدودکردن دامنه آن، تصویب‌واجرای فوری قانون اصلاحات‌ارضی به‌سودتهیدستان روستا، ایجاد وگسترش همه‌جانبه تعاونی‌هاـ بالاخص تعاونی‌های تولیدـ بامشارکت فعال خود دهقانان زحمتکش‌است.

## مهاجرت

مهاجرت روستائیان تهیدست‌به شهرها در واقع پیامد سیاست مخرب کشاورزی رژیم وابسته‌گذشته و وجود بزرگ‌مالکان‌وتسلط‌آنان بر روستاها و روستائیان زحمتکش بوده است.

روستائیان تهیدست در رژیم گـذشتـه اساساً بعلت عدم برخورداری از زمیـن و یا زمین‌کافی و وسایل و امکانات کار کشاورزی و استثمار شدید از جانب فئودال‌ها و بزرگ‌ـ مالکان و وجودبدهیهای‌گزاف به زمین داران بزرگ، بانک‌ها و نزول‌خواران‌وواسطه‌ها، قادر به‌تامین درآمد کافی جهت رفع حوائج‌زندگی خود وخانواده نبودند و، مضاف براین، از وسایل وامکانات رفاهی‌در روستانیز بی‌بهره بودند، لذابه‌امید تامین درآمد کافی روانه شهرها میشدند.

پس ازپیروزی انقلاب‌اسلامی ضـدـ امپریالیستی و مردمی در ایران، در اثـر فعالیت‌های شبانه‌روزی نیروها و نهادها ی انقلابی واعضاء انقلابی و فعال نهـادهای دولتی، دربرخی از این عوامل‌تعدیلی‌ایجاد گردید، لیکن عوامل عمده، چون عدم برـ خورداری از زمین یا زمین کافی همچنان به قوت‌خودباقی‌ماندند. ابقـاء این عوامل پس ازپیروزی انقلاب بر روند مهاجرت تاثیر ناـ مطلوب وسوء داشته‌است. در این زمینه دکتر حسین‌نجفی، معاون سیاسی استانداری‌تهران، درمصاحبه‌ای در تاریخ۶۰/۳/۲، در مورد مهاجرت روستائیان به‌شهرها گفته‌بود:

"...یکی از مشکلات بسیار مهمی که قبل از پیروزی انقلاب وجود داشته‌و بعد از پیروزی انقلاب به شدت افزایش پیدا کرده است، مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها و مخصوصا تهران‌است و مهاجرت بی‌رویه‌ای که هم‌اکنون روستائیان ما به شهرها دارند و حرکت اینها از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و از روستاها به شهرهای کوچک و به خصوص تهران‌مشکلاتی رابوجود می آورد."
(اطلاعات، ۶۰/۳/۲)

آقای نجفی در دنباله سخنـان خود درباره علل مهاجرت‌روستائیان ازجمله چنین گفته‌بود:

"...کمبود درآمد روستائیان‌در روستا نسبت‌به‌شهرهای بزرگ خصوصا تهران
ـ کمبود امکانات رفاهی در روستا
ـ کمبود مواد اولیه زندگی و گرانی در روستاها
ـ کمبود امکانات تولید کشاورزی (آب، ماشین‌آلات کشاورزی) وغیره،
ـ عدم تضمین‌خرید محصولات‌کشاورزی بوسیله دولت،
ـ توزیع امکانات تولید کشاورزی توسط غیرکشاورزان (واسطه‌ها) وعوامل توزیع‌ناصالح گذشته،
ـ کمبود راه و وسایل حمل و نقل‌جهت رساندن کمک به روستاها وکمبود بنزین و سایر سوخت‌ماشین‌آلات و وسایل حمل ونقل
ـ عدم حل مشکلات ازنظرمالکیت‌زمین وآب و عدم تشکیل تعاونی‌های تولید ومصرف وسایرعوامل‌تولید." (همانجا)

پرواضح‌است که مهاجرت روستائیان به شهرهاعلاوه‌برتاثیرات،مخربی که بر روندتولید محصولات‌زراعی در روستاها دارد، موجبات گسترش دامنه بیکاری را فراهم میآورد و بر روحیه دهقان زحمتکش رانده شده از روستا و خانوادهٔ وی اثرات زیانبار بسیار میگذارد.

بنابراین تصویب واجرای فوری و کامل قانون‌اصلاحات‌ارضی موجبات تحدید دامنـهٔ مهاجرت را نیز فراهم میآورد و زمینهٔ مناسبی رابرای‌حل آن ایجادمیکند.

تصویب واجرای فوری و کامـــل قانون اصلاحات‌ارضی، با بهره‌گیری ازاعتمادی که امام‌خمینی به مجلس شورای اسلامی کرده‌ـ اند واختیاری که اکنون مجلس برای تصویب قوانین‌دارد باعث‌برخورداری دهقـانان از زمین، اجرای همه‌جانبه و کامل برنـامه های انقلابی درروستاها توسط دولت و نهادهای انقلابی، گسترش تعاونی‌ها، بویژه تعاونی‌های تولید، اشتغال کامل دهقانان زحمتکش، ارتقاء سطح‌زندگی آنان، اعتلاء و شکوفایی اقتصاد کشاورزی، نابودی پایگاه‌های داخلی ضد ـ انقلاب، طاغوت‌زدایی‌داخلی و در نتیجه حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و تحکیم و تقویت آن می‌گردد.

## وظیفه عاجل مجلس شورای اسلامی درلحظه حاضر

تصویب قانون‌اصلاحات‌ارضی بـه سود دهقانان‌بی‌زمین‌وکم‌زمین یک وظیفهٔ عاجل و فوری در برابر مجلس شورای اسلامی است.

این‌امر ازآنجا یک وظیفهٔ خطیر عاجل‌و فوری تلقی میشود که دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیست‌ها و در راس‌آن امپریالیسم آمریکا وبزرگ‌مالکان وبزرگ‌سرمایه‌داران و دیگرعناصر جبههٔ متحد ضدانقلاب، تمام‌توان‌ونیروی خود را درجهت تضعیف وتخریب‌پایه‌های‌جمهوری اسلامی‌وشکست‌انقلاب‌اسلامی‌ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران قرار داده‌اند و در این راستا میکوشند، با ایجاد و گسترش‌هرج‌ومرج و ناـ امنی در عرصهٔ سیاست و جلوگیری از تولید و افزایش‌آن و دامن زدن‌به‌معضلات‌در عرصه اقتصادی‌ـ که در بالا به دونمونه‌آن اشـاره شدـ ونیز تهدید وتهاجم از جانب رژیم‌ـ های مرتجع، به‌هدف‌مخرب‌خوددست یابند. لذا ضرور است که‌به منظور دفع فساد وتقویت، تعمیق و تحکیم انقلاب عظیممان در اسرع وقت بر پایگاه‌های داخلی امپریالیسم (بزرگ مالکی وبزرگ‌سرمایه‌داری) یورش‌بریم و با انهدام آنها راه را برای حل‌مشکلات، تقویت هرچه بیشتر پایه‌های انقلاب و حفظ و تحکیم نظام‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌وخنثی‌کردن‌توطئه‌ـ های دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران داخل وتهدید وتهاجم خارجی بگشائیم.

# عملیات پارتیزان های جبهه میهنی عراق علیه رژیم صدام گسترش می یابد

ستادمرکزی عملیـــات نظامـی حزب کمونیست عراق که مسلحانه علیه رژیم صدام حسین‌مبارزه‌میکنددراوایل‌اوت (اواسط مرداد) دواعلامیه دربارهٔ‌عملیات‌نظامـی واحدهای پارتیزانی جبههٔ میهنی عراق علیه نیروهای صدامی، انتشار داد. برخی از این عملیات به‌نقل از دواعلامیه مذکور چنین است:

"شب ۱۶ـ ۸۱/۶/۱۷ یک دسته از پارتیزان‌های حزب ما به همراه‌پیشمرگان‌حزب دمکرات کردستان‌عراق و حزب‌سوسیالیست کردستان عراق، مرکز پلیس واداره‌ٔ سازمان امنیت را در چومان با آر‌ـ پی ـ جی‌ـ۷گلوله باران‌کردند. دراین‌عملیات ۱۵تن از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. پارتیزان‌هاسپس اعلامیه‌ها ونشریاتی را که بههمراه داشتنددر منازل وخیابان‌ها پخش‌کردندو به سلامت‌باز گشتند.

"شب ۴ـ ۸۱/۷/۵، یکدسته ازگروهان دهم (قره‌داغ) نیروهای نظامی‌حزب‌کمونیست عراق، درنزدیکی پمپ بنزین در بندخان به کمین‌دشمن‌نشستند. یک‌نفر بردشمن که مملو ازسربازبودبه‌دام‌افتاد پارتیزانها، باآر‌ـ پی‌ـ جی بسوی نفربرتیراندازی کردند که‌درنتیجه نفربر منهدم شدوهشت تن‌ازسربازان کشته و عدهٔ دیگری زخمی شدند. پارتیزان‌ها بدون هیچ‌آسیبی به‌سلامت بازگشتند.

"شب ۹ـ ۸۱/۷/۱۰یکی از دستجات گشتی گرمیان داخل شهر طوز شدند وخانه‌ـ های چندتن از افراد ارتش صـــدام را در جستجوی آنها بازرسی کردند. مزدوران از ترس پارتیزان‌هاگریخته بودند. پارتیزان ها سپس روزنامه‌مخفی‌ارگان‌مرکزی‌حزب‌کمونیست عراق (طریق الشعب) را به دیوارهای‌خیابان ها‌وکوچه‌های‌شهرنصب کردند وبازگشتند."

"شب ۹ـ ۸۱/۷/۱۰یک دسته گشتی‌از واحد "روست" (ROST) باخمپاره‌انداز، تیر بار و ژ۳ به یک پاسگاه رژیم صدام حسیـن واقع در قریه بیشه از ناحیهٔ دیانـــا حمله کردندوپاسگاه را درهم‌کوبیدند. درگیری‌نیم ساعت طول‌کشید. پارتیزان‌هاسالم به‌پایگاه‌ـ های خود بازگشتند."

" در ۲۲ ژوئیه یکدسته از واحد های قهرمان گرمیان در نزدیکی شهر طوز، راه بغداد ـ کرکوک رابسته به بازرسی‌اتومبیل‌ها اقدام‌کردند. دربازرسی ۲ مهندس فرانسوی که از ۸۱/۷/۲در "سدهای غالی" برای‌رژیم جنایتکار عراق کارمیکردند، شناسائی‌ودستگیر شدند.

"اعلامیهٔ ستاد مرکزی عملیـات‌نظامی حزب‌کمونیست‌عراق‌باذکر مشخصات این دو مهندس فرانسوی به‌خانوادهٔ آنهـا اعلام کرده‌است که‌می‌توانند از طریق صلیب سرخ بین‌المللی باآنها تماس بگیرندوازسلامتشان اطمینان‌حاصل‌کنند."

اعلامیه‌ها همچنین افکار عمومـــی و سازمان‌های دمکراتیک فرانسه را دعوت‌کرده است که نفوذ و روابط خود رابرای‌آزادکردن زندانیان‌سیاسی‌درعراق‌بکارگیرند. اعلامیه‌ها همچنین‌خواستار آزادی اعضای‌برجسته‌حزب کمونیست‌عراق که‌دراسارت‌بسرمیبرند، شدند.

# شهادت مبارز بزرگ عراق، صالح یوسفی

صالح‌یوسفی، مبارز بزرگ، درکردستان و در سراسر عراق، میان نیروهای‌ترقی‌خواه و هواداران صلح در سراسر جهان، مشهوربود اویکی از بنیادگذاران حزب‌دمکرات‌کردستان عراق‌ودرلحظهٔ شهادت عضوهیئت‌سیاسی‌این حزب بود.

صالح‌یوسفی درتمام‌طول زندگی‌سراسر مبارزه‌اش برای احقاق حقوق‌مشروع و قانونی خلق‌کردواستقراردمکراسی درعراق‌کوشید. او عضوثابت هیئت‌های‌نمایندگی نیـــروهای آزادیخواه‌کردبود. شهیدیوسفی از مبارزان فعال راه صلح و عضو هیئت رهبری جمعیت بین‌المللی هواداران صلح بود. شهیدیوسفی همچنین‌شاعر وادیبی بزرگ و روزنامه‌نگاری فعال بود وسردبیری‌التاخی‌ارگان‌مرکزی حزب دمکرات‌کردستان عراق را بعهده داشت. او همچنین سردبیر مجلـــهٔ روژی کوردستان (آفتاب کردستان) نیز بود.

پس از شکست‌انقلاب کردستان عراق درسال ۱۹۷۵ او با تفاق رفقایش "جنبـش سوسیالیستی کردستان" را تاسیس‌کرد و به دبیراولی آن برگزیده شد.

در دوران تشدید اختناق رژیم صدام حسین، وی‌تحت‌نظرجاسوسان‌صدام‌قرارداشت اماعلیرغم مراقبت کامل، هیچگاه‌رابطه‌اوبا، حزب دمکرات کردستان عراق قطع نگردیدو وی رهنمودهای خودرا دراختیار حزب قرار میداد. رهنمودهائی که او برای کنگرهٔ اول حزب (۵ـ۸۱/۵/۱۲) ارائه کرد، آخرین اقدام او دراین زمینه‌بود.

دژخیمان صدام‌حسین مدتها در صدد ازمیان‌برداشتن او بودند. یکبار او را به سازمان امنیت احضارکردند، ولی‌با‌بی‌توجهی اوروبرو شدند. باردیگر رئیس سازمان امنیت اورا خواست. کوشیدند تاباچای وقهوه او را مسموم کننـد، ولی این توطئه آنهانیز موفق نگشت. سرانجام روز ۸۱/۶/۲۵، دونفر از مزدوران سازمان امنیت زنگ منزل اورازدند بسته‌ای به او دادند و رسید گرفته، رفتند. هنگام‌بازکردن بسته منفجر شد ویکدست اورا قطع کرد و این مبارز بزرگ و خستگی ناپذیر دربیمارستان به‌شهادت رسید.

این‌جنایت فجیع که از اعمال عادی رژیم صدام محسوب میشود، خشم و نفرت مردم عراق بویژه مردم کردستان عراق را بر انگیخت. ماضمن ابراز تنفر از ایـــن عمل جنایتکاران صدامی، شهادت این‌مبارزبزرگ رابه‌مردم عراق‌بویژه مردم‌کردستان ومبارزان ضدرژیم صدام حسین تسلیت میگوئیـــم و همبستگی خودرا باادامه دهندگان راه‌یوسفی اعلام‌میداریم. ـ "اتحادمردم"

# سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱)

## سرزمین فلسطین گذشته تاریخی

دردوران باستان فلسطین سکونتگاه قبایل گوناگونی مانندکنعانی‌ها بود. بعدها قبایل دامدار سامی که عرب و یهود بودند، از عربستان و سینا به این سرزمین رخنه‌کردند. نقل نام اورشلیم، به‌روایت تاریخ‌نگارها، برای نخستین بار به‌نیمه‌هزارهٔ دوم پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. درسدهٔ دهم پیش ازمیلاد، م‌قبایل یهودی‌اسرائیل و یهودا برقبیله کنعانی و یبوزیت چیره‌می‌شوند و بر اورشلیم دست‌می‌اندازند. این‌قبایل حکومت‌پادشاهی درسرزمین فلسطین برپا می‌سازند، که با گذشت ۱۰۰ سال از موجودیت ان، در اثر کشاکش وستیزه‌جویی‌های درونی به‌دوسرزمین پادشاهی‌مستقل‌یهودیه واسرائیل ( درحدود، سال ۹۲۸پیش از میلاد ) تقسیم می‌شود. پادشاهی‌اسرائیل درسال ۷۲۲پیش از میلاد بدست‌آشوری‌ها درهم شکسته‌شد، درحالیکه تمامی سرزمین‌های‌یهودیه واورشلیم، درسال ۵۸۶پیش از میلاد، به تصرف نیبوچاد نزار، پادشاه‌بابل، درآمد. اسرائیلی‌ها به‌آشور کوچانده‌شدند و تا این زمان سرنوشت آنان ناشناخته‌و سر به‌مهر است. مردم یهودیه نیز به‌بابل‌آورده‌شدند وبعدها، از این سرزمین به‌شمار بسیاری‌از کشورها راه‌یافتند. در پیامد سقوط بابل (درسدهٔ دوم پیش از میلاد ) یهودیانی چند به سرزمین فلسطین بازآمدند وپادشاهی یهودیه‌رادراورشلیم بنیان‌گذاردند این‌بار، رومی‌ها، درسال ۷۰پیش از میلاداین سرزمین را عرصهٔ تاخت وتاز خود قراردادند. آنهاپادشاهی یهودیه‌راواژگون‌ساختند، گروهی ازمردم‌راکشتند، اورشلیم را به‌کام‌آتش‌افکندند ومقدس‌ترین‌مقدسات یهودیان، معبدسلیمان‌را باخاک یکسان کردند. ازسال ۱۳۰بعدازمیلاد‌ه اورشلیم بعنوان‌قلعه‌آلیناکاپیتولینای رومی نامیده و دست یهودیان از آن کوتاه‌شد. از قرن ۴بعدازمیلاد، اورشلیم‌که زیر فرمانروایی کنستانتین، امپراتور روم‌شرقی، قرار داشت، به‌یکی از اماکن مقدس مسیحیان تبدیل گردید.

ازآغازسده‌هفتم پیش‌ازمیلاد، درسرزمین فلسطین‌بطورعمده‌آرامی‌ها سکونت داشتند. آرامی‌ها، مردمی سامی‌نژادبودند که نیاکان اعراب فلسطین‌امروزی بشمار می‌آیند. درسال ۶۳۸سرزمین اورشلیم به‌دست‌عمر، خلیفه‌عرب، تصرف گردید و عربهای شبه‌جزیرهٔ عربستان، که وی راهمراهی‌کرده‌بودند، دراین سرزمین باآرامی‌ها درآمیختند. آرامی‌ها زبان‌عربی‌را، که‌خویشاوند زبان‌آرامی‌بود، پذیرفتند و همچنین به‌مذهب‌اعراب، دین‌اسلام، گرویدند ازآن پس، سرزمین‌فلسطین به‌یک کشور عربی و اورشلیم (بیت‌المقدس) ــ بخاطر مسجد الاقصی، که سنگ مقدس درآن جا قرار دارد ــ به‌شهر مقدس‌مسلمانان و به زیارتگاه‌تبدیل‌شد. بربنیان‌تعالیم واحادیث اسلام، پیامبر از این مکان باخدا بمراز و نیاز پرداخته وازاین‌مکان به‌ملکوت عروج‌کرده است.

اعرابی که ازعربستان به‌سرزمین‌فلسطین آمده واسلام را با خود آورده‌بودند. بادیگر ادیان‌مداراکردند، به‌گونه‌ای‌که‌حتی‌امروزگروهی ازمسیحیان درکنار فلسطینی‌ها، اردنی‌ها، لبنانی‌ها ودیگر اعراب مسلمان زندگی‌می‌کنند اعرابی که درسرزمین فلسطین سکونت‌گزیدند، به‌یهودیان‌اجازه‌دادند تابه‌زیارت‌دیوارویلنیک، آخرین‌بقایای معبدسلیمان، بروند. علاوه بر این به‌خلاف دیگر فاتحین، که یهودیان را از بیت‌المقدس بیرون می‌راندند، اعراب‌این‌حق رابرای‌یهودیان پذیراشدندکه دربیت‌المقدس اقامت‌کنند وبه‌تجارت‌بپردازند. این وضع‌حتی پس‌ازدست‌اندازی ترکهای مسلمان براین‌شهر درسال ۸۹۶(۱۵۱۷) نیز حفظ گردید.

## سرآغازتاریخ معاصرفلسطین وپیدایی صهیونیسم سیاسی ومذهبی

تاریخ‌فلسطین در سده‌های اخیر، به دوران رشد و تکامل بورژوازی‌دراروپاوتلاش‌های دامن‌گستر بورژوازی برای تقسیم جهان پیوند می‌یابد:

نخستین استعمارگر دوران سرمایه‌داری، کمپانی‌هلندی هندغربی " (درسال ۱۰۳۱ ق. ۱۶۵۲م.) قطعه‌زمینی ازجزیرهٔ "کوراسائو" را به‌یوسف (نونزدافونسه‌کا )وشرکاء دادتامستعمره‌ای‌یهودی‌نشین‌تأسیس کنند. " دوسال‌بعد بریتانیا درصددبرآمدیهودیان را درمستعمرهٔ "سورینام" اسکان‌دهد. درهمان‌اوقات فرانسه هم طرح‌مشابهی برای مستعمرهٔ‌خود " کاین " ریخت. امااقدام به‌استعمار فلسطین به‌وسیلهٔ اسکان‌یهودیان، نخستین‌بارتوسط ناپلئون صورت‌گرفت. ناپلئون با اندیشهٔ برپایی‌دولتی یهودی دربیت‌المقدس وایجادنیروی کمکی، سپاهی ازمزدوران یهود ساکن آسیاوآفریقا را علیه‌اعراب سازمان‌داد، ولی‌در راه‌دستیابی‌به این‌هدف باشکست‌روبروشد.

درخلال سالهای ۱۲۲۷ــ۱۲۱۹ ( ۴۸ــ۱۸۴۰ ) دولت‌های‌فرانسه وبریتانیا در راه "نوزایی‌یهودیان "برای تشکیل یک دولت یهودی درفلسطین به‌تلاش‌پرداختند. در آن زمان، محافل حاکمه‌به طور رسمی خاطر نشان می‌ساختندکه: "بازگشت دگرباره ملت یهودنه تنهاپایان‌دادن به‌هزاران‌سال‌سرگردانی آنها است، بلکه‌همچنین نشانهٔ قدرت‌سیاسی عظیم دولت‌بریتانیا نیز بشمار می‌آید. "

در خلال‌سالهای ۱۲۴۹ــ۱۱۲۹ (۷۰ ــ ۱۸۵۰ ) در پی حفرآبراه سوئز، اهمیت استراتژیک سرزمین فلسطین دوچندان‌گردید. استعمارگران‌فرانسوی، بریتانیایی و آلمانی‌به خاطر افزایش نفوذ خود دست به‌خرید زمین درفلسطین زدند و در این مسیر، استعمارگران فرانسوی یهودیان‌تهی‌دست رابرای‌تشکیل‌یک مستعمرهٔ یهودنشین به‌فلسطین‌گسیل‌می‌داشتند. آنهاازسوی‌دیگر ۷۵۰۰هکتار زمین‌حاصلخیز و بارآور از طریق کارگزاران‌خود در این خطه خریداری کردند.

درسال ۱۲۵۹ (۱۸۸۰)، در سرزمین فلسطین، شماری چند ماندگاه یهودنشین، در یهودیه، سامریه وحلیلیه بنیان‌گذارده‌شد، و تعدادی یهودی‌اورتودوکس که خودرا پیروان صهیون می‌نامیدند، دربیت‌المقدس، صفد وتیریاس مستقر گردیدند. واین‌خود، سرآغاز تاریخ‌دوران‌اخیر سرزمین فلسطین‌است، که با "صهیونیسم‌سیاسی "پیوندتنگاتنگ‌دارد.

خاستگاد "صهیونیسم‌سیاسی " رامی‌توان در صهیونیسم‌مذهبی ــ که آمیخته‌ای از مذهب‌یهود و اوراد وپیش‌گوئی‌های‌توراتاست ــ بازیافت. دستمایه‌وبنیان "صهیونیسم‌مذهبی" براین‌باور تغییرناپذیر استواراست‌که: سرزمین موعودفلسطین، روزی دگر بار سکونتگاه فرزندان‌قوم‌پراکنده یهودخواهد شد.

بدینسان، صهیونیست‌هادرطرح‌"مسئلهٔ یهودیان "باجلوه‌گاه مذهبی، می‌خواهندسرشت طبقاتی، خصلت‌نژادگرایی وملت‌گرایی‌تنگ‌ــ نظرانه وارتجاعی‌صهیونیسم وجنبه‌تجاوزگری‌و توسعه‌طلبی‌این‌سیاست بویژه پیوندهای تنگ وژرف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن را با امپریالیسم‌جهانخوار پوشیده‌دارند.

صهیونیست‌ها با افسانه‌پردازی‌های‌یاوه گویانه و به پشتوانه مشتی‌اوراد و روایات‌دست چینی‌شده‌از "کتاب‌کتابها" ــ تورات، "قوم‌یهود" را "قوم‌برگزیده" و "ملت‌متحد" می‌شمرند که ماندگاه‌ابدی‌آن‌سرزمین‌فلسطین‌است.

براین‌بنیان، صهیونیست‌ها براین‌باورند که‌هرچند در درازای تاریخ "قوم برگزیده"، "ملت‌متحد" یهود، هرازگاهی‌بدست‌ستمکاران یهودآزار پراکنده‌شده‌وازسرزمین‌موعود به‌دور افتاده‌است، ولی‌این "قوم برگزیده همواره راه جوی کوچ‌به "سرزمین‌موعود" ــ فلسطین‌و بر ــ پایی "ملت‌متحد" براین‌خاک مقدس بوده و خواهد بود.



صهیونیسم، فرزند خلف امپریالیسم، برای آفریدن "ملت‌متحد" برگسترهٔ "سرزمین موعود"، با دستاویز "یهودآزاری‌ویهودستیزی" وتراشیدن "دشمن" در راه کوچاندن یهودیان از هیچ‌تلاشی فروگذار نکرده ونمی‌کند و برای پیشبرد امر نامقدس برپایی سرزمین غارت و تجاوز، با امپریالیسم و فاشیسم بگونه‌ای‌جدائی ناپذیر جوش می‌خورد. تنها درهمپیمانی بین سردمداران صهیونیسم ونازیها ( با شعله‌ور ساختن آتش یهودستیزی و کوچاندن‌یهودیان به‌فلسطین ) ۶میلیون‌تن یهودی "قوم برگزیده" به‌کام‌کوره‌های‌آدم‌سوزی‌روانه‌شدند.

لنین "مسئله‌یهود" را چنین ارزیابی میکند:

"مسئله یهودجزاین‌دوراه در پیش‌ندارد: انزوا یا یکی شدن با مردم محیط ــ و مسئلهٔ "ملت‌یهود" نظری است بیگمان ارتجاعی، نه فقط هنگامی که توسط هواخواهان‌پروپاقرص آن (صهیونیست‌ها ) توضیح‌داده‌می‌شود، بلکه‌همچنین‌هنگامی که‌برلبان‌کسانی‌می‌گذرد که‌می‌کوشند آنرا با افکار سوسیال‌دمکراسی درآمیزند (بوندیست‌ها) . "

## برپائی سازمان صهیونیسم جهانی «سرآغاز فاجعه»

درسال ۱۲۷۶ ( ۱۸۹۷ ) در شهر بال نخستین کنگره صهیونیست‌ها برگزارشد. کنگره افزون‌برپذیرش‌یک‌برنامهٔ تنگ نظرانهٔ ناسیونالیستی یهود، " سازمان صهیونیسم جهانی " را نیز شالوده‌ریزی کرد. این‌سازمان، به‌سردمداری کلان‌سرمایه‌داران‌یهود، چون روتشیلدها وگینزبورگ‌ها و قلم‌بدستانی چون هرتسل‌ها وپینسگرها، برای استقرار یک‌دولت سرمایه‌داری یهودی درسرزمین‌فلسطین وسکنی گزینی‌یهودیان‌سراسرجهان‌دراین "وطن‌آبایی قوم‌یهود" تلاش‌می‌ورزید.

تئودورهرتسل‌درسخنرانی‌افتتاحیهٔ خود درکنگره‌گفت:

"مادراینجا گردآمده‌ایم تانخستین سنگ بنای‌دولتی راکه‌پناهگاه ملت‌یهود خواهد بود، برزمین‌نهیم. "

آنگاه او درخواست‌کردکه‌مهاجرت‌جمعی به‌فلسطین‌هرچه‌بیشتر افزایش‌یابد.

درجریان‌برگزاری نخستین کنگرهٔ صهیونیست‌ها، کلان سرمایه‌داران یهود، وابستگان محافل حاکمه قدرت‌های‌استعماری، درزیر پرچم پرنیرنگ "دفاع از مردم یهود"، هدف آزمندانهٔ خویش را برای نخستین‌بار آشکارا اعلام‌داشتند:

"ایجادیک‌سرزمین و یک قانون‌اساسی در فلسطین"

کنگره همچنین طرح تقاضانامه‌ای‌خطاب به‌سلطان‌عثمانی، حاوی درخواست اسکان یهودیان در فلسطین را تنظیم کرد.

(ادامه‌دارد)

**باتحکیم وتقویت صف متحد نیروهای مردمی وضدامپریالیستی جبهه متحد ضدانقلاب را درهم شکنیم!**

# شعار اصلی . . .

بقیه از صفحهٔ ۱

"شعار اصلی ما مرگ برآمریکا است".

* * *+

در واقع نیز پیروزی انقلاب بستگی به دگرگونی اقتصادی ـ اجتماعی جامعه بسود توده‌های ده‌ها میلیونی مستضعفان و زحمتکشان ومحرومان شهرو روستا دارد. لغوفئودالیسم و بزرگ مالکی ستمگر واستثمارگر در روستا، از طریق انجام اصلاحات ارضی بنیادی برمبنای احقاق حقوق زحمتکشان در روستا، لغو کلان سرمایه‌داری غارتگر در تمام عرصه‌های صنعتی بازرگانی، مالی، امورساختمان، مسکن وغیره، لغواستکبار واستضعاف از طریق توزیع عادلانه ثروت و تمامی محصول کار اجتماعی در تمام زمینه‌ها، مضمون انقلاب و هدف انقلاب "کوخ نشینان برضدکاخ‌نشینان" است. با اجرای عملی و بادسترسی به این هدف است که انقلاب پیروز می شودوپیروزی آن تضمین میشود.

برای اجرای این مضمون انقلاب و برای دسترسی به این هدف انقلاب، یعنی برای دستیابی به پیروزی برگشت ناپذیرانقلاب، باید انقلابی عمل کرد. انقلابی عمل کردن، یعنی تکیه برتوده‌های میلیونی مستضعفان و زحمتکشان، بسیج این توده‌های میلیونی در مبارزه با هر نیروئی که بخواهدمانع پیشرفت انقلاب گردد، شکستن این مانع، به هرشکلی که بخواهدظاهر شود.

باید اعتراف کرد که نیروهای مخالف انقلاب "کوخ‌نشینان"، بمدت دوسال ونیم، نه فقط وقت انقلاب را به هدر دادند، نه فقط مانع پیشرفت انقلاب بسوی اهداف اصیل والزامی خودشدند، بلکه زیانهای جدی به انقلاب زدند. یک لحظه نیز دیگرانقلاب نمی‌تواند ونباید رکود وسکون را تحمل کند، زیرا رکود وسکون درانقلاب درحقیقت رجعت است.

انقلاب یا پیش می‌رود و یا به عقب بازمی‌گردد، یا بسوی پیروزی درحرکت است یا بسوی شکست. تمام گناه تمامی نابسامانیهای جدی بعد از انقلاب: گسترش دامنه بیکاری، افزایش گرانی، بقاء ستمگری بر روستائیان زحمتکش، افزایش میزان غارتگری در "تجارت" بقاء دشواریهای مسکن وغیره وغیره برعهدهٔ نیروهای مخالف انقلاب، برعهدهٔ نیروهای ضدانقلابی داخلی و خارجی، بسرکردگی آمریکا است. وقت آنست که نیروهای انقلابی، با قاطعیت انقلابی عمل کنند. مصالحه و سازش بین نیروهای ضدانقلابی وانقلابی هیچگاه و در هیچ کجا جز به زیان انقلاب ممکن نبوده است و در ایران نیز نیست. درانقلاب، یکی ازاین دونیرو بایدشکست بخوردتا دیگری پیروزشود. "تروریستهای اقتصادی" را باید از میان برداشت، البته نه ازطریق محو فیزیکی آنها، بلکه از طریق خلع سلاح آنها، یعنی تصرف اراضی زراعی غصبی آنها، بازپس گرفتن اموال "نامشروع" از گردن کلفتهای اقتصادی"، لغو بزرگ سرمایه‌داری وابسته، والی آخر.

اینک همه شواهدنشان می‌دهد که نیروی عظیم انقلابی آماده‌حرکت برروی "خط امام" به سوی اهداف مهم انقلاب است. این نیروی عظیم را سیل آسا باید به حرکت انداخت، تا انقلاب پیروزشودوپیروزی برگشت ناپذیر آن تضمین گردد.

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی، حین خطبه‌های نماز جمعه مجددا تذکر دادکه‌شعار اصلی انقلاب ما "مرگ برآمریکا" است. آیت اله مشکینی، امام جمعه‌موقت تبریز، درخطبه های نماز هفته گذشته، ضمن تشریح همین مطلب اظهار داشت که: "ثواب شعار مرگ برآمریکا از ثواب نماز بیشتر است". درمدت چهار ماهی که از عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری درمجلس، یعنی از شکست خط آمریکایی ـ لیبرالی می‌گذرد، بارها از سوی مقامات مسئول به‌تصریح یاتلویح تذکر داده‌شده‌است که‌شعار اصلی انقلاب ما "مرگ برآمریکا" است و شعار "مرگ برشوروی" شعاری است انحرافی. صریح‌تر ازهمه‌سخنان امام است که لیبرالها شوروی‌را مطرح می‌کردندتاآمریکا فراموش شود. با این همه، شعار انحرافی "مرگ برشوروی" در اینجاو آنجا، درنماز جمعه، درمدارس، دراجتماعاتی که به مناسبت‌های گوناگون تشکیل می‌شود، هنوز بگوش می‌رسد.

روشن است که مسئله کوشش مستمربرخی ـها درجا انداختن شعار انحرافی "مرگ بر شوروی" مسئله فرعی و کم‌اهمیتی نیست. این یک مسئله جدی ومهم است. جدی است برای این که بطور کلی شعار، ـ بویژه شعاری که در سطح کشور مکرر تکرارشود، "حرف" نیست، بازتاب سیاست و یازمینه‌ساز سیاست است. مهم است برای این‌که هدفش اولا کم رنگ کردن ومبتذل کردن شعار "مرگ برآمریکا" است، تلقین موذیانه این اندیشه‌است که، همانطورکه‌شعار "مرگ برشوروی" بی‌معنا وبی دلیل است، شعار "مرگ برآمریکا" نیز خالی از محتوا است. ثانیا هدفش جوسازی برای ممانعت از گسترش مناسبات حسن‌همجواری باکشور بزرگ‌همسایهٔ شمالی ـ بزرگترین نیروی ضدامپریالیستی جهان وبزرگترین نیروی حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ـ ایجادسدروانی در راه این مناسبات وستیزه‌جوئی مصنوعی برای دشمن تراشی است.

چه‌کسانی وکدام نیروها شعار "مرگ بر شوروی" را، با سماجت وگستاخی رواج می ـ دهند؟ پاسخ روشن است. آن نیروهائی که نمی‌خواهند آمریکای جنایتکار، سرکردهٔ امپریالیسم جهانی، دشمن اصلی و همیشگی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران. هدف عمدهٔ انقلاب باشد، آن نیروهایی که در تلاش منفرد کردن جمهوری اسلامی ایران به قصد شکستن انقلاب‌بند. بنابراین، مبارزه‌ای که بر سراین دو شعار درجریان است، مبارزه "شعاری" نیست، مبارزه سیاسی، مبارزه بین نیروهای هوادار و نیروهای مخالف پیشرفت وپیروزی انقلاب است لذا در این مبارزه نیز مانند مبارزهٔ داخلی بر سرمسائل مهم واساسی ـ اصلاحات ارضی، دولتی‌کردن بازرگانی خارجی، لغو بزرگ سرمایه ـ داری وابسته، در یک کلام شکستن نیروی "تروریسم اقتصادی"، مبارزه‌ای است اصولی، که‌سازش ومصالحه‌نمی پذیرد، مگربزیان انقلاب وبزیان تحکیم جمهوری اسلامی ایران.

مسلم است‌که درعرصه این‌مبارزه نیزباید قاطع بود، آشکارا بمردم توضیح داد که چرا شعار "مرگ‌برشوروی" شعاری است انحرافی، چرا باید فقط بانک شعار "مرگ برآمریکا" همیشه و همواره رساتر در فضای کشور طنین‌افکن باشد، توضیح داد که نبرد با آمریکا (باامپریالیسم به سرکردگی آمریکا) گذرا نیست، و تاامپریالیسم آمریکا باقی است، ادامه خواهدداشت. زیرا تا امپریالیسم آمریکا باقی است، تلاش آن از طریق توطئه‌های گوناگون برای شکستن انقلاب ایران ادامه‌خواهدیافت. این نبردی است سرنوشت‌ساز، که پیروزی درآن، یعنی پیروزی انقلاب و شکست درآن، یعنی شکست انقلاب.

تردیدنمی توان داشت، که اگر لزوم شعار "مرگ برآمریکا" و دلائل انحرافی بودن شعار "مرگ‌برشوروی" بقدرکافی صریح وبقدرکافی همه جانبه به مردم توضیح داده شود، آنگاه هیچ نیروی ضدانقلابی، هیچ نیروی هوادار بازگشت آمریکا، هیچ‌نیروی دشمن‌تراش مخالف انقلاب، هرقدرهم که‌نقاب انقلابی نمائی واسلام پناهی به‌چهره زده‌باشد، نخواهد توانست شوروی را مطرح کند، تاآمریکا "منسی" شود و انقلاب به بیراهه سوق داده شود.

مردم انقلابی ایران می‌خواهند که شعار "مرگ برآمریکا" همیشه‌طنین افکن باشدومبارزه برضدتروریستهای اقتصادی" ـ کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌مالکان ـ هرچه سریع‌تروهر چه قاطع‌تر به پیش رود، زیرا مردم‌ما میدانند که‌فقط در اینصورت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی درمیهن‌ما تامین خواهدشد.

# تفسیر وقایع . . .

بقیه از صفحهٔ ۱

های امپریالیستی در سال ۱۹۸۱برابر با ۵۰۰ میلیارد دلار است و هرسال افزایش‌می یابد. مثلا امریکای لاتین در سال ۱۹۶۵ قریب ده میلیارد دلار به‌کشورهای امپریالیستی بدهکار بود. درسال ۱۹۸۰این مبلغ به ۱۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت. ازسال ۱۹۷۰تاسال۱۹۸۰ وام‌کشورهای "جهان‌سوم" بطور متوسط ۲۱در‌صدافزایش یافته‌است. این‌کشورها تنها دریک سال ۱۹۷۹ مبلغ ۴۴میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار ربح وام‌های خود را پرداخته‌اند. طی سال‌های ۱۹۷۰ـ ۱۹۷۸ سود انحصارات امپریالیستی چندملیتی از سرمایه‌گذاری در کشورهای "جهان‌سوم" صد میلیارد و ۲۱۸ میلیون دلار بوده‌است. انحصارات امریکائی از هریک دلار سرمایه ۴/۵ دلار منفعت خالص برداشته‌اند . . .

سایر ارقام و داده‌هائیکه فیدل کاسترو درنطق خود آورده‌است، عمق جنایات امپریالیسم نسبت به خلق‌های ستمدیده را نشان‌میدهد. امپریالیست‌ها برای‌آنکه بتوانند باین غارت بی‌بندو بار خود ادامه دهند، چاره‌ای‌جز توسل به‌زور ندارند. در عین حال کاربرد زور در شرایط کنونی جهان هر روز دشوارتر میگردد و به همین دلیل نیز مانورـ های جنبی به‌منظورفریب خلقها برای‌امپریالیسم پیوسته‌اهمیت‌بیشتری می‌یابد. تشکیل‌کنفرانس باصطلاح‌شمال وجنوب یکی از اینگونه مانورـ هاست.

## کنفرانس شمال و جنوب

هفت‌کشور امپریالیستی جهان (امریکا، اروپای‌غربی، ژاپن وکانادا) و ۱۴ کشور از "جهان‌سوم" دراین کنفرانس، که در کانکون (مکزیک) تشکیل شد شرکت داشتند. چین‌نیز نخست‌وزیرخودش را به‌این‌کنفرانس فرستاد (معلوم‌نیست در کدام‌صف: شمال‌یاجنوب؟!). کنفرانس، چنانکه مطبوعات غربی مینویسند، در اطراف مسائل شخصی بحث نخواهدکرد، قطع نامه‌ای صادرنخواهدکرد. تصمیمی‌نخواهد گرفت. نمایندگان این‌کشورهاخواهند نشست و باهم درددل خواهند کرد!

ویلی برانت، رئیس حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال، که درعین‌حال‌ریاست این‌کمیسیون را نیز بعهده دارد، اظهار داشت که از این کنفرانس انتظار هیچ نتیجه‌ای را نداردوبهمین دلیل در آن شرکت نخواهدکرد. درحقیقت نیز دولت‌های‌امپریالیستی حاضربه هیچ‌گذشتی در برابر کشورهای "جهان‌سوم" نیستند. مسائل‌اساسی عبارتند از: واگذاری اعتبار باشرایط سهل، بازرگانی برابر، نرخ برداشت سود از سرمایه‌های خارجی، صدور تورم به‌کشورهای "جهان‌سوم"، کمک‌های‌فنی‌و مالی، که هیچیک‌ازآنان‌راکشورهای‌امپریالیستی بخصوص ایالات‌متحده نمی‌پذیرند.

درمورد بازرگانی، کشورهای‌امپریالیستی فرآورده‌های صنعتی خودرا به چند برابرقیمت اصلی خودمیفروشند و مواد اولیه و کالاهای سنتی "جهان‌سوم" رابه‌بهای‌ناچیزی‌می‌خرند، بعنوان‌مثال، اگرپنجسال‌پیش‌کشورهای‌آفریقائی دربرابریک‌تن موز، یک کامیون میخریدند، اکنون باید برای خرید همان ماشین دوتن موز بدهند.

درمورد واگذاری اعتبار، بانکهای‌بین‌المللی‌نرخ‌بهره وام را به‌حد بیسابقه‌ای بالا برده‌اند. سرچشمه‌این صعود بی سابقه نیز انحصارات مالی امریکائی‌هستند. علاوه براین واگذاری وام و اعتبار ازسوی بانک‌های بین‌المللی منحصرا برحسب مواضع سیاسی کشورـ های "جهان‌سوم" انجام می‌گیرد. دنیای امپریالیسم تنهابرپایهٔ فروش استقلال باکشور های "جهان‌سوم" معاملهمیکند. کشورهائی چون سوریه، هندوستان، لیبی و غیره که بخواهند استقلال خودرا حفظ‌کنند، نه تنها دیناری به‌آنان وام واعتبارداده‌نمیشود، بلکه درمعرض انواع دسیسه‌ها نیز قرار میگیرند، ولی اگرکشوری چون‌مصر وپاکستان به سیاست امپریالیسم‌تابع‌گردد، سرکیسه رابرای‌آن شل میکنند.

ریگان درآستانه سفرش به کانکون‌گفت که راه‌نجات "جهان‌سوم" در پذیرفتن "بازار آزاد سرمایه‌گذاری‌خصوصی" است، به عبارت دیگر، "جهان‌سوم" باید تا ابد در چنبرهٔ نظام‌سرمایه‌داری وابسته‌بماند، نظامی که مورث‌تمام بدبختیهای‌کنونی‌است. اماجهانیان چه امپریالیست‌هابخواهند و چه نخواهند، این‌نظام‌جهنمی را محکوم میکنند و ما هرروز شاهد حادثه‌ای‌دراین‌زمینه‌هستیم. انتخابات یونان رامیتوان‌بعنوان مثال ذکرنمود.

## سوسیالیستها در یونان روی کار آمدند

انتخابات یونان در هفته پیش دومین انتخابات جنجال برانگیز اروپادرسال‌جاری بود. سوسیالیست‌ها دریونان، بدنبال‌فرانسه درانتخابات پیروز شدند، پیروزی چشمگیری که درهیچ یک ازانتخاباتی‌که‌در دوران‌پس از جنگ دراین‌دوکشور انجام‌گرفته قابل مقایسه نبود. سوسیالیست‌ها درهر دوکشور اکثریت قاطع بدست‌آوردند. اینکه این احزاب‌تاچه‌حد اعتمادی را که رای دهندگان به آنها ابراز داشته اند، شرافتمندانه برآورده خواهند ساخت، هنوز معلوم نیست. باید نشست و درانتظار اقدامات آتی آنان بود. امایک‌نکته ازهم‌اکنون کاملا روشن و مشخص است که مردم دراین دوکشور به سیاست‌های امپریالیستی پشت‌کردند. حزب‌سوسیالیست یونان‌درانتخابات باشعار برچیدن پایگاه‌ـ های امریکائی، خروج از پیمان ناتو و بازار مشترک به میدان آمد، ومردم به این برنامه رای دادند. برسیاست‌ماجراجویانه جنگ‌ـ افروزی در اروپا ضربت تازه‌ای وارد شد. پیشنهاد اتحاد شوروی به دولت‌جدیدیونان در مورد اعلام بالکان بعنوان یک منطقهٔ غیراتمی، گام دیگری در پیشبرد سیاست صلح و تشنج‌زدائی‌است که پیگیرانه از سوی کشورهای سوسیالیستی دنبال میشود.

## مسئله فلسطین محور اصلی صلح پایدار در خاور میانه ونزدیک

حل مسئله فلسطین بنحوی‌که‌این‌خلق ستمدیده بتواند در دولت مستقل خود در صلح ورفاه بسر برد، یکی از مهمترین‌مسائل منطقه‌است. برسراین مسئله حساس‌است که نمیتوان‌به‌هیچ‌گذشتی تن درداد‌واین‌مسئله است که‌اسرائیل وحامیان امپریالیستی آن‌به هیچوجه حاضر به پذیرفتن آن نیستند.

اقدام دولت شوروی در تبدیل دفتر سازمان‌آزادیبخش فلسطین‌به سطح‌نمایندگی سیاسی و سفارت نشانه موضع پیگیر اتحاد شوروی در پشتیبانی از حق لاینفک خلق فلسطین درمورد داشتن یک دولت مستقل‌در سرزمین‌اجدادی خویش‌است.

این‌اقدام در شرایط کنونی، که امپریالیسم‌امریکا بااسرائیل‌پیمان‌استراتژیک می‌بندد وناوها و واحدهای‌سپاه واکنش‌سریع خودرابه‌منطقه میفرستد، از اهمیت سیاسی خاصی برخورداراست. مانیز به‌نوبت‌خوداین موفقیت بزرگ رابه برادران فلسطینی خود تبریک‌میگوئیم.

# یامسابقه . . .

بقیه از صفحهٔ ۳

مربوطه‌موافقت‌نامه‌نهائی هلسینکی دربارهٔ‌مبارزه علیه‌استعمار، نژادپرستی وکشتارجمعی سیاه‌ـ پوستان وهمچنین پیرامون گسترش‌همکاری‌فرهنگی ـ علمی بین‌المللی، جلوگیری کند. اما تلاش‌ـ های‌نمایندگان آمریکا وچین بی‌نتیجه ماند، زیرا دراین پیشنهادهای عادلانه، معقول و منطقی، همه‌خلق‌های زحمتکش جهان، همه نیروهای صلح‌دوست وترقی خواه‌ذی‌نفعند. در همان‌کنفرانس‌مدیریونسکو، ا.م. مبو، متذکرشد: "اکنون یکی‌از پدیده‌های‌دوران‌مادرحال تکوین‌است که همه تضادهای این‌دوران‌راجمع بندی‌میکندوآن‌پدیده‌همانامسابقه تسلیحاتی است. درنتیجه‌این‌مسابقه تسلیحاتی است که بخش فزایندهٔ منابع بشر، به جای آنکه‌زندگی انسانهارابهتر وزیباترکند، به‌تولید وسائل تخریب ومرگ‌اختصاص دادمی شود."

برابر ارزیابی متخصصین، هم اکنون قریب ۴۰درصد از مجموعه‌امکانات علمی شگرف جهان، که‌میتواند در وهله اول‌فقروتنگدستی را ازروی‌کره‌زمین‌بزداید، برای‌مقاصدمخرب و مهلک (ودربهترین‌صورت، بی‌ثمر وبیهوده) نظامی‌مورداستفاده قرارمیگیرد.

در زمان ماحقیقتا وظیفه‌ای بزرگتر از قطع مسابقهٔ تسلیحاتی، تحکیم، تعمیق وبی‌ـ برگشت‌کردن‌روندتشنج‌زدائی وحرکت‌پیگیر و جدی بسوی خلع سلاح‌همگانی درمقابل‌بشریت وجودندارد. اگرتوطئه‌های‌مکرر و پی در پی امپریالیسم، بسرکردگی‌امپریالیسم‌امریکا، علیه انقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران‌درداخل‌وخارج کشور، درمنطقه‌وسراسرجهان‌در نظرگرفته‌شود، آنوقت‌اهمیت‌حیاتی مبارزه‌علیه‌خطر جنگ، در راه‌قطع‌مسابقهٔ تسلیحاتی وتحکیم تشنج‌زدائی درراه‌نیل به‌خلع سلاح‌همگانی، به‌ویژه‌برای‌خلق رزمنده‌و زحمتکش‌ما ونظام‌اجتماعی نوبنیاد کشورما، روشن‌تر و بارزترمی شود.

چنانکه مقامات مسئول جمهوری اسلامی بکرات متذکر شده‌اند، مردم‌زحمتکش ایران خواهان جنگ نیستند. جنگ را امپریالیسم امریکا دشمن‌شمارهٔ یک‌ما، بوسیله رژیم صدام خائن‌به‌ماتحمیل‌کرده‌است. نبردمردم قهرمان‌ما علیه‌تجاوزمسلحانه‌امریکائی صدام‌در حقیقت نبردی‌علیه جنگ، نبردی در راه حق، عدالت وصلح‌است. همه‌مردم مستضعف ایران‌نیز، به همراه‌تمام‌نیروهای صلحدوست، ترقی‌خواه و عدالت‌پرور جهان، به‌مبارزه‌خود علیه شیطان بزرگ‌امپریالیسم‌امریکا ودست‌نشاندگانش، در راه‌پیشرفت‌امر صلح، تشنج‌زدائی، قطع مسابقه تسلیحاتی ونیل به خلع سلاح‌همگانی تاپیروزی نهائی ادامه‌خواهند داد.

دربارهٔ باصطلاح «گردهمایی شمال ـجنوب» درمکزیک

# کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته به‌غارت کشورهای «جهان سوم» ادامه می‌دهند

به‌اصطلاح گردهمایی " شمال ـ جنوب " ،که در روزهای ۳۰ مهر و ۱ آبان ۶۰ (۲۳ـ۲۲ اکتبر ۸۱) درشهر "کنکون" مکزیک برگزارشد ،یکی دیگر ازنشست ـ های متعدداین جرگه است که تاکنون ، درست بعلت آنکه ازمسائل واقعی "جهان سوم " دوری جسته برخی امیدهای احتمالی دولت‌های این "جهان "را نیز به‌یاس بدل کرده‌است .

در "گردهمایی کنکون "تنها ۲۲ کشور شرکت جستند .این رقم خود ۸ کشور سرمایه‌داری رشد یافته را در برمی‌گیرد ،که درعین‌حال کارگردانی گردهمایی رابدست‌دارند .بدینسان ، تنها در حدود یکدهم کشورهای رشد یابنده درباصطلاح گردهمایی " شمال ـ جنوب "شرکت‌کردند .یادآورمی شویم که درخواست کوبا ،یعنی کشوری که اکنون‌ریاست "جنبش‌غیرمتعهدها "رابه عهده‌دارد ،برای شرکت‌در "گردهمایی "کنکون " به سبب مخالفت آمریکا ، پذیرفته‌نشد .

گردهمایی‌جرگه "شمال ـجنوب " (یعنی‌کشورهای‌سرمایه‌داری رشدیافته وکشورهای‌رشدیابنده ) نخستین‌بار به توصیه "گزارش‌برانت"صورت‌گرفت . این گزارش را دوسال پیش کمیسیون بین‌ـ المللی ،مرکب ازشخصیت‌های‌برجستهٔ کشورهای‌سرمایه‌داری ،به‌ریاست‌ویلی برانت ،صدر اعظم سابق جمهوری فدرال آلمان و صدر کنونی " حزب سوسیال‌دمکرات "آن کشور ،تهیه‌کرده بود .جالب‌است که‌برانت چند روز پیش از برگزاری "کنفرانس کنکون " اعلام‌کردکه دراین کنفرانس شرکت نخواهد جست .دراین گزارش به‌ویژه نظرات آن‌بخش ازمحافل سرمایه‌داری جهانی بازتاب‌یافته‌است ،که شکاف فزاینده‌میان‌کشورهای‌سرمایه‌داری‌رشد یافته وکشورهای‌فقیر "جهان‌سوم"نگرانی آنرابرانگیخته‌وخواهان‌اتخاذتدابیری برای "ادامه‌زندگی بشریت در صلح و صفا " (بخوان :جلوگیری‌ازانقلاب‌های اجتماعی‌آزادی‌بخش ) شده‌است .

چنانکه در "گزارش برانت "آمده است ،درحالیکه‌در "شمال " یک چهارم سکنه‌و سه‌چهارم ثروت جهان متمرکز شده‌است ، "جنوب "سه‌چهارم سکنه وتنهایک‌پنجم ثروت جهان‌رادربرمی‌ـ گیرد .

ازسوی دیگر ،کشورهای رشد ـ یابنده اکنون درحدود ۴۰۰ میلیارد دلار به‌کشورهای سرمایه‌داری رشد‌ـ یافته ونهادهای مالی بین‌المللی آنها "بدهکار"ند .انتظار میرود ،که این پیکره درجریان سالهای ۸۰ سه برابر شود .بسیاری ازکشورهای رشد یابنده نه‌بخاطر تامین‌مالی برنامه‌های‌عمرانی خود ،بلکه‌صرفا به منظور بازپرداخت بهره‌سالیانه‌خویش وام‌می‌گیرند .

برای نمونه ،ذخیرهٔ ارزی تانزانیا در خرداد امسال تنهاچیزی درحدود ۲/۱ میلیون دلار بود ، که تنها کفاف واردات دوروز این کشور رامیداد .این‌کشور تاکنون‌حداقل ۳۰۰ میلیون‌دلار وام‌های خارجی خود را به‌موقع نپرداخته‌است .در حالیکه تانزانیا در سال ۱۳۵۱ می‌توانست با تولید پنج‌تن‌چای یک تراکتور وارد کند .این‌نسبت درسال ۱۳۵۸ به ۱۳ تن‌چای درازای یک تراکتور رسید .

گروه‌باصطلاح "۷۷ کشور "جهان سوم " (که‌اکنون شماره‌شان به ۱۱۰ نزدیک‌می‌شود ) در حدو ۱۰ سال پیش به‌روشنی نشان‌داد که چگونه میتوان‌مسائل نامبرده را حل کرد . پیشنهادهای موثر وخردپسندانه‌آنها ، ازجمله ،کوشش در راه‌ایجاد یک "نظام اقتصادی‌بین‌المللی‌جدید " ، تعیین قیمت‌های‌تضمین‌شده برای صادرات موادخام‌کشورهای‌رشدیابنده ،تسهیل شرایط واگذاری وبازپرداخت وام و انتقال تکنولوژی به "جهان‌سوم " و غیره رادر برمیگرفت .

ایالات‌متحدهٔ آمریکا همواره جبهه مقاومت‌علیه خواستهای‌عادلانه کشورهای "جهان‌سوم " را راهبر بوده است .دولت‌آمریکا پیوسته‌تلاش‌ورزیده است ،که‌بحث درباره مسائل‌اقتصادی ـاجتماعی‌ازحیطه سازمان‌ملل‌متحد ، که‌کشورهای "جهان‌سوم " درآن‌اکثریت دارند ،دوربماند .علت‌محدودماندن "گردهمایی‌کنکون " را تنها در این واقعیت باید جستجوکرد .

درآخرین کنفرانس سران هفت کشور صنعتی سرمایه‌داری ،یکی از مسائل مورد بحث ،اصرار کشورهای اروپای‌باختری (بویژه آلمان‌فدرال و فرانسه ) براین‌بود ،که‌دولت‌ریگان لاـ اقل دراعلامیه مشترک این کنفرانس نرمش‌بیشتری برای گنجانیدن جملات دلجویانه‌تری در قبال خشم فزاینده کشورهای "جهان‌سوم "نشان‌دهد ، اما در اعلامیه مشترک "کنفرانس اوتاوا " تنها با گفته دروغین‌وبی‌معنای زیربر می‌خوریم :

"ما خودرا نسبت به‌حفظ و در بسیاری موارد افزایش‌کمک‌های عمرانی رسمی‌خویش متعهد می‌دانیم و درراه کسب تفاهم همگان‌دراین زمینه‌کوشش خواهیم‌ورزید .ما‌بخش عمدهٔ کمک خود را به‌کشورهای فقیرتر اختصاص خواهیم‌داد . . . "

درحالیکه هیجده‌سال‌پیش "کمک" ایالات‌متحده به‌کشورهای "جهان‌سوم " ۰/۶ درصد فرآورده ناویژهٔ اجتماعی آمریکا را تشکیل می‌داد .این رقم‌سال پیش به ۲۷% رسید . دولت‌ریگان‌قصد دارد ،که‌این "کمک " را کاهش بیشتر دهد وهم‌اکنون ازواگذاری وجوه‌مربوط به‌کشورهای "جهان‌سوم"به‌سازمانهای‌مالی بین‌المللی (چون "بانک‌جهانی " و "صندوق‌بین‌المللی‌پول " )خود داری کرده‌است .سیاست‌ضد "جهان‌سوم " ریگان ،ازجمله ،درانتصاب "کلاوزن " به‌سمت رئیس جدید "بانک‌جهانی " نمایان‌شد . "کلاوزن " ، که به‌عنوان "قهرمان‌بخش‌خصوصی " شهرت یافته همواره‌مخالفت خودرا باکمک دولت‌ها به‌کشورهای فقیر ابراز داشته‌است .

حتی در اعلامیه‌مشترک "گرد ـ همایی کنکون "گفته‌می‌شد :"مادربرابر تدابیرحمایت‌آمیز (ازسوی‌دولت ) به مقاومت‌ادامه‌خواهیم‌داد .

اصرار ریگان بر حفظ نرخ بهرهٔ بالا در آمریکا ،اگر برای اقتصادکشور‌ـ های رقیب ایالات‌متحده ،یعنی‌کشور‌ـ های‌سرمایه‌داری اروپای غربی و ژاپن زیانبار باشد ، برای کشورهای رشد ـ یابنده فاجعه‌بار است .

درجلسه‌تدارکی ،که روز ۹ مهر ۶۰ (۱ اوت ۱۹۸۱ ) باشرکت‌وزیران‌خارجه کشورهای "گردهمایی‌کنکون " برگزارشد بسیاری ازسخنرانان به‌بیهودگی ونا ـ کامیابی جلسه‌مکزیک در روزهای ۳۰ مهر و ۱ آبان اعتراف‌کردند .

به‌گفته وزیر خارجه مکزیک ، از جلسه‌نامبرده "نباید انتظار تصمیم مشخصی راداشت " .

یکی‌ازنمایندگان ونزوئلا افزود که "گردهمائی کنکون "تنهاگردهمایی برای‌مبادله‌افکار ونظرات‌خواهدبود " .

باآنکه جزئیات مذاکرات گرد‌ـ همایی "شمال ـجنوب "هنوزفاش‌نشده است .ازهم‌اکنون میتوان‌گفت‌که "گرد‌ـ همایی‌کنکون "هم به‌هیچ‌روی پاسخ ـ گوی نیازمندیهای مبرم کشورهای‌رشد‌ـ یابنده‌نبوده‌است .

# درهفته‌ای که گذشت:

## تأخیر کافی است

درآخرین روز هفته گذشته ، کمیسیون اموربازرگانی مجلس شورای اسلامی‌کلیات‌لایحهٔ دولتی‌کردن بازرگانی‌خارجی را تصویب‌کرد .

درهمین‌روز آقای حبیب‌اله‌عسکر اولادی ،وزیربازرگانی ،درمصاحبه ای اعلام‌کردکه :

"برای‌دولتی‌کردن بازرگانی خارجی سه‌شاخه‌معاونت‌خرید ،صادرات‌و تعاونی‌ایجاد‌شده‌است . " (اطلاعات ـ ۳۰ مهر ۱۳۶۰ )

وزیربازرگانی باتاکید براین امر که : "اصل چهل‌وچهارم‌قانون اساسی (دولتی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی ) قابل پیاده‌شدن‌است وهیچ‌نگرانی درپیاده کردن‌آن‌وجودندارد " (همانجا )افزود "باید ابتدادر مورد دولتی کردن‌واردات سرعت به‌خرج‌دادوسپس درمورددولتی‌کردن‌صادرات تصمیم گرفت . " (همانجا )

به‌نظرماهم تاخیردردولتی‌کردن بازرگانی‌خارجی‌کافی‌است . باید سرعت‌بخرج‌داد وبا تصویب این‌قانون درمجلس‌شورای‌اسلامی ،هرچه زودتر مبارزه‌باگرانی و احتکار را ، که چون خوره‌به‌جان‌انقلاب‌افتاده ،آغازکرد .با



تاکیدی‌که‌رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی‌در نمازجمعه‌این‌هفته‌براهمیت تفویض اختیارات ولایت به اکثریت مجلس گردهمه‌مردم‌ایران‌امیدوارندکه این لایحه‌ودیگرلوایح‌بنیادی هرچه‌زودتر‌ـ درمجلس‌مطرح‌وتصویب شود .

## اخلال در روابط ایران و سوریه

اکنون که‌بعداز دوسال سیاست خارجی‌ایران ،به‌برکت‌رهائی ازچنگال لیبرال‌ها ،سمتی درخوردانقلاب شکوه‌ـ مندماپیداکرده‌است ومیرود تا جای شایسته‌خودرا درجبهه‌جهانی انقلاب بیابد ،دست‌های‌پنهان‌وآشکاربه‌خراب کاری در روابط ایران ودوستان‌خارجی آن‌ادامه‌می‌دهند .

سفارت‌جمهوری عربی‌سوریه در تهران ،طی‌نامه‌ای که برای روزنامه‌ها فرستاده از یکی از این موارد پرده‌بر‌ـ داشته‌است .سفارت‌سوریه در نامه خود که‌در روزنامه کیهان (پنجشنبه ۳۰ مهر ۶۰ ) چاپ‌شده ،اعلام‌کرده‌است که ، روزنامه تهران‌تایمز در سرمقاله بی‌ـ امضای خود در ۱۸ شهریور ۱۳۶۰ ،در ارتباط بااستقرار موشک‌های‌شوروی در لبنان‌نوشته‌است :

"سوریه بطورغیررسمی موافقت خودرا باخروج موشک‌های خود ازلبنان اعلام‌داشته‌است . . .وازاین موشک ها علیه‌اسرائیل‌استفاده‌نخواهدکرد . . . "

سفارت‌سوریه ضمن‌تاکید بر این امرکه "موشک‌ها همچنان‌درجای خود مستقرهستند "به‌مقاله‌مندرج درشمارهٔ ۲۱ شهریور ۶۰ "تهران‌تایمز " اشاره کرده ،که درآن‌ادعا شده : "رژیم‌سوریه بااسرائیل‌روابط مخفیا نه‌دارد "سفارت سوریه‌درنامه‌خود ،آنگاه به‌سرمقاله ۲۷ مهر ۱۳۶۰ پرداخته ،که‌درآن شخصی به‌نام "حاجی‌موسویان " نوشته‌که : " وی درملاقاتی‌که با "برادران مسلمان سوری "به‌هنگام‌ادای‌فریضه‌حج داشته است ،آنها از روابط نزدیک جمهوری اسلامی‌ایران بادولت غیرمردمی سوریه وابسته‌به‌شوروی ابرازنارضایتی‌کردند . وبعدازاین‌که‌برادرموسویان به‌برادران خودوعدهٔ قطع روابط ایران با سوریه درصورت صحت ادعاهای آنهارا‌داده بود ،بطورآشکار وزارت امور خارجهٔ ایران‌را ازگسترش روابط‌خود بادولتی همچون سوریه برحذر داشت " . (کیهان ـ ۳۰ مهر ۱۳۶۰ )

سفارت‌سوریه درایران ابراز اطمینان‌کرده‌است که : "آنچه که در این‌روزنامه‌منتشرشده‌است ،به هیچ عنوان‌نمی‌تواند مواضع‌ونظرات‌انقلاب اسلامی‌وخط‌امام رانشان‌دهد " . (همان جا )

به‌نظرماهم دراین‌مسئله تردید نیست ،ولی‌کسانی‌که‌درمطبوعات به اخلال‌در روابط‌ایران با دوستان انقلاب‌ایران مشغولند ،باید شناخته وطرد شوند .

## قابل توجه طرفداران تز «سازش دو ابر قدرت»

درحالیکه‌امپریالیسم جهانی ، به‌سرکردگی امریکا آشکارا دستیاران و دست‌نشاندگان خودرا درمنطقه با آخرین‌سلاح‌های‌مرگبارمسلح‌می‌کند و آمادهٔ لشکرکشی به‌انقلابیون منطقه ، ازجمله‌خلق قهرمان‌فلسطین‌می‌شود ، هفته‌گذشته یاسرعرفات ،رئیس کمیته اجرائی سازمان‌آزادیبخش‌فلسطین همراه‌باچندتن ،دیگر از رهبران فلسطین به‌اتحادشوروی سفرکرد . در این‌سفر دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین درمسکو به‌سفارت تبدیل شد وشخصیت‌های فلسطینی طی اظهار‌ـ نظرهائی این‌اقدام راستودندو موضع شوروی در قبال مقاومت فلسطین را موردتمجید قراردادند . "ابوایادٌعضو کمیته‌مرکزی‌سازمان‌الفتح گفت این اقدام‌بهترین دلیل برای‌عمق روابط فلسطین‌باشوروی است ، که به‌ملت‌های مبارز در راه استقلال وآزادی خواهی کمک‌می‌کند : (کیهان ـ ۳۰ مهر ۱۳۶۰ )

"یاسرعبدرابوه "معاون‌دبیرکل جبههٔ دمکراتیک برای‌آزادی‌فلسطین نیزگفت :

"اقدام‌شوروی مبنی بر اعطای رسمیت دیپلماتیک به‌دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در مسکو نشان استحکام موضع شوروی در همبستگی‌با انقلاب فلسطین‌است : (همانجا )

به‌گزارش خبرگزاری‌ها ابوایاذ "ازکشورهای عرب که هنوز در بر ـ قراری محکمترین روابط‌با این دوست ومتحد بزرگ ،یعنی شوروی تردید دارند ،خواست‌که‌تردید را کنار بگذارند ودست‌های خودرا به سوی اتحادشوروی درازکنند ،تابتوانند با کمک‌شوروی ودیگر کشورهای بلوک سوسیالیست‌به‌رویاروئی باامپریالیسم وتوطئه‌های آن‌درمنطقه‌بپردازند . " (همانجا )

مابدون اظهارنظر ،توجه آن نیروهای‌مسلمان‌انقلابی را ،که هنوز بر "سازش دوابرقدرت "باور دارند ، به‌این‌واقعیت‌ها جلب‌می‌کنیم .

## بختیار و بنی صدر

حوادث واخبار جدید پیاپی ازماهیت بنی‌صدر پرده برمیدارد و بیشترازپیشتر نشان‌می‌دهد که انقلاب ایران‌باسرنگونی باندبنی صدرـ رجوی برچه‌خطر بزرگ‌بزرگی غلبه‌کرده‌است .

براساس اعترافات سودابه سدیفی ،عضوکادر مرکزی حزب‌آمریکا ـچینی "رنجبران " ،همسراحمدغضنفر پور ،مائوئیست‌فراری و مشاور بنی‌صدر شاپوربختیار ،نوکرنامدار امریکا ،برای براندازی‌انقلاب‌ایران ۱۲ میلیون‌فرانک به‌بنی‌صدرکمک کرده‌است .این کمک "انقلابی "که‌سند آنهم از تلویزیون نشان‌داده‌شد ،هنگامی به بنی صدر پرداخت‌گردیدکه او رئیس جمهور اسلامی‌ایران‌بود وباعوامفریبی‌وموذی‌ـ گری مقدمات‌کودتا علیه انقلاب را فراهم‌می‌کرد .ازآنجاکه "مرغک‌طوفان نمی‌توانسته‌شخصا صاحب این ثروت هنگفت باشد ،بدون‌شک منبع تامین آن‌را باید در "سیا " و . . . پیداکرد .

وباردیگر بایدتوجه‌اعضاء وهوا‌ـ داران "مجاهدین‌خلق " را به‌این واقعیت جلب‌کرد .

## چه نیروهایی مخالف تصویب لوایح بنیادی هستند؟

بدنبال نامه‌اخیرامام‌خمینی ، رهبرانقلاب وبنیانگزارجمهوری‌اسلامی ایران ،به‌مجلس‌شورای‌اسلامی‌وتفویض اختیارات به اکثریت نمایندگان ، روحانیون‌پیروخط‌امام در سخنان و مصاحبه‌های خود از این امر تقدیر و پشتیبانی کردند .

روحانیون پیرو خطاامام ، نظیر آنچه آقای سیدحسین‌موسوی‌جهان ـ آبادی درمصاحبه باروزنامهٔ اطلاعات گفت ،تاکیدکردند :

"مهمترین وظیفهٔ مجلس در شرایط حاضر این‌است‌که‌هرچه‌زودتربا طرح‌های‌انقلابی مشکل‌کشاورزی و فئودالیته ،مشکل زمین‌ومسکن ،مشکل سرمایه‌داری واستکبار مالی ، مشکل بازرگانی‌خارجی وتجارت داخلی و مشکلات دیگر که نیازبه‌اعمال ولایت دارد‌حل‌نمایند . " (اطلاعات ـ ۲۷ مهر ۱۳۶۰ )

روحانیون دیگری ،از جمله حجت‌الاسلام‌موحدی پورساوجی ، ضمن تاکید براینکه اجرای قوانین انقلابی "مشکلات و نارسائی ها ی اقتصادی ،اجتماعی ،فرهنگی‌رامرتفع ساخته ،ریشه‌های ظلم‌وتجاوزواستثمار بی‌رحمانه ،دست‌خانها وفئودال‌ها و سرمایه‌داران زالوصفت ومستکبرین و خیانت‌کاران را از سر این مردم‌فدا‌ـ کار ومبارز کوتاه " (اطلاعات ـ ۲۷ مهر ۱۳۶۰ ) می‌سازد ،مخالفین این لوایح‌رابرشمردند :

"اول‌سرمایه‌داران وپول‌پرستان قارون‌صفت‌که‌با بهره‌گیری از ابوموسی اشعری‌های‌مقدس‌مآب‌زمان برای جلو‌ـ گیری ازتوزیع عادلانه‌نظیرملی شدن تجارت‌خارجی ،توزیع عادلانهٔ آب ، اصلاحات‌ارضی‌منطبق باموازین‌اسلام اجرای‌اصل ازکجاآورده‌ای ،تعاونی‌ـ های‌تولیدوتوزیع . . .فریادوااسلا ما سرمی‌دهند . . .

دوم علماوروحانیونی که یا در ولایت‌فقیه یا درحدود اختیارات و موارد ومصادیق اعمال‌ولایت القا شبهه‌می‌کنند و با اینکه اکثرا اینها با سواد ومتدین وآدم‌های خوبی‌هستند امادراثر ضعف بینش‌اجتماعی‌وسیاسی وعدم شناخت‌نقشه‌هاوتوطئه‌ها تحت تاثیر دسته‌اول قرارگرفته ،بجای‌آنکه درمسلمانی وصداقت‌خان‌هاوفئودال‌ـ هاوسرمایه‌داران‌زالوصفت و ظالم شک کنند وبادقت وبررسی‌آنهارابشناسند گول ظاهرآنهاراخورده وبه‌دفاع از آنان‌می‌پردازند . " (همانجا )

# وقایع مهم جهان در یک هفته

## آزمایشگاه موشکی پاکستان در نزدیکی مرزهای ایران

شرکت "اوتراگ" آلمان غربی قراراست سلاح‌های موشکی خودرا در پاکستان آزمایش کند.

برپایه گزارش هفته‌نامه هندی "بلیتنر"، اسلام‌آباد با این شرکت قراردادی درباره ایجاد یک منطقه آزمایش درایالت بلوچستان پاکستان بسته است. ساختن ماهواره‌های هواشناسی تنها پوششی برای تولید جنگ‌افزارهای موشکی، ازجمله موشک‌های "کروز"، است.

ازسوی دیگر سنای آمریکا واگذاری ۳/۲ میلیارد دلار جنگ افزار رابه پاکستان تصویب کرد. در چارچوب این برنامه، ۱۶ جنگنده بمب افکن، که بمب اتمی نیز می‌توانند حمل کنند، به پاکستان داده خواهد شد..

## موج اختناق در مصر و سودان بالا گرفت

در مصر، نیروهای "امنیتی" به بازداشت مخالفان رژیم ادامه می‌دهند. به گزارش خبرگزاری‌ها، تاکنون چندین هزارنفر دستگیر شده‌اند. (به گزارش "خبرگزاری فرانسه"، ۱۳۰۰ هزار نفر) بویژه درآستانه گشایش دانشگاه‌های مصر، که همواره یکی از سنگرهای مهم مبارزه مردم مصر علیه خیانت و هم پیمانی سادات با اسرائیل وایالات متحده امریکا به شمار میرفته‌اند، موج اختناق در مصر بار دیگر بالاگرفت. رژیم مصر ادعاکرد، که همه بازداشت‌شدگان "متعصبین مذهبی" هستند.

حسنی مبارک، رئیس جمهورجدید مصر، در سخنرانی در پارلمان از عزم زمامداران مصر درباره تشدید تدابیر اختناق آمیز علیه مخالفان سخن گفت چندی پیش از ترور انورسادات، درحدود پنج هزارنفر ازمیهن دوستان مصربازداشت شدند.

درشهر "المنصوره" جلسه‌ای مرکب ازفعالان "حزب مترقی - ملی چپ خواستار لغو وضع فوق‌العاده و آزادی بازداشت شدگان گردید. دربیانیه این جلسه میخوانیم:

"ایالات متحده می‌خواهد مصر را تابع منافع خود در خاورمیانه سازد."

"جلسه المنصوره" همچنین نگرانی خود را ازخطر مخاصمه با لیبی ابرازداشت و افزود که "این تنها بسود دشمنان خلق‌های عرب خواهد بود."

وزیردفاع مصر اعلام کرد، که ۱۳۴ افسروپرسنل ارتش "پاکسازی" شدند.

ازسوی دیگر، درسودان نیز سرکوب مخالفان نمیری ادامه دارد. بگزارش "یونایتدپرس اینترنشنال"، تنها در روز چهارشنبه ۲۹ مهر ۶۰، بیش از ۲۰۰ نفردستگیر شدند. به اعتراف وزیردفاع سودان، در دوماه گذشته ۱۲۰۰ نفر بازداشت گردیدند.

## تدارک توطئه آمریکا و دستیارانش علیه لیبی ادامه دارد

مطبوعات سوریه گسیل دو هواپیمای "آواکس" را از سوی آمریکا به لیبی بمنزله تدارک تجاوز علیه لیبی ارزیابی کردند.

روزنامه "السوریه" نوشت:

"نقشه ایالات متحده آنست که برای تجاوز خود علیه لیبی از مصر و سودان استفاده جوید".

ازسوی دیگر، مقامات لیبی ادعای محافل امپریالیستی را، که گویا لیبی تجاوزی را علیه سودان و یا دیگر کشورها تدارک می‌بیند، ردکردند. آنها اعلام داشتند، که لیبی تنها با مداخله خارجیان درامورمنطقه مخالفت دارد

هواپیمابر "آمریکا" ازکانال سوئز گذشت و به ۳۰ کشتی ناوگان ششم ایالات متحده در مدیترانه شرقی پیوست.

ناوگان ششم ازترورسادات تاکنون بحالت آماده‌باش درآمده است و قرار است چندروز دیگر با "سپاه واکنش سریع" درمانوری مشترک شرکت کند. هدف این مانور اعمال فشار به کشورهای منطقه، بویژه لیبی، است.

## دانشجویان صدکشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین درکشورهای سوسیالیستی مجانی تحصیل می‌کنند

بگزارش دبیرخانه "شورای همیاری اقتصادی" پائیز امسال ۴۴ هزار دانشجو از کشورهای رشدیابنده تحصیلات دانشگاهی خود را درکشورهای عضو این شورا آغاز کردند.

دانشجویان بیش از صدکشورآسیا، آفریقا وآمریکای لاتین درکشورهای سوسیالیستی رایگان به تحصیل مشغولند.

## اقتصاد بیمار آمریکا درآئینه آمار رسمی

| | |
|---|---|
| نرخ بیکاری درمه ۱۹۸۱ | ۷/۶ درصد |
| سهم جوانان (زیر ۲۵ سال) در شمارهٔ بیکاران | ۴۵/۷ درصد |
| شاخص دستمزد خالص هفتگی (بدون کشاورزی) به قیمت ۱۹۶۷ | ۸۳/۵۶ درصد |
| "رشد" تولید صنعتی درچهارم اول ۱۹۸۱ درمقایسه باچهارم اول ۱۹۸۰ | ۰/۶ - درصد |
| افزایش قیمت مصرف از آوریل ۱۹۸۰ تا آوریل ۱۹۸۱ | ۱۰ درصد |
| کسری تراز بازرگانی خارجی سال ۱۹۸۰ | ۳۲/۳- میلیارد دلار |

## برژنف ریگان را به رد صریح اندیشهٔ تهاجم هسته‌ای فراخواند

ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، اعلام کرد که، ممکنست اروپا به صحنه جنگ هسته‌ای محدود تبدیل شود.

این گفته نارضایتی و خشم وسیع کشورهای اروپائی را برانگیخت.

لئونید برژنف، دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحادشوروی، در پاسخ به گفته ریگان، اظهار داشت:

"انتظار پیروزی درجنگی هسته‌ای دیوانگی خطرناکی است."

برژنف افزود:

"تنها کسی که قصد خودکشی دارد میتواند، به امید پیروزی، جنگی هسته‌ای را آغاز کند. این موضع اصولی ماست چه خوب میبود رئیس جمهور ایالات متحده هم علنا اندیشه تهاجم هسته‌ای را بعنوان اندیشه‌ای جنایتکارانه محکوم می‌ساخت."

برژنف در پایان سخنان خودگفت:

"اکنون نوبت ایالات متحده آمریکا ورهبران آنست که در اینباره اظهار نظرکنند."

دراین میان، ریگان مجبور شد بیانیه دیگری درباره دکترین نظامی - استراتژیک "واشینگتن" منتشرسازد. کاملا روشن است که، هدف ازاین بیانیه کوشش برای فرونشاندن آتش خشم جهانیان درباره ادعای وی مبنی بر امکان "جنگ هسته‌ای محدود در اروپا" است. اماوی تاکنون از دادن هرگونه پاسخی به سئوال صریح برژنف طفره رفته است.

## "ساف" و ویتنام ابتکارات صلح اتحادشوروی را ستودند

در پایان دیدار یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" از ویتنام بیانیه مشترکی انتشار یافت. در این بیانیه دوطرف "پشتیبانی خود را ازبرنامه صلح کنگره بیست وششم حزب کمونیست اتحادشوروی" ابرازداشتند.

برپایه این بیانیه مشترک:

"جمهوری سوسیالیستی ویتنام و سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای ابتکارات صلح اتحادشوروی ارج فراوان قائل هستند."

آنها نقشه‌های خصمانهٔ ایالات متحده را علیه لیبی محکوم کردند.

## آمریکا می‌خواهد متحدان خود را هم در دسیسه‌های خویش در خلیج فارس شرکت دهد

"پراودا" "ادعای ایالات متحدهٔ آمریکا را درباره اینکه این کشور در زمینه نظامی ازاتحادشوروی عقب افتاده است، "دروغی عمدی" خواند. "پراودا" این تفسیر را دربارهٔ جزوه‌ای، که چندی پیش ازطرف "پنتاگون" به این منظور چاپ شد، انتشار داد. به نوشته این روزنامه، "دروغ نامبرده برای ارعاب مردم غرب وجلب موافقت آنها برای افزایش بودجه نظامی اختراع شده است. درتحلیل نهایی، این چیزی جز کوشش برای دستیابی به برتری نظامی براتحاد شوروی نیست."

"فدراسیون جهانی انجمن‌های هواداران سازمان ملل متحد "نگرانی خودرا از وخامت اوضاع بین‌المللی بر اثرسیاست‌های تجاوزکارانهٔ ایالات متحده وهم پیمانان آن در "ناتو" ابراز داشت.

این نگرانی درکنفرانس فدراسیون نامبرده در ژنو اعلام شد، که نمایندگان ۴۵ کشور وچندین سازمان بین‌المللی در آن شرکت کردند.

کنفرانس ژنو درا علامیه‌ای خواستار تشدید فعالیت در راه خلع سلاح شد.

"فدراسیون "دربارهٔ گفتگوهای آتی اتحادشوروی - آمریکا طرفین را فراخواند، تا "این گفتگوها را جدی بگیرند وتوافق‌های پیشین را رعایت کنند."

این گفته حاکی ازنگرانی نمایندگان کنفرانس "فدراسیون جهانی انجمن‌های هواداران سازمان ملل متحد "ازتصویب قراردادهای "سالت - ۲" است، که هم اکنون به امضای سران اتحاد شوروی و آمریکا رسیده است.

ازسوی دیگر، "پراودا" درمقاله‌ای در روز ۲۷ مهرماه ۶۰ کوشش ایالات متحده آمریکا را برای استقرار مواضع ازدست رفته خود در جهان از طریق صدور ضدانقلاب "جنایتکارانه" خواند.

به نوشته "پراودا":

"واشینگتن" بدین منظور به انباشت بیسابقه جنگ‌افزار دست زده و مناطق وسیع آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را آماج تجاوزکاری خود قرار داده است.

"پراودا" می‌افزاید:

"واشینگتن" بر متحدان خود فشار واردمی‌آورد، تا آنها را به افزایش بودجه نظامی خود وشرکت در اقدامات احتمالی درحوزهٔ خلیج فارس و دیگر مناطق جهان وادار سازد."

ازسوی دیگر، "گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو" در اجلاس خود در اسکاتلند تصمیم خودرا دربارهٔ استقرار موشک‌های میان‌برد هسته‌ای آمریکا در اروپای غربی تائیدکرد. گفته می‌شود که کاسپارواینبرگر، وزیردفاع آمریکا، در این زمینه همتاهای خودرا تحت فشار فراوان قرارداد. او، ازجمله، ادعای کذایی خودرا دربارهٔ به اصطلاح "خطر شوروی" تکرارکرد.

"گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو" همچنین دربارهٔ چگونگی مقابله با جنبش وسیع ضدجنگ دراروپا تصمیماتی گرفت.

## پیروزی بزرگ نیروهای چپ در یونان

"جنبش سراسری سوسیالیستی یونان" ("پاسوک") در انتخابات پارلمانی یونان پیروزشد. این حزب در پارلمان ۱۷۴ کرسی را دراختیار خواهدداشت، که اکثریت مطلق کرسی‌های پارلمانی است.

"حزب کمونیست یونان" شماره کرسی‌های خود را به ۱۵ افزایش داد.

"آندریاس پاپاندریو، رهبر "جنبش سراسری سوسیالیستی یونان" در جریان مبارزات انتخاباتی قول داده‌بود، که سوسیالیست‌ها درصورت پیروزی مسئله کناره‌گیری یونان را از "ناتو" و "بازارمشترک" بررسی خواهندکرد.

فلوراکیس، دبیرکل حزب کمونیست یونان، درتفسیری دربارهٔ نتایج انتخابات گفت:

"کمونیست‌ها حاضرند به وظیفهٔ خودبرای تامین تغییرات دمکراتیک دریونان عمل کنند".

دراین میان، پاپاندریو به نخست وزیری یونان برگزیده شد.

## پول "سیا" برای ضدانقلابیون لهستان

خبرگزاری "تاس" "مداخله محافل امپریالیستی "ناتو" رادرامورلهستان محکوم کرد. این خبرگزاری در تفسیری خاطرنشان ساخت، که "سازمان جاسوسی آمریکا ودیگرکانون‌های خرابکاری غرب فعالیت‌های خودرا علیه لهستان شدت بخشیده‌اند. در ایالات متحده آمریکا مرکزهماهنگی پدید آمده است، که "سیا" درآن شرکت فعال دارد. علاوه‌براین، درمجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا چندی پیش قطعنامه‌ای تصویب شد، که درواقع برای دولت لهستان در سیاست داخلی وخارجی تعیین تکلیف می‌کند.

کمیته‌مرکزی "حزب متحدکارگری لهستان "پلنوم خودرا در ورشو ادامه داد.

نه‌تن ازاعضای کمیته‌مرکزی، از جمله یک عضوهیئت سیاسی، استعفای خودرا از "همبستگی" اعلام‌کردند.

براتکوفسکی، رئیس "اتحادیهٔ روزنامه‌نگاران لهستان"، بخاطر فعالیت‌های مغایر باتصمیمات حزب، از "حزب متحدکارگری لهستان" اخراج شد.

درپلنوم کمیته‌مرکزی و یسخیا - روزلسکی به‌سمت دبیراول کمیته‌مرکزی "حزب متحدکارگری لهستان" انتخاب گردید. وی همچنان مقام نخست‌وزیر و وزیردفاع را بعهده‌خواهدداشت.

استانیسلاوکانیا، به درخواست خودازسمت دبیراول کمیته‌مرکزی معاف شد.

چندتن ازاعضای کمیته‌مرکزی از رهبری حزب، بخاطرعدم قاطعیت کافی برای اجرای مصوبات کنگره فوق‌العاده، انتقادکردند.

در پلنوم کمیته‌مرکزی سندی به اتفاق آراء تصویب شد، که درآن وظائف اعضاوسازمان‌های حزبی مشخص گردیده است.

دراین‌میان فاش‌شد، که ضد - انقلابیون لهستان تاکنون ۲۵۰ هزار دلار بظاهر از به اصطلاح سندیکاهای آمریکا ودرواقع از "سیا" دریافت داشته‌اند. فزون‌براین، به‌حساب بانکی ۴۲۰ تن ازفعالان همبستگی بطور منظم ازخارج پول واریز می‌شود.

## در ترکیه احزاب سیاسی منحل اعلام شدند

درترکیه اعلام شد، که همه احزاب سیاسی منحل گردیده‌اند. درعین حال، "شورای امنیت ملی" حاکم برکشور دستور مصادره اموال این احزاب راصادرکرد.

من شما کوخ نشینان را از آن کاخ نشینان بالاتر می‌دانم (امام خمینی)

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز ومدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده - (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی
صندوق شماره ۳۱۴/۱۱۱۷